
ترویج فرهنگ
ایثار و گذشت
در
رسانه ملی
مهناز رحیمانی

بسم الله الرحمن الرحیم

ترویج فرهنگ ایثار و گذشت در رسانه ملی

نویسنده:

مهناز رحمانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ترویج فرهنگ ایثار و گذشت در رسانه ملی

مشخصات کتاب

ترویج فرهنگ ایثار و گذشت در رسانه (کد: ۱۸۵۳)

به کوشش: مهناز رحمانی

تهیه کننده و ناشر: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ویراستار ناظر: محمدصادق دهقان

ویراستار: مرضیه علاقه بند

طراح جلد: محمدجواد حق پرست

صفحه آرا: اکرم السادات بنی زهرا

حروف نگاران: ندا فرحناک و مرضیه معارف وند

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۱

نمونه خوانان: ندا فرحناک و دنیا یاراحمدی

بازخوان: محبوبه پیمانی

شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

بهاء: ۴۵۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۲۹۱۵۵۱۱ _ ۰۲۵۱ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

تهران: خیابان جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸ _ ۰۲۱ نمابر: ۲۲۱۶۴۹۹۷

دفتر خراسان: مشهد _ خیابان امام خمینی رحمه الله ، جنب باغ ملی، ساختمان صبا، طبقه سوم

تلفن: ۲۲۱۵۱۰۸ _ ۰۵۱۱ نمابر: ۲۲۱۵۱۰۶

info@irc.ir www.irc.ir

شابک: ۰_۲۶۱_۵۱۴_۹۶۴_۹۷۸ Isnb:-۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۲۶۱-۰

ص: ۱

اشاره

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

تبیین موضوع

تبیین موضوع

بازسازی و تعالی شخصیت معنوی آدمی، هدف اصلی همه رسولان الهی بوده است. هر پژوهشگر حقیقت جویی با اندکی کاوش در منابع اولیه اسلام، معنویت سالاری و اخلاق محوری را در تار و پود آموزه های آن آشکارا خواهد دید. آرامش و امنیت در جامعه، مهربانی و محبت در روابط اجتماعی، هم بستگی و مشارکت در اجتماع، صبر و استقامت در برابر مشکلات و

امیـدواری و شادابی در زنـدگی، همگی از برکات وجود ایثار در جامعه اسـلامی است. ایثار به معنای گذشـتن از خود به سود دیگران اسـت و اینکـه دیگران را در چیزهـایی کـه بـه آن نیازمنـدیم، ترجیـح دهیـم. همـواره بـه مقـوله ایثـار بـه معنـای ازخودگذشـتگی و جان فشانی در راه آرمان و عقیـده، در زندگی بشـر و در جوامع مختلف، توجه شده است. فداکاری و جان فشـانی حتی در بین افرادی که به معـاد و خداونـد هم معتقـد نیسـتند، وجود دارد، اما عنصـر دین و فرهنگ حاکم بر جامعه در ارزشمندی و ارزش گذاری ایثار نقش اساسی دارد.

در دین اسلام، جانبازی و ازخودگذشتگی، از نشانه های مؤمنان است. همواره مؤمن با جان و مال خود، در راه تحقق هدفش می کوشد و ایثار می کند و به دلیل آنکه رفتار هر فردی، زاییده اعتقادات اوست و هیچ چیز برای مؤمن، ارزنده تر از رضای خدا نیست، حاضر است از جان و مال و هستی و تمام متعلقات خود بگذرد تا رضای الهی را به دست آورد. خداوند برای این افراد، ارج و قرب والایی قائل است و برخی از این ایثارگری ها را در قرآن بیان کرده است. داستان ایثار حضرت علی علیه السلام در لیله المبیت، نمونه ای از این موارد است.

ایثار، اصلی قرآنی و صفتی انسانی است که به شکل های گوناگون در قرآن کریم مطرح و ستایش شده است. خالی بودن زندگی از حسنات اخلاقی، بسیار خطرناک و عامل سقوط انسان از مرتبه انسانیت و سبب نابودی جامعه است. مشکل کنونی جامعه ما این است که به اسم پیشرفت و تمدن، دین کم رنگ شده است. هدف ما در این پژوهش، بیان این مسئله است که آیا با کم رنگ شدن دین در جامعه، اصول اخلاقی هم کم رنگ می شود؟ آیا بدون دین در جامعه ای اخلاقی، می توان زندگی کرد؟ به بیان دیگر، آیا بدون اعتقاد به باورهای دینی می توان از صفت های اخلاقی خاصی چون ایثار و گذشت برخوردار بود؟ در این پژوهش، پس از بررسی معانی اصیل ایثار و گذشت، با در نظر گرفتن موانع موجود، راهکارهایی برای ایجاد، اصلاح، ترویج و درون سازی فرهنگ ایثار و گذشت در جامعه پیشنهاد می شود تا روحیه معنوی و دین داری آحاد جامعه، تقویت و جامعه به مدینه فاضله اسلامی نزدیک شود که مطلوب خدا، پیامبران و اولیای الهی است.

تعریف مفاهیم پژوهش

اشاره

تعریف مفاهیم پژوهش

زیر فصل ها

ایثار

اخلاق

گذشت

فضیلت

ایثار

ایثار

ایثار به معنای «برگزیدن، دیگران را بر خویش مقدّم داشتن و مانند آن است»(۱) و در اصطلاح، «بخشش به کسی در مورد چیزی [است] که خود فرد به آن نیاز دارد.»(۲) ایثار از باشکوه ترین مظاهر جمال و جلال انسانیت است و تنها انسان های بزرگ به این قله بلند صعود می کنند. ایثار شامل گذشتن از جان، مال، مقام، شخصیت و مانند آن در راه خدا می شود، ولی بیشتر در مقدّم داشتن دیگران در امور مالی یا مقدّم داشتن خواسته دیگران به کار می رود.

خودخواهی و خودپرستی، ضد ایثار و گذشت و فداکاری است و انسان را از کارهای ارزشمندی چون جهاد و مبارزه باز می دارد. خودخواهی، یعنی انسان همه چیز را برای خود بخواهد و خویشتن را بر دیگران مقدّم دارد. طبیعی است که با وجود این صفت، ایثار و فداکاری برای او مفهومی نخواهد داشت؛ زیرا در صورت شرکت در فعالیت های ایثارگرانه و دادن جان، همه دارایی خود را از دست رفته می بیند و به نظر او نتیجه ای نخواهد گرفت. ازاین رو، خودپرستی و خودخواهی، سرچشمه گناهان بزرگی چون دوستی دنیا، دوستی مال، بخل و امثال آنها می شود که هر یک مانعی مهم در رسیدن به سعادت ابدی است. امام علی علیه السلام می فرماید:

از اینکه آنچه را مردم در آن، یکسان بهره دارند، برای خود برگزینی، و اینکه خود را از آنچه برای هر بیننده آشکار گردیده است، به غفلت

۱- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج۸، ذیل واژه ایثار.
۲- ملا مهدی نراقی، جامع السعادات، ج۲، ص۱۲۲.

واداری و به خود اختصاص دهی بسیار پرهیز کن، که آن از تو گرفته و به دیگری داده خواهد شد.(۱)

برخی واژه ها و مفاهیم قداستی دارند که کم و بیش با تفاوت هایی، در همه جوامع بشری مطرح هستند؛ از جمله واژه های ایثار و گذشت که در همه عرف ها با قداست و عظمت به آن نگریسته شده است.

در فرهنگ عمید، ایثار به معنای بذل کردن، دیگری را بر خود برتری دادن و سود او را بر سود خود مقدّم داشتن و خود را برای آسایش دیگران به رنج افکندن آمده است.(۲) ایثار، نمود و نماد دیگرخواهی آدمیان است و روح نوع دوستی آنها را به نمایش می گذارد و گاه تا جایی پیش می رود که فرد یا حتی جمعی کثیر، جان خویش را برای دیگری و دیگران از دست می دهند و ایثار را تمام و کمال به جا می آورند. چنین افرادی نزد ملت ها و در تاریخ هر جامعه ای، به نمادهایی فراموش نشدنی تبدیل می شوند.

شهادت، فنا شدن انسان برای رسیدن به سرچشمه نور و هستی مطلق است. شهادت، مرگ به صورت کشته شدن است که شهید، آگاهانه، با هدفی مقدس و به تعبیر قرآن، «فی سبیل الله» انتخاب می کند. بنابراین، هر مرگی، شهادت نیست، بلکه این مرگ باید بر اثر کشته شدن باشد و این کشته شدن نیز دو شرط اساسی دارد تا شهادت نامیده شود:

۱. آگاهانه باشد: یعنی انسان، این نوع مرگ را با بصیرت برگزیند. شرط آگاهانه بودن نیز آن است که شهید، جبهه حق و باطل زمان خود را بشناسد و زیر پرچم حق، در رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف علیه باطل بجنگد.

۱- آقا جمال الدین خوانساری، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم، ج۳، ص۲۱۶.

۲- حسن عمید، فرهنگ عمید، ج۱، ص ۲۷۴ ـ واژه ایثار.

۲. فی سبیل الله باشد: قید «فی سبیل الله» به جهت و هدف شهید در جنگ با کافران و مشرکان اشاره دارد و بیانگر این معناست که جنگی ارزشمند است که هدفی جز الله در آن نباشد.

کلمه «ایثار» در فرهنگ بزرگ سخن، (۱) به معنای بذل، گذشت کردن از حق خود برای دیگران و نفع دیگری یا دیگران را بر خود ترجیح دادن آمده است. در لغت نامه دهخدا، این کلمه به معنای دیگران را بر خود مقدّم داشتن، برگزیدن و منفعت غیر را بر خود مقدّم داشتن و کمال درجه سخاوت، به کار رفته است.(۲)

اخلاق

اخلاق

واژه اخلاق، جمع «خلق»، در لغت به معانی گوناگونی، مانند ویژگی ذاتی، حالت طبیعی، خوی، فطرت، جوهره، طبیعت، سرشت، شیمه (طبیعت) و امثال آن آمده است. از دیدگاه اهل لغت، آنچه در باب شناخت معنای «اخلاق»، در خور تأمل و دقت است، این است که خلق و خوی، مانند ویژگی های فیزیکی و جسمی، در اعماق وجود انسان ریشه دارد و به آسانی قابل تغییر و زوال پذیر نیست، مگر با برنامه ریزی های دقیق تربیتی و پرورشی. بنابراین، اخلاق نزد لغویان به معنای حالت یا ملکه ای در نفس انسان است که بدون نیاز به تفکر و تدبر، خاستگاه صدور افعال خیر و شر می شود. بر این اساس، می توان گفت، اخلاق، مجموعه خصلت های روحی و باطنی انسان است که سرچشمه های رفتار و کردار او را تشکیل می دهند. اخلاق در لغت، جمع «خُلُق» یا «خُلق»، به معنای سجیه و طبیعت باطنی

۱- حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، ص ۶۷۵.

۲- لغت نامه دهخدا، ج ۳، ص ۳۶۸۲.

است و به صفاتی گفته می شود که بر اثر تکرار، در نفس انسان به صورت ملکه در آمده اند و رفتار متناسب با آن، بدون تأمل از انسان سر می زند.

بنابراین، اخلاق، سلسله خصلت ها و سجایا و ملکات اکتسابی است که بشر آنها را اصول اخلاقی می داند. به بیان دیگر، قالبی روحی برای انسان است که روح در آن قالب و طبق آن طرح و نقشه، ساخته می شود. در واقع، اخلاق، کیفیت روح انسان است. استاد مطهری می گوید:

اخلاق مرتبط با ساختمان روحی انسان است و بر این اساس با آداب و رسوم مرسوم در جوامع تفاوت دارد؛ چرا که آداب و رسوم، یک سلسله قراردادهای صرف هستند که به ملکات و خلقیات و قالب های روحی درونی ربطی ندارند.(۱)

گذشت

گذشت

گذشت در اصل به معنای «صرف نظر کردن و رها کردن» است. ازاین رو، برای بیان صرف نظر کردن از عقوبت گناه، «عفا عنه» به کار می رود.(۲) عفو معنای «تکثّر» می دهد. بدین مناسبت، در معنای «نموّ و افزایش» نیز به کار رفته و در عبارت قرآنی، «عَفَوْا و قالوا»(۳) به همین معناست.(۴) «عفا» به معنای «خاک» هم آمده است. بدین سبب که به خاک توجهی نمی شود.(۵)

۱- مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۲، صص ۲۴۸ و ۲۴۹.
۲- نک: بقره: ۲۰۷.
۳- نک: اعراف: ۹۵.
۴- عبدالواحد تمیمی آمدی، شرح غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: محمدعلی انصاری قمی، ج۲، ص۱۶۴.
۵- عبدالواحد تمیمی آمدی، شرح غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: محمدعلی انصاری قمی، ج۱، ص۳۷۳.

خداوند در قرآن کریم، با جملاتی زیبا، دل نشین و آکنده از محبت، عواطف پاک مؤمنان را مخاطب قرار می دهد و می فرماید: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ؛ و باید عفو کنند و گذشت نمایند. مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشاید؟ و خدا آمرزنده مهربان است.» (نور: ۲۲) نکته جالب این است که خداوند، عفو و گذشت حتی در برابر غیر مسلمانان را نیز مایه جلب محبت الهی معرفی می کند و می فرماید: «فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ ... فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ پس به [سزای] پیمان شکستنشان لعنتشان کردیم و دل هایشان را سخت گردانیدیم. پس، از آنان درگذر و چشم پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می دارد». (مائده: ۱۳)

هرگاه بردباری و بخشش، خلق و خوی آدمی گردد و به صورت ملکه درآید، نشان از تعالی روح دارد و برترین مکارم اخلاقی به شمار می رود. امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

گذشت و بردباری، به ویژه در برابر پرخاشگری نیازمندان، بهترین نوع انفاق است که گاه ارزش آن از انفاق مالی نیز بالاتر است. ازاین رو، هنگامی که مردم از پیامبر می پرسند چه چیزی انفاق کنند، خداوند در قرآن کریم به حضرت می فرماید که در پاسخ بگوید «عفو» را انفاق کنند: «يسْأَلُونَكَ مَاذَا ينفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ؛ و از تو می پرسند: «چه چیزی انفاق کنند؟» بگو: «مازاد [بر نیازمندی خود] را.»». (بقره: ۲۱۹)

بدین سان، قرآن کریم با توجه به اهمیت عفو و گذشت، پرسش مردم را درباره انفاق، با «انفاق عفو» پاسخ می فرماید و این از موارد فصاحت و بلاغت قرآن است.

این مطلب در آیه ای دیگر با صراحت بیشتری بیان شده است: «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيرٌ مِّن صَدَقَةٍ يتْبَعُهَآ أَذًى وَاللّهُ غَنِی حَلِيمٌ؛ گفتاری پسندیده [در

برابر نیازمندان] و گذشت [از اصرار و تندی آنان] بهتر از صدقه ای است که آزاری به دنبال آن باشد، و خداوند بی نیاز بردبار است.» (بقره: ۲۶۳) نیازمندان بر اثر هجوم گرفتاری ها و فشار فقر، ممکن است پیمانه صبرشان لبریز شود و سخنان اهانت بار و خشونت آمیزی بر زبان جاری سازند. کمترین کاری که توانگران برای جبران محرومیت آنان می توانند انجام دهند، این است که سخنانی که زبانه های آتش درون آنهاست، با بردباری بشنوند و تحمل کنند و آن را با ملایمت خاموش سازند.

فضیلت

فضیلت

«فضیلت» خصلت مطلوبی است که به منش اخلاقی نیز شناخته می شود. سعادت گرایان در تبیین مفهوم «فضیلت»، بر اموری مانند «صفت درونی»، «عادت و تمرین»، «انگیزه» و «پایه ای بودن برخی خصایص انسانی نظیر مراقبت» تأکید می کنند.

مفهوم «فضیلت»، ترجمه واژه یونانی آرته(۱) یونانی است که معادل لاتین آن ویرتوز(۲) و کاربرد رایج انگلیسی آن «Virtue» است. آرته، تاریخی کهن دارد که کاربرد آن به شش قرن پیش از میلاد می رسد، تا اینکه افلاطون و ارسطو آن را در معنایی اخلاقی تثبیت کردند. آرته، که خود ریشه در واژه آنِر، (۳) به معنای مرد در برابر زن دارد، در اصل به معنای هر نوع برتری است که شامل قدرت بدنی نیز می شود. افلاطون در جمهوری، از آرته اسب، سخن می گوید؛ یعنی آنچه مایه برتری اسبی بر دیگر اسبان می شود.(۴) فضیلت

۱- Arête.

۲- Virtus.

۳- Aner.

۴- افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون، ترجمه: محمدحسن لطفی، ج۴، ص۴۸.

در جوامع یونانی، ابتدا وصفی بوده که نقش اجتماعی افراد را مشخص می کرده است و از کمال یا جوان مردی حکایت دارد، نه آنچه ما معمولاً فضیلت اخلاقی می پنداریم.(۱) نزد هومر، فضیلت نوعی فضل یا افضلیت است که شامل قدرت بدنی نیز می شود. واژه آرته در اشعار هومر، برای هر نوع افضلیتی به کار رفته است. خلاصه آنکه در دوره جوامع قهرمانی، فضیلت می توانسته ناظر به هر کیفیتی باشد که خود را بر اجرای نقش خویش در جامعه، به روشی در خور ستایش توانا می سازد. برای مثال، شجاعت و توان رزمی، فضایل مشخص جنگاوران اشرافی، و وفاداری و حیا، فضایل مشخصه زنان هستند.(۲)

واژه «فضل» در زبان عربی نیز به معنای زیاده از خود و به معنای اعطایی است که بر فرد لازم نباشد.(۳) با دقت در آیات قرآن کریم، می توان فضل را به معنای برتری دانست؛ البته به معنای عطیه، احسان و رحمت نیز آمده است.(۴) راغب اصفهانی با تحلیل آیاتی که مشتقات فضل در آنها به کار رفته است، معنای اصلی آن را «بیشی و زیاده» می داند که گاه ستوده و گاهی ناستوده است.(۵) این معنا به تدریج در معنای مثبت خود غلبه یافته و به معنای فزونی در صفتی خوب به کار رفته است.

تبیین مفهومی فضیلت در معنای اخلاقی آن، بسیار مشکل است. ادموند پینکافس، در مقاله ای با عنوان «فضایل» تعاریف متعدد را گردآوری و بررسی

۱- حمید شهریاری، فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدایر مکین تایر، ص ۳۲.

۲- پورتر آلن، باغ مصور عکاسی، ص۹۶.

۳- سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ص ۱۹۰.

۴- محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمدباقر موسوی، ج ۱۰، ص۱۴۳.

۵- حسین بن عبدالله راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ترجمه: حسینی خسروی، ص۳۹۵.

کرده است. در هر یک از این تعریف ها، به عنصر ویژه ای توجه بیشتری شده است.(۱) عناصر و ویژگی های بیان شده در تبیین مفهومی «فضیلت» عبارتند از: «ملکه شدن و حالت ثابت داشتن»، «عادت، مهارت و استعداد ذاتی بودن»، «ملکه عقلانی بودن»، «ملکات انگیزشی بودن» و «ستایش آمیز بودن الفاظی که بر آن دلالت دارند.»(۲) ممکن است فضیلت به نوعی شامل همه این عناصر باشد، ولی هیچ یک به تنهایی نمی تواند مفهوم «فضیلت» را تبیین کند. تبیین مفهومی فضیلت در معنای اخلاقی آن، به نوعی وابسته به تعریفی است که از اخلاق فضیلت می شود. با توجه به تعدد قرائت از فضیلت گرایی اخلاقی، می توان توصیف های متعددی از فضیلت داشت. برای مثال، برخی نگاهی نتیجه گرایانه و برخی نگاهی مبناگرایانه به فضیلت دارند که در بحث از انواع اخلاق فضیلت، به هر یک از آنها خواهیم پرداخت. با این همه، می توان مدعی شد عموم تقریرهای اخلاق فضیلت، بر اینکه فضیلت نوعی خصلت و منشی مطلوب و در خور تحسین است، اتفاق نظر دارند. از این جهت، به نظر می رسد مفهوم «فضیلت» تا حد زیادی روشن است و در اینکه فضیلت، نوعی منش اخلاقی پسندیده است، ابهامی وجود ندارد.

اهمیت پژوهش

اهمیت پژوهش

«فرهنگ ایثار» و بالاترین درجه آن، «شهادت»، به عنوان پدیده ای اجتماعی و دینی، افزون بر دوره معاصر، به لحاظ مصداقی از دوران نزول قرآن، بر آن

۱- ادموند ال پینکافس، «فضایل»، ترجمه: سید حمیدرضا حسنی و مهدی علی پور، مجله نقد و نظر، ش ۱۹ و ۲۰، ص۴۰۵.

۲- ادموند ال پینکافس، از مسئله محوری تا فضیلت گرایی، ترجمه و تعلیقات: سید حمیدرضا حسنی و مهدی علی پور، ص۲۲.

تأکید شده؛ چنان که واژه «شـهادت» و مشتقات آن، ۱۵۰ بار در قرآن کریم آمده و جالب آنکه در فرهنگ قرآنی، از شـهادت با تعبیر «گواه» یاد شده است: «وَلاَ تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ اللّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْياء عِندَ رَبِّهِمْ يرْزَقُونَ؛ البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده اند، بلکه زنده به حیات ابدی شده اند و در نزد پروردگارشان متنعم خواهند بود». (آل عمران: ۱۶۹)

نقش سرنوشت ساز ایثار در زنـدگی بشـر، اهمیت و ضـرورت پرداختن به موضوع ایثار و گذشت را در رسانه ملی، دو چندان می کند. با این توضیح، می توان ضرورت و اهمیت ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه را درک کرد.

کاربرد مفاهیم پژوهش در صدا و سیما

کاربرد مفاهیم پژوهش در صدا و سیما

رسانه های جمعی، به ویژه صـدا و سـیما، مهم ترین کانال های فرهنگ سازند که هدایت روند کلی فرهنگ جامعه را بر عهده دارنـد و در احیا، رونق، پیرایه زدایی و زمینه سازی هر چه بهتر و بیشتر فرهنگ متعالی ایثار، نقشـی تعیین کننـده ایفا می کننـد. بی تردیـد، رسانه جمعی در کنار دیگر عوامل، همچون خانواده، محیط های آموزشـی، کانون های مـذهبی و دیگر بخش های جامعه، در انتقال فرهنگ، جامعه پذیری و تعلیم و تربیت اجتماعی نقش برجسـته ای دارد. رسانه در کنار بازتاب دادن فرهنگ جامعه، در شـکل دهی به عقاید و باورها، اطلاع رسانی و آگاهی بخشی، دارای قدرتی چشم گیری است. به طور کلی، ترویج به صـورت مسـتقیم یـا غیر مسـتقیم و رودررو یـا غیر حضـوری صورت می پـذیرد. در ترویـج حضوری همچون سـخنرانی هـا، همایش ها، کنفرانس ها، کنگره ها و روضه خوانی ها، مروج و مخاطب، با هم روبه رو می شوند و پیام و مفهوم مورد نظر، بی واسطه به مخاطب انتقال می یابد؛ بازخورد و بازتاب این پیام را نیز می توان دید.

این در حـالی است که در ترویـج غیر حضوری، همچون کتاب، نمایش نامه، فیلم، رادیو، تلویزیون و روزنامه، مروج، پیام خود را در قالب رسانه ای به مخاطب می رسانـد. در این گونه از ترویـج، پیام چه به شـکل مسـتقیم یا غیر مسـتقیم به مخاطب انتقال یابد، امکان دریافت بازتاب هم زمان نظریات و احساسات مخاطبان، برای مروجان وجود ندارد.

در جامعه اسـلامی ما نیز بایـد یکی از رسالت های اصـلی رسانه ها، نشـر فرهنگ ایثار و شـهادت و پاسـداری از آن باشـد. این پژوهش با توجه به اثر مسـتقیم صدا و سـیما بر اذهان و افکار مردم، ارتباط مستقیم همه قشرها با این رسانه و نقش اثرگذار آن از دیربـاز تـاکنون در ایجـاد، انتقـال، نهـادینه کردن، ترویـج و تبلیغ فرهنـگ هـا، برای تهیه کننـدگان و مجریان در برنامه های مختلف رادیو و تلویزیون، انجام شـده است. مطالب عرضه شـده درباره ایثار، برای بحث ها و میزگردها با حضور کارشـناسان، همچنین داستان ها و نکات آموزنده این پژوهش برای نویسندگان و کارگردانان جهت داستان نویسی، فیلم نامه نویسی و... در ترویج روحیه ایثار و فداکاری مفید خواهد بود.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش

دربـاره فضـیلت اخلاـقی ایثـار و گـذشت، در بخش هایی از کتاب های اخلاقی و دینی، به صورت پراکنـده و آن هم بیشتر به فرهنـگ دفـاع مقـدس اشاره شـده است. همچنین مباحثی تحلیلی درباره معنا و مفهوم ایثار و شـهادت وجود دارد، ولی تاکنون اثری مستقل با این موضوع به صورت کتاب یا پایان نامه عرضه نشده است.

این پژوهش همه جوانب و زوایای فضـیلت اخلاقی ایثار و گـذشت، از جمله توصـیف و تبیین حقیقت این فضـیلت، انواع ایثار، رابطه اش با دین،

موانع و چالش ها، و راهکارهای ترویج این فرهنگ را با تأکید بر آیات و روایات، بررسی می کند که به نظر می رسد، در این زمینه طرح جدیدی است.

آثاری که موضوع آنها تا حدودی به این پژوهش نزدیک هستند و از آنها در این پژوهش استفاده شده است، عبارتند از: کتاب ایثار، نوشته علی رضا یوسفی؛ کتاب های شهید مطهری از جمله: حماسه حسینی، گفتارهای معنوی، سیری در سیره نبوی؛ کتاب فرهنگ اخلاقی معصومین (الف)، نوشته احمد رضوان فر؛ مقاله «ابعاد پرورش فرهنگی مورد نیاز در فرآیند ایثار و ازخودگذشتگی»، نوشته سلیمان ایران زاده و... . در جست وجوها، پایان نامه ای با این موضوع یافت نشد، اما در همه این کتاب ها و مقاله ها، بیشتر به فرهنگ شهادت و دفاع مقدس و جان فشانی های کربلا، نمونه ایثارهای پیامبران و دیگر امامان معصوم علیهم السلام پرداخته اند، در حالی که به رابطه آن با دین در جوامع امروزی کمتر توجه شده است، پژوهش پیش رو، افزون بر این موارد، دیگر جوانب اخلاق ایثار و گذشت را در ارتباط با مبانی و اعتقادات دینی در جامعه امروزی نیز بررسی کرده است.

پرسش های پژوهش

اشاره

پرسش های پژوهش

زیر فصل ها

پرسش اصلی

پرسش های فرعی

پرسش اصلی

پرسش اصلی

مبانی ایجاد و گسترش فرهنگ ایثار و گذشت کدامند؟

پرسش های فرعی

پرسش های فرعی

۱. رابطه ایثار و گذشت با مبانی اعتقادی چیست؟

۲. رابطه ایثار و گذشت با اختیار و آزادی انسان چگونه است؟

۳. چالش های احتمالی و راهکارهای ترویج فرهنگ ایثار و گذشت در جامعه چیست؟

۴. ایثار در زندگی اجتماعی انسان چه نقشی دارد و در چه صورت به عنوان یک ارزش پذیرفته می شود؟

اهداف پژوهش

اشاره

اهداف پژوهش

زیر فصل ها

اهداف علمی

اهداف کاربردی

اهداف علمی

اهداف علمی

۱. تحلیل اهمیت و اثر مبانی اعتقادی در اخلاق اجتماعی ایثار و گذشت، در تاریخ بشری و شناخت جلوه های گوناگون آنها و نیروهای اجتماعی اثرگذار بر آنها و شکل دهنده به آنها؛

۲. شناخت راهکارهای مناسب و عملی برای گسترش فرهنگ ایثار و گذشت در رسانه ملی؛

۳. روشن ساختن مفهوم و شاخصه های ایثارگری؛

۴. بررسی نظریات برخی اندیشمندان اسلامی درباره فضیلت اخلاقی ایثار و گذشت و دفاع نظری از جامعه اخلاقی با توجه به نظریات این اندیشمندان؛

۵. بالا بردن درک نقش و کارکرد ایثار و گذشت در رسیدن انسان به کمال و تعالی.

اهداف کاربردی

اهداف کاربردی

۱. عرضه چارچوب دینی و اخلاقی مطلوب درباره ایثار و گذشت برای افراد و جوامع؛

پیش فرض ها و چارچوب نظری پژوهش

پیش فرض ها و چارچوب نظری پژوهش

۱. پیشوایان معصوم علیهم السلام الگوی بشر هستند. ازاین رو، یادگیری رفتارهای اخلاقی و دینی آنها امری بایسته و اجراشدنی است.

۲. در احادیث امامان معصوم علیهم السلام ، بهترینِ امور، معتدل ترین آنهاست (خیر الامور اوسطها) و آزادی امیال حیوانی انسان و افراط در پاسخ گویی به آنها مایه از دست رفتن آزادی اخلاقی انسان می شود. بنابراین، فعل اخلاقی در عرصه آزادی، در حد اعتدال امیال انسانی حاصل می گردد.

۳. پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام ، در عقیده و عمل، از پیش گامان و پیش تازان فرهنگ ایثار و گذشت بودند.

۴. اگر بنا باشد فردی اهل ایثار و گذشت باشد، باید بنیه اعتقادی خود را تقویت کند و نفسش را به فضایل الهی آراسته سازد.

۵. ایثار و گذشت با مبانی اعتقادی و بینشی ارتباط دارد و از آنها اثر می پذیرد، وگرنه صوری، ساختگی و ناپایدار است.

فرضیه های پژوهش

فرضیه های پژوهش

۱. جامعه ای که فرهنگ ایثار در آن نهادینه شود، گام های بلندی به سوی حیات طیبه و مدینه فاضله برخواهد داشت.

۲. زندگی در جامعه آکنده از ایثار و گذشت، بسیار کم تنش تر و آرام تر از زندگی در جامعه کنونی خواهد بود.

۳. کم رنگ شدن دین و ایمان در جامعه، به ارزش های اخلاقی چون ایثار و گذشت آسیب می رساند.

به جز مباحث استدلالی و مبنایی درباره ارتباط ایثار و گذشت با مبانی فلسفی و انسان شناختی، دیگر مباحث، توصیفی و ابداعی است و به فرضیه نیازی ندارد.

روش پژوهش

روش پژوهش

این پژوهش، به شیوه گردآوری مطالب از کتاب های مختلف، تجزیه و تحلیل آنها و نتیجه گیری انجام شده است. بنابراین، به روش کتاب خانه ای است.

گردآوری اطلاعات، با فیش برداری از اسناد و مدارک موجود در کتاب خانه ها و مراکز تحقیقاتی و ابزارهای نرم افزاری موجود، صورت گرفته است. همچنین این پژوهش، پژوهشی تحلیلی بر اساس دیدگاه های عقلی و نقلی به شمار می رود.

موانع و مشکلات پژوهش

موانع و مشکلات پژوهش

درباره این موضوع، منابع بسیاری وجود دارد که همه آنها در دسترس نیست. همچنین منابع اصلی این پژوهش، آیات و روایات می باشد که یافتن نشانی روایات، کاری دشوار بود و گاه یافت نمی شد. از سوی دیگر، درباره موضوعاتی که از دیدگاه آیات و روایات بررسی می شود، پژوهشگر باید بر روایات و آیات تسلط کافی داشته باشد تا بتواند آیات را بسنجد و آیات را با روایات مقایسه کند که این یکی از دشواری های کار به شمار می آید.

فصل دوم: تبیین شاخص های ایثار و گذشت

اشاره

فصل دوم: تبیین شاخص های ایثار و گذشت

زیر فصل ها

اقسام ایثار

مراتب ایثار

مقدمه

مقدمه

هر قطره ای در این ره صد بحر آتشین است

دردا که این معما ش__رح و بیان ندارد

حافظ

فرهنگ ایثار و گذشت از آموزه های مهم دینی است. گسترش این فرهنگ و بالاترین درجه آنکه شهادت است، در بین مردم و بر همه بخش های جامعه اثر می گذارد؛ زیرا از هدف های عالی انسانی است. در این راستا، پژوهش درباره راه های گسترش این فرهنگ در جامعه، شیوه پیامبران و امامان در این زمینه و موضوعات دیگر، به یافتن شیوه ای مناسب برای ترویج این فرهنگ کمک بسیاری خواهد کرد.

ایثار به مثابه ارزش

ایثار به مثابه ارزش

گاهی دامنه ارزشی، محدود است و فقط چند فرد یا گروه بسیار کوچکی را در بر می گیرد، اما برخی ارزش ها گستره وسیعی دارند و

چون عـده زیادی به آنها پای بندند، ارزشـی عمومی قلمداد می شوند. ایثار یکی از ارزش هایی است که پس از ظهور اسـلام، حضوری نسبتاً پررنگ یافت.

ارزش های دفاع مقدس مثل ایثار، شهادت طلبی، خداخواهی، خطرپذیری و...، هر چند ارزش های دینی، عقلانی و عاطفی نیز به شـمار می روند، تبلور و وجه غالب آنها از نوع ارزش اجتماعی است. وقتی از ماهیت اجتماعی ایثار صحبت می شود، منظور آن اسـت کـه ایـن ارزش، هـم در قلمرو جـامعه مطرح اسـت و گروه بسـیاری به آن پـای بنـد بـوده و هم کارکردهـای مختلف اجتماعی دارد. وقتی بخش عظیمی از جامعه با تقلید از ارزش ایثار، قسـمت زیادی از دارایی هایشان را در راه اهداف و ارزش هـای مورد احترام خود هزینه می کننـد و سـبب رفع مشـکلات و موانع مختلف فراروی هم نوعـان خود می شونـد، در واقع در کاهش مشـکلات و آسـیب های اجتماعی نقش مهمی ایفا می کنند. نکته مهم دیگر این است که در سایه این ارزش اجتماعی (و برخی ارزش های دیگر) هم بستگی اجتماعی قدرتمندی، بین اعضای جامعه شکل می گیرد.(۱)

تاریخچه فرهنگ ایثار

تاریخچه فرهنگ ایثار

ایثار و ازخودگذشـتگی که اوج آن شهادت است، هرچند اصطلاحی اسلامی است، کم و بیش در همه جوامع بشری، به شکل هـای مختلف تجلی یـافته است؛ زیرا همواره بشـر به افرادی نیـاز داشـته است که در شـرایط دشوار زنـدگی یار و مـددکار وی باشند؛ افرادی که با هبه کردن خون خود، روزگار

۱- علی آقاپور، ایثار و ماهیت اجتماعی و فرهنگی آن، ص۶.

تیره و وحشتناک بشر را شاد و روشن سازند؛ اسطوره هایی که با کردار و گفتاری متفاوت از خود الگویی می سازند که تا روزگار باقی است، از آنها به عنوان پشتوانه های مستقیم تاریخ ملتی یاد خواهد شد. بنابراین، همواره واژه ایثار و شهادت واجد عظمت و احترامی است که این عظمت و احترام در مقاطعی، ملازم قداست بوده است؛ بدین معنا که وقتی انسانی با انگیزه برقراری ارزش های ناب بشری یا در دفاع از ناموس و شرف یا برای پاسداشت سنت های جامعه و حفظ حریم باورهای آن کشته شود، به یکی از عالی ترین درجات و مراتبی که انسان ممکن است در سیر تعالی خود به آن برسد، دست می یابد.(۱) بیشتر جان فشانی ها، چه در غرب و چه در شرق، بر سر استقرار عدالت صورت پذیرفته است؛ یعنی ایثارگر یا شهید، بنا به تشخیص و تمیز شخصی، هرگاه احساس کرده است در جایی حقی ضایع یا عدالت خدشه دار شده، برای استیفای حق و تأمین عدالت، از جان خود مایه گذاشته است. این ازخودگذشتگی، گاه آن قدر در روند اصلاح و تأمین صلح و امنیت و استقرار عدالت و آرامش اثرگذار بوده است که برخی درام نویسان کوشیده اند در آثار خویش، با پرداختن به شخصیت ایثارگر، وی را جاودانه سازند.

در آموزه های زرتشت، بودا، اهورامزدا و کنفوسیوس و... بارها از ارزش ایثار سخن رفته و به مقوله کمک به دیگران، نوع دوستی و خیر خواهی تأکید و توجه زیادی شده است؛ به گونه ای که احسان و گذشت، از عناصر کلیدی آنها به شمار می رود. در دیگر ادیان نیز یکی از توصیه های جدی، درباره این

۱- فرشید ابراهیمیان، «ایثار و شهادت در ایران و جهان از اسطوره تا شخصیت های دراماتیک»، برگرفته از سایت: www.farhangeisar.com

ارزش است. در ادیـان یهود، مسـیحیت و اسـلام، گـذشت و ایثار از ارزش های مهم و اساسـی برشـمرده شـده است و محتوای انجیل، تورات و قرآن، بر این داعیه گواهی می دهند.

شهادت در نظر یهودیان به انـدازه سودی است که از آن می برنـد و این سود یا بیرونی و در میدان یا به صورت زیادی زراعت و محصـول است. بـا مراجعه به قرآن، به مـواردی برمی خـوریم که در بین یهـود، افرادی مثـل سـاحران فرعون، نـام خود را در فهرست بلند شـهدا ثبت کرده اند. این مطلب، نشان می دهد به باور یهود، ایمان به شـهادت و بزرگ داشت شهید وجود داشته است.

جهاد در نظر مسیحیان، آمادگی برای مرگ دردناک به خاطر ایمان است. در حقیقت، مسیح نیز شهیدی است که جان خود را فدای رستگاری و آسایش انسان کرد و جان باخت و آگاهانه تن به صلیب سپرد تا بشر را نجات دهد، ولی پس از ترک قفس تن، به ملکوت اعلا رهسپار شد تا در جوار پروردگارش باشد.

اسـاس اسـلام بر پایه فطرت بشـر است و کمال او را در بر دارد و قوانین فردی و اجتماعی اش بر اساس رسـیدن به کمال انسان تضـمین شده است. شـهادت در نظام ارزشـی اسـلام، معیاری است که بیشتر ارزش ها و اعمال صالح با آن سـنجیده می شود و شهـدا جایگـاه خاصـی دارنـد. شـهید در عـالم برزخ، در جوار رحمت الهی، روزی خور نعمت هـای بهشتی است و به آرامش دست یافته است. در شـهادت، کالای مورد معامله، جان و مال است و خریدار، خداوند بزرگ. فروشندگان نیز مؤمنانی هستند که خیر را برای خود خریده اند، اما نکته مهم آن است که در دین مبین اسلام، ایثار به طور

برجسته ای ظهور یافته است و در آیات و روایات، شواهد متواتر و فراوانی بر این موضوع وجود دارد؛ به ویژه که پیامبر اسلام و امامان معصوم علیهم السلام ، نیز آن را در حیات روزمره و معمول خویش به کار گرفته اند. چنان که امام حسین علیه السلام و اهل بیتش، با همین عنصر در طول تاریخ، به رمز و شعار و هویت انقلابی و ویژگی جدایی ناپذیر تشیع تبدیل شده و پویایی شیعه به دلیل دو موضوع است: گذشته سرخ (عاشورا) و آینده سبز (مهدویت). پیروان اهل بیت علیهم السلام نیز در هر عصری برای حفظ این رمز و شعار، از جان گذشته اند.

جامعه ایرانی پیش از ورود اسلام، به ارزش هایی چون گذشت و یاری خلق آراسته بود، ولی در پی ورود اسلام به ایران، برخی ارزش های جدید ظهور یافت و برخی ارزش های پیشین نیز برجسته تر گشت. و البته برخی هم به حاشیه رانده شد. به عبارت دیگر، فرهنگ ایرانی ـ اسلامی، برخی ارزش ها را پررنگ ساخت که این ارزش ها به مرور زمان، خاستگاه تحولات زیادی شدند. ارزش های حاکم بر جامعه ایرانی، گذشته ای پرفراز و فرود دارند و در چندین دهه گذشته، گاه فعال و اثرگذار و زمانی هم غیر فعال یا کم اثر ظاهر شده اند. در این رهگذر، ارزشی همچون ایثار نیز جدا از این قاعده نبوده است و تا چند دهه، نمود آن را در زندگی معمولی مردم آشکارا می توان دید و شکل های گوناگونی از کمک به دیگران، گذشت و فداکاری در این سرزمین دیده می شود.

مقوله ایثار و شهادت (والا‌ترین شکل ایثار) در ربع قرن اخیر و در دوران سخت انقلاب اسلامی، به ویژه در جنگ تحمیلی ایران و عراق، به یک باره جایگاهی والا ـ در عرصه اجتماعی یافت و حتی از متغیرهای اصلی در تبیین پیروزی انقلاب و نیز موفقیت آمیز بودن دفاع مقدس به شمار می رود.

همچنین به علت درگیر ساختن قشرهای عمـده ای از مردم، این مقوله، گستره وسـیعی یافت و به موضوعی جمعی تبـدیل شد؛ زیرا تعـداد چشم گیری از مردم، در جنـگ، شـهید، مجروح، مفقود یا اسـیر شدنـد که با در نظر گرفتن خانواده های این افراد، وسعت مسئله هویداست.

شأن نزول سوره انسان

شأن نزول سوره انسان

نزول سوره انسان پس از آزمون بزرگی بود که خداوند از اهل بیت علیهم السلام گرفت و آنان بسیار زیبا قبول شدند؛ به گونه ای که این قبولی نقطه عطفی در زندگی ایشان بود و سـبب رسیدن به عالی ترین مقامات عرفانی والا گشت. پس از آن، پیامبر اعلام فرمود که فاطمه علیها السـلام محور اراده خـدا است و خداونـد با رضای او راضـی می شود و با خشم او خشم می گیرد. تنهـا نکته این مـاجرا، در عظمت ایثار اهل بیت علیهم السـلام است که نیاز دیگران را مهم تر از نیاز خود دانسـتند. خداونـد نیز آنان را بر همه آفریدگانش مقدّم گردانید و خود از آنان تشکر کرد: «وَكَانَ سَعْيُكُم مَّشْكُورًا». (دهر: ۲۲)

بـا ایثار اهل بیت علیهم السـلام ، خداونـد کریم فضایل آنان را در قالب سوره ای کامل بر همه عالمیان آشـکار ساخت و خود، زبـان به مـدح و سـتایش آنـان گشود. این همه نتیجه ایثار است که امیر مؤمنان، علی علیه السـلام به حق فرمود: «الایثارُ أحسـنُ الْإحسانِ وَ أعلی مَراتبِ الایمان؛ ایثار، نیکوترین احسان و بالاترین درجه ایمان است».(۱)

۱- عبدالواحد تمیمی آمدی تصـنیف غررالحکم، ترجمه: محمدحسین درایتی، ص۳۹۶، ج۲، ص۹۱۶، به نقل از: غررالحکم و دررالکلم، ج۲، ص۳۱.

شأن نزول آیه ایثار

شأن نزول آیه ایثار

شأن نزول این آیه، جان فشانی امیر مؤمنان، علی علیه السلام در لیلهالمبیت است. خداوند در آیه ۲۸ سوره آل عمران می فرماید: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یشْری نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبادِ؛ و از مردم کسی هست که جان خود را برای خشنودی خداوند می فروشد (در راه خدا جانبازی می کند، مانند علی علیه السلام که شب هجرت، در جای پیامبر خوابید) و خداوند به بندگان، دل سوز و مهربان است».

امیر مؤمنان، علی علیه السلام آن شب در بستر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خوابید و جان مبارکش را در معرض مرگ قرار داد. به تعبیر قرآن کریم، جان خود را به خدای متعال فروخت و در ازای آن، خشنودی پروردگار عالم را خرید.

کسی که چیزی به دیگری می فروشد، دیگر مالک آن نیست. امام نیز که جان خود را به خدای متعال فروخت، دیگر مالک جان خود نبود و جانش خدایی شد. ازاین رو، کسی که با ایشان مبارزه کند، در واقع با خدا مبارزه کرده است.

خدای متعال در دو آیه از قرآن کریم به این مطلب اشاره می کند و می فرماید: «وَ یحَذِّرُکُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ؛ خدا شما را از خود بر حذر می دارد.» (آل عمران: ۲۸) در تفسیر این آیه آمده است که منظور از «نَفس»، حضرت علی علیه السلام است. این آیه با آیه ۲۰۷ سوره بقره ارتباط دارد؛ یعنی آن حضرت جان خود را به خدا فروخت و با این معامله، خداوند مالک جان حضرت شد. به همین دلیل، در آیه ۲۸ از سوره آل عمران، جان علی بن ابی طالب علیه السلام را جان خود معرفی کرده است.

شهدا نیز جان خود را به خدای متعال فروخته اند و او مالک جان آنان است. بنابراین، اگر کسی با آنها مبارزه کند، در واقع با خدا مبارزه کرده است.

در آیه ۱۱۱ سوره توبه، به این حقیقت اشاره شده است: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرى مِنَ الْمُؤْمِنینَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّه یقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ فَیقْتُلُونَ وَ یُقْتَلُون؛ حقّا که خداوند از مؤمنان، جان ها و مال هایشان را خریده است، به بهای آنکه بهشت از آنِ آنها باشد [و کیفیت تسلیم متاع این است که آنها] در راه خدا می جنگند، پس می کشند و کشته می شوند».

معارف زمینه ساز فرهنگ ایثار

اشاره

معارف زمینه ساز فرهنگ ایثار

زیر فصل ها

الف) احسان به خلق

ب) رفع نیازها

ج) قرض الحسنه

د) جوان مردی

ه) اهتمام به امور مسلمین

و) وطن دوستی

ز) پاداش عرض تسلیت و هم دردی

الف) احسان به خلق

الف) احسان به خلق

احسان، یعنی خوبی کردن به دیگران، مرتبه ای بالاتر از عدالت و رعایت حقوق دیگران و پایین تر از ایثار است. در معارف اسلامی به احسان بسیار تأکید و در آیات بسیاری به آن امر شده است:

بَلی مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِندَ رَبِّهِ وَلاَ خَوْفٌ عَلَیهِمْ وَلاَ هُمْ یحْزَنُونَ. (بقره: ۱۱۲)

بله، کسی که به سوی خدا تسلیم شد، در حالی که احسان کننده است، اجر او نزد پروردگارش محفوظ است و ترس و غمی بر او نیست.

وَأَنفِقُواْ فِى سَبِيلِ اللّهِ وَلاَ تُلْقُواْ بِأَيدِيكَمْ إِلَى التَّهْلُكَهِ وَأَحْسِنُوَاْ إِنَّ اللّهَ يحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. (بقره: ۱۹۵)

و در راه خدا انفاق کنید و خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید و احسان کنید که خداوند، احسان کنندگان را دوست دارد.

مَّن ذَا الَّذِى يقْرِضُ اللّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَهً وَاللّهُ يقْبِضُ وَيبْسُطُ وَإِلَيهِ تُرْجَعُونَ. (بقره: ۲۴۵)

کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟ و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می آورد؛ و به سوی او بازگردانده می شوید.

آیاتی که به احسان دستور می دهد، بسیار است. امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «وقتی مؤمن عملش را نیکو گرداند، خداوند هر عمل او را هفتصد برابر می سازد». (۱)

امیر مؤمنان، علی علیه السلام نیز درباره احسان می فرماید: «ألإحسانُ غَریزةُ الأخیارِ؛ احسان غریزه برگزیدگان است»؛ (۲) «شَیئانِ لایُوازِنُهما عَمَلٌ، حُسنُ الْوَرعِ وَ الْاِحسانُ إلَی المؤمنین؛ دو چیز است که هیچ عملی هم وزن آنها نیست؛ ورع نیکو و احسان به مؤمنان.» (۳) و «مَنْ أَحَسَنِ اِلَی النّاسِ حَسُنَتْ عَواقِبُه وَ سَهَلَتْ لَه طُرُقُه؛ کسی که به مردم احسان کند، عواقبش نیکو و راه ها بر او آسان شود.» (۴) از این احادیث که قطره ای از دریای احادیث است، جایگاه احسان معلوم می شود. احسان، معنایی نزدیک به ایثار دارد، اما ایثار برتر از احسان است؛ چون در ایثار، انسان آنچه را خود نیاز دارد، می بخشد، در حالی که در احسان نیاز انسان مطرح نیست. بخششِ بدون نیاز، احسان است، ولی ایثار نیست.

ب) رفع نیازها

ب) رفع نیازها

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرموده است: «خداوند به داوود علیه السلام فرمود: ای داوود، بنده من در روز قیامت، حسنه ای می آورد که وی را با آن، به بهشت می فرستم. داوود پرسید: خدایا، آن چه حسنه ای است؟ فرمود: این بنده، مؤمنی است که

۱- عبد علی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۱.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ح ۸۶۸۱.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ح ۸۷۱۰.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ح ۸۸۳۴.

برای رفع حاجت برادر مؤمنش تلاش کند و دوست دارد که حاجت او برآورده شود. چه آن حاجت برآورده بشود و چه نشود، حکم می کنم که او را به بهشت ببرند».(۱)

همچنین پیامبر خدا فرمود: «بیشترین پاداش را از مؤمنان، کسی می برد که برای تأمین نیاز همنوعش تلاش کند.»(۲) در اسلام نیز به برآوردن نیازهای مؤمنان بسیار سفارش شده است و در آن نیازِ خود فرد شرط نیست؛ یعنی همه ایثارها رفع حاجت و احسان به شمار می روند؛ در حالی که برخی احسان ها و رفع حاجت ها، ایثار نیستند، اما زمینه ایثارگری را فراهم می سازند. یعنی اینکه برآوردن نیاز مؤمنان چه به صورت ایثار باشد یا به صورت غیرمستقیم مثلاً طوری باشد که زمینه ایثارگری را فراهم کند.

ج) قرض الحسنه

ج) قرض الحسنه

در قرآن و روایات، درباره قرض دادن، سفارش و این عمل بسیار ستایش شده است و از اعمال زمینه ساز ایثار به شمار می رود. در قرآن می خوانیم: «مَن ذَا الَّذِی یقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ کَرِیمٌ». (حدید: ۱۱)

امیر مؤمنان، علی علیه السلام نیز فرمود: «مَنْ أقْرَضَ اللّهَ جَزَاهُ؛ هر کس به خداوند قرض دهد، خدا خود جزای او را می دهد».(۳)

همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «بر در بهشت نوشته شده است؛ صدقه ده برابر پاداش دارد و قرض هجده برابر».(۴)

۱- ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، امالی، ج ۲، ص ۹۱.
۲- حسن بن محمد دیلمی، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۴۲۱.
۳- غررالحکم و دررالکلم، ح ۸۰۷۲.
۴- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸، ح ۱۶۹۷.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جبرئیل پرسید: چرا قرض هجده برابر ثواب دارد و صدقه ده برابر و کمتر از آن؟ جبرئیل پاسخ داد: چون صدقه به دست فقیر و ثروتمند می رسد، اما قرض فقط به دست نیازمند می رسد.(۱) در این روایات بر فرهنگ تعاون و همیاری، تأکید و بشر را به سوی ایثار و گذشت و هم دردی، رهنمون شده است.

د) جوان مردی

د) جوان مردی

مروت و جوان مردی، از صفات تربیت شدگان در مکتب اسلام است و به آن بسیار سفارش شده است. امام حسن مجتبی علیه السلام درباره معنای مروت فرمود: یعنی مرد، دین خود را نگه دارد و در اصلاح آنچه ضایع شده است، به پا خیزد و در نزاع، نیکو رفتار کند و سلام را شروع کند و نرم گفتار باشد و به مردم محبت ورزد یا محبوب مردم باشد.(۲)

امیر مؤمنان، علی علیه السلام نیز درباره مروت فرموده است: «اگر هزینه مروت و جوان مردی، زیاد و بارش سنگین نبود، افراد پست، شبی را بی جوان مردی نمی گذراندند، اما به این دلیل که خرج آن زیاد و بارش سنگین است، فرومایگان از آن دور شدند و برگزیدگان کریم، آن را بر دوش گرفتند».(۳) آن حضرت در کلامی دیگر فرمود: «مِنْ أَفْضَلِ الدّینِ الْمُروَّه؛ از بالاترین مرتبه دین، جوان مردی است. (فرد دین داری که جوان مردی نداشته باشد، خیری در او نیست).»(۴) همچنین فرمود: «با داشتن دارایی و ثروت، جوان مردی انسان ظاهر می شود»؛(۵)

۱- حسام الدین متقی هندی، کنزالاعمال فی سنن الاقوال و الافعال، ح۱۵۳۷۳.

۲- علی بن حسن طبرسی، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، ج۱، ص۱۶۱.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ح۵۴۷۸.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ح۵۴۷۹.

۵- غررالحکم و دررالکلم، ح۵۴۸۱.

«مروت، نامی است برای دیگر فضایل و محاسن و صفات خوب»؛(۱) «امتیاز مرد به عقلش، و جمال و زیبایی او به جوان مردی اش است.»(۲) و «جوان مردی مرد به اندازه عقل اوست».(۳)

در معنای مروت گفته شده است که به گردن گرفتن تعهدات و جرایم دیگران و خود را به خاطر دیگران به سختی افکندن است. امیر مؤمنان، علی علیه السلام از فرزندش امام حسن علیه السلام پرسید: «پسرم معنای مروت چیست؟ عرض کرد: پاکدامنی و اصلاح مال».(۴)

امام صادق و باقر علیهما السلام فرمودند: «مروت خدا این است که انسان سفره هایش را بر آستانه درش بگستراند؛ یعنی خانه اش به روی نیازمندان باز باشد».(۵)

امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرمود: «مروت و جوان مردی، یعنی اطعام طعام، بر عهده گرفتن تعهدهای برادران دینی و خودداری از آزار همسایگان».(۶)

امام صادق علیه السلام در معنای مروت فرمود: «یعنی خداوند در آنجا که نهی فرموده، تو را نبیند و در آنجا که دستور [حضور] داده است، غایب نباشی.»(۷) همچنین آن حضرت فرمود: «جوان مردی دو قسم است: در حَضَر و در سفر؛ جوان مردی در حَضَر یعنی قرآن خواندن، مسجد رفتن، با برگزیدگان همراه بودن، و نظر در تفقّه و فهم دینی و

۱- غررالحکم و دررالکلم، ح ۵۴۸۲.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ح ۵۴۸۲.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ح ۵۴۸۳.

۴- شیخ عباس قمی، مستدرک سفینه البحار، ج۹، ص ۱.

۵- شیخ عباس قمی، مستدرک سفینه البحار، ج۹، ص ۱.

۶- شیخ عباس قمی، مستدرک سفینه البحار، ج۹، ص ۱.

۷- شیخ عباس قمی، مستدرک سفینه البحار، ج۹، ص ۱.

عملی؛ و اما جوان مردی در سفر، یعنی توشه به دیگران بخشیدن، مزاح در غیر خشم خدا، کم کردن مخالفت با همراهان، و بعد از جدایی نقل نکردن علیه آنان، آنچه دیده ای».(۱)

این سفارش های عام و عمیق، جوان مردی را معرفی می کند که ایثار را هم در بر می گیرد و حتی فراتر از آن است.

ه) اهتمام به امور مسلمین

ه) اهتمام به امور مسلمین

به فکر دیگران بودن و هم دردی با آنان، از دیگر سفارش های أکید اسلام است که فرهنگ ایثار و جوان مردی را می آفریند و پرورش می دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَن أَصْبَحَ وَ لَمْ یَهتمَّ بِأُمورِ الْمُسلمینَ فَلَیسَ بِمُسلمٍ؛ هر کس صبح کند و به امور مسلمین اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست.»(۲) در کلامی مشابه از آن حضرت نقل شده است: «مَنْ أصبَحَ مِنْ أُمَّتی وَ هِمّتُهُ غیرُ الله فَلَیسَ مِنَ اللهِ وَ مَن لَمْ یَهتَمَّ بِاُمور الْمُؤمنینَ فَلَیسَ مِنْهُم وَ أَقَرَّ بالـذُّلِّ طائعاً فَلَیْسَ مِنّا أَهْلَ الْبَیْتِ؛ هر کس از امت من صبح کند و همّی جز خدا داشته باشد، خدایی نیست و هرکس به امور مؤمنان اهتمام نداشته باشد، از آنان نیست و هر کس با اختیار، ذلّت را به گردن گیرد از ما اهل بیت نیست».(۳) آن حضرت در ادامه فرمود: «اَلْمُسلمونَ کُلُّهم کَأَنَّهمْ جِسمٌ وَاحِدٌ إذا اُوذِیَ وَاحِدٌ تَداعَتْ لَه الأعضاءُ الأُخَر؛ مسلمانان مثل پیکر واحد هستند؛ هر کدام که اذیت شود، بقیه اعضا با آن هم دردی می کنند».(۴)

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

۱- مستدرک سفینه البحار، ج ۹، ص ۱۰.

۲- ابن بابویه محمد بن علی شیخ صدوق، علل الشرایع، ترجمه: محمدجواد ذهنی تهرانی، ص ۱۳۱.

۳- حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص۵۸.

۴- علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج۲، ص۴۵۴.

این توصیه ها روح هم دردی را در کالبد ایمانی و اسلامی می دمد و مؤمن را بدون هم دردی با دیگران، از دایره ایمان و اسلام خارج می کند.

و) وطن دوستی

و) وطن دوستی

دوست داشتن وطن نیز از دستورهای اسلامی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «حُبُّ الْوَطنِ مِنَ الْإیمانِ؛ دوست داشتن وطن از ایمان است.»(۱) انسان وطن دوست، برای حفظ کیان وطن و دین خود، جان و مالش را در کف دستش می نهد و تقدیم می کند که ایثار به شمار می رود.

ز) پاداش عرض تسلیت و هم دردی

ز) پاداش عرض تسلیت و هم دردی

امام باقر علیه السلام فرمود: «از مناجات های حضرت موسی علیه السلام با خدا این بود: پروردگارا مرا از پاداش عیادت بیمار آگاه فرما. خداوند فرمود: «فرشته ای بر او گمارم که وی را در قبر تا روز رستاخیز عیادت کند. موسی گفت: پروردگارا! پاداش کسی که مردگان را غسل می دهد، چیست؟ فرمود: از گناهانش پاک می سازم، مانند روزی که از مادر متولد شده است. عرض کرد: کسانی که تشییع جنازه می کنند، چه پاداشی دارند؟ فرمود: گروهی از فرشتگان را که پرچم هایی به همراه دارند، بر آنها می گمارم تا آنان را از گورهایشان به سوی عرصه محشر بدرقه کنند. عرض کرد: برای کسی که به زن فرزندمرده ای تسلیت عرض کند، چه پاداشی هست؟ فرمود: در روزی که سایه ای جز سایه من نیست، او را در سایه خود پناه می دهم».(۲)

۱- آیت الله هاشمی خوئی، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ترجمه: محمدباقر چهره ای، ج۲۱، ص۳۹؛ به نقل از: فیروزآبادی، قاموس القرآن، ج۷، ص۲۲۶.

۲- محمد بن علی (شیخ صدوق)، ابن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه: ابراهیم محدث، ص۳۷۵.

این روایت و امثال آن، بر این حقیقت تأکید دارند که در جامعه عاطفی و بهاری اسلام، مؤمنان باید از غم و شادی یکدیگر متأثر باشند و از کنار هم بی توجه نگذرند. این معارف، زمینه را برای جهش جامعه از تأثر و تألم به ایثار مهیا می سازد.

به این ترتیب، همه سفارش های اخلاقی اسلام، به گونه ای فرهنگ ایثار و اخلاق و فرهیختگی را در بین مسلمانان نهادینه می سازند و جامعه را به سوی هم دردی و ایثار و تعاون سوق می دهد.

نمونه های بارز ایثار در قرآن و روایات

اشاره

نمونه های بارز ایثار در قرآن و روایات

ایثار از باشکوه ترین مظاهر جمال و جلال انسانیت است که تنها انسان های بزرگ به این قله بلند صعود می کنند. نمونه برجسته ایثارگران، حضرت زهرا علیها السلام است که وقتی درمی یابد پدر بزرگوارش از تزیینات منزل او ناراحت است، آنها (دستبند و پرده) را نزد پیامبر می فرستد تا بفروشد و به فقرا کمک کند.(۱)

الف) ایثار جانی

اشاره

الف) ایثار جانی

زیر فصل ها

یک ـ ایثار حضرت ابراهیم علیه السلام

دو ـ ایثار حضرت علی علیه السلام در لیله المبیت

سه ـ ایثار امام علی علیه السلام در جنگ احد

چهار ـ ایثار امام علی علیه السلام در جنگ صفین

پنج ـ ایثار امام علی علیه السلام در جنگ خندق

شش ـ ایثار یاران امام حسین علیه السلام در روز عاشورا

هفت ـ ایثار حضرت ابوطالب علیه السلام

هشت ـ ایثار مادر به فرزند

یک ـ ایثار حضرت ابراهیم علیه السلام

یک ـ ایثار حضرت ابراهیم علیه السلام

فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ. (صافات: ۱۰۱ و ۱۰۲)

پس مژده پسر بردباری به او دادیم. آن گاه با او به سعی شتافت، گفت: ای فرزند عزیزم، من در عالم خواب چنین دیدم که تو را قربانی کنم،

۱- نک: سید محمدکاظم قزوینی، حضرت فاطمه۳ از ولادت تا شهادت، ترجمه: علی کرمی فریدونی، ص۳۱۷.

در این باره چه نظری داری؟ پاسخ داد: ای پدر، هر چه مأموری انجام ده، که ان شاءالله مرا از صابران خواهی یافت.

حضرت ابراهیم علیه السلام ، نخستین بار در شب ترویه (شب هشتم ذی الحجه) خواب دید که از طرف خداوند، مأمور به ذبح فرزندش، اسماعیل شده است. در شب های عرفه و عید قربان، این خواب تکرار شد. ازاین رو، برای او قطعی شد که این خواب از طرف خداوند است. اینک ابراهیم علیه السلام باید از امتحان دیگری سرافراز بیرون آید و فرزندی را که عمری در انتظارش بوده و اکنون نوجوانی برومند شده است، با دست خود سر بِبُرد!

ابراهیم علیه السلام ، ابتدا با فرزندش مطلب را در میان گذاشت. فرزند او که مانند پدرش ایثارگر بود و درس صبر و استقامت و ایمان را در عمر کوتاهش در مکتب او خوانده بود، با قاطعیت گفت: «قالَ یأبَتِ إِفْعَل مَا تُؤْمَر».

برخی در این باره چنین نوشته اند:

«فرزند فداکار، برای اینکه پدر را در انجام آن مأموریت کمک کند، و هم از رنج و اندوه مادر بکاهد، هنگامی که پدر، او را به قربانگاه، در میان کوه های خشک و سوزان سرزمین مِنی آورد، گفت: پدرم! ریسمان را محکم به دست و پایم ببند تا هنگام اجرای حکم، دست و پا نزنم؛ می ترسم که از پاداشم کاسته شود. سرانجام وقتی ابراهیم خواست گلوی فرزند را ببرد، به فرمان خدا این اتفاق نیفتاد و ابراهیم و اسماعیل از این آزمون الهی، سربلند بیرون آمدند».(۱)

دو ــ ایثار حضرت علی علیه السلام در لیله المبیت

دو ــ ایثار حضرت علی علیه السلام در لیله المبیت

«وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یشْری نَفْسَهُ اِبْتِغاءَ مَرْضاتِ اللهِ وَ اللهُ رَؤفُ بِالعِبادِ؛ بعضی از مردم، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند و خداوند به بندگان مهربان است». (بقره: ۲۰۷)

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۱۹، صص ۱۱۲ ــ ۱۱۴.

ثعلبی، مفسّر معروف اهل سنت می گوید: هنگامی که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله تصمیم به مهاجرت گرفت، برای ادای دین های خود و بازگرداندن امانت هایی که نزد او بود، علی علیه السلام را به جای خویش قرار داد و شب هنگام که می خواست به سوی غار ثور برود و مشرکان، اطراف خانه او را برای حمله به او محاصره کرده بودند، دستور داد علی علیه السلام در بستر او بخوابد و پارچه سبزرنگی که مخصوص خود پیغمبر بود، روی خود بکشد. در این هنگام، خداوند به جبرئیل و میکائیل وحی فرستاد که من بین شما برادری ایجاد کردم و عمر یکی از شما را طولانی تر قرار دادم. کدام یک از شما حاضر است ایثار کند و زندگی دیگری را بر خود ترجیح دهد؟ هیچ کدام حاضر نشدند. به آنها وحی شد، اکنون علی علیه السلام در بستر پیغمبر خوابیده و آماده شده است که جان خویش را فدای او سازد، به زمین بروید و نگهبان او باشید. هنگامی که جبرئیل بالای سر و میکائیل پایین پای علی علیه السلام نشسته بودند، جبرئیل می گفت: به به! آفرین بر تو ای علی! خداوند به واسطه تو بر فرشتگان مباهات می کند. در این هنگام بود که آیه یاد شده، نازل گردید.(۱)

سه _ ایثار امام علی علیه السلام در جنگ احد

سه _ ایثار امام علی علیه السلام در جنگ احد

«در این جنگ خطرناک، آن که بیش از همه فداکاری کرد و هر حمله ای که از جانب دشمن به پیغمبر می شد دفع [می کرد]، علی بن ابی طالب علیه السلام بود. علی علیه السلام با کمال رشادت می جنگید، تا اینکه شمشیرش شکست. پیغمبر شمشیر خود را که موسوم به ذوالفقار بود، به علی علیه السلام داد. سرانجام پیغمبر در جایی سنگر گرفت و علی علیه السلام همچنان از او دفاع می کرد؛ تا اینکه طبق نقل

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۲، ص۷۷.

بعضـی از مورخان، بیش از شصت زخم به سر، صورت و بدن او وارد آمد و در همین موقع بود که پیک وحی به پیامبر عرضه داشت: ای محمـد! معنـای مواسـات همین است. پیغمبر فرمود: علی از من است و من از اویم و جبرئیل فرمود: و من از هر دوی شما!»(۱)

چهار ـ ایثار امام علی علیه السلام در جنگ صفین

چهار ـ ایثار امام علی علیه السلام در جنگ صفین

لشـکر امام علی علیه السلام و لشکر معاویه در جایی که کنار فرات بوده است، به یکدیگر نزدیک می شوند. معاویه به یارانش دسـتور می دهـد که پیش دستی کننـد و قبـل از رسـیدن سـپاه امام علی علیه السـلام ، آب را به روی آنها ببندنـد. یاران معاویه خوشـحال می شوند و فکر می کنند چون آب را بسـته اند، سـپاه امام علی علیه السـلام وقتی چنین صحنه ای را ببینند پا به فرار می گذارند. وقتی امام علی علیه السـلام و لشـکریانش رسـیدند، ابتدا خواستند مذاکره کنند و کار به جنگ نکشد، ولی معاویه زیر بار نرفت و جنگ را به امام تحمیل کرد. اینجاست که امام خطبه ای حماسـی در مقابل لشـکرش ایراد می کند که اثرش از هزار طبل و شمشـیر و هزار نغمه و مارش نظامی بیشتر است. امام صـدا زد: معاویه، گروهی از گمراهان را دور خود جمع کرده است و آنها آب را به روی شـما بسته اند. اصحاب من! [اگر] تشنه هستید [و] آب می خواهید، اول باید شمشیرهای خودتان را از این خون هـای پلیـد سـیراب کنیـد تـا سـیراب شویـد. بعـد امـام جمله ای گفت که هیجـانی در همه ایجاد کرد: «أَیُّها النّاسُ! فَالْموتُ فِی حَیاتِکُم مَقهوُرین وَالْحَیاهُ فِی مَوتِکُم قاهِرین؛ زندگی آن است که بمیرید و پیروز باشـید و مردن آن است که زنده باشید و محکوم دیگران».(۲)

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۳، ص۷۵.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۵۱.

بعد از آن، سپاه امام علی علیه السلام ، سپاه معاویه را از کنار آب راندند و جلوی آن را گرفتند. اکنون این معاویه و لشکرش است که به آب نیاز دارد. سپاه امام گفتند: محال است که به آنها آب بدهیم، ولی امام این عمل را ناجوان مردانه خواند و فرمود که به دست آوردن پیروزی از این راه، شأن من و شأن هیچ مسلمان عزیز و باکرامتی نیست و اسم این کار امام چیزی جز مروت نیست.(۱)

پنج _ ایثار امام علی علیه السلام در جنگ خندق

پنج _ ایثار امام علی علیه السلام در جنگ خندق

دانشمند معروف اهل سنت، حاکم نیشابوری، در مورد رشادت های امام علی علیه السلام در جنگ خندق و کشته شدن عمرو به دست علی علیه السلام ، از زبان پیغمبر نقل می کند: «مبارزه حضرت علی علیه السلام با عمرو بن عبدود در روز جنگ خندق، افضل از همه اعمال امتم است تا روز قیامت».

فلسفه این سخن پیداست؛ زیرا در آن روز، اسلام و قرآن، ظاهراً بر لب پرتگاه قرار گرفته بود و بحرانی ترین لحظات خود را [سپری می کرد]. کسی که با فداکاری خود، بیشترین فداکاری را بعد از پیامبر در این میدان نشان داد، اسلام را از خطر حفظ کرد و تداوم آن را تا روز قیامت تضمین [کرد] و اسلام از برکت فداکاری او ریشه گرفت و شاخ و برگ بر سر جهانیان گسترانید. بنابراین، عبادت همگان مرهون اوست. این نکته نیز قابل توجه است که وقتی جنازه عمرو را به مشرکان تحویل دادند و خواهر عمرو به کنار جنازه آمد و زره گران قیمت عمرو را دید که علی علیه السلام از تن وی بیرون نیاورده است، گفت: «ما قَتَلَه إلّا رَجلٌ کَریمٌ؛ من اعتراف می کنم که هماورد و کشنده او، مرد بزرگواری بوده است».(۲)

۱- مرتضی مطهری، انسان کامل، صص ۱۰۸ _ ۱۱۱.

۲- تفسیر نمونه، ج۱۷، ص۲۵۷.

شش ــ ایثار یاران امام حسین علیه السلام در روز عاشورا

شش ــ ایثار یاران امام حسین علیه السلام در روز عاشورا

یکی از ارزش های اخلاقی در واقعه کربلا، ایثار است. برای ایثار، تجسمی بهتر از داستان حضرت ابوالفضل علیه السلام نمی توان یافت. ایشان بعد از آنکه چهار هزار مأمور شریعه فرات را به هلاکت رساند، وارد شریعه شد و مشک را پر از آب [کرد]. او می توانست آب بنوشد، اما این کار را نکرد. به یاد لب تشنه مولایش حسین علیه السلام افتاد. حال در اینجا این سؤال مطرح است که مگر سایر شهیدان از جان خود نگذشتند، پس چه چیزی حضرت عباس علیه السلام را از سایر شهیدان متمایز می سازد؟ جواب این است که معرفت عباس علیه السلام از همه شهیدان بالاتر و اطاعتش از امام خویش کامل تر بود. ایثار حضرت ابوالفضل علیه السلام با معرفت بود. بر اساس مکتب اسلام آنچه اعمال نیک را از یکدیگر متمایز می سازد، همان معرفت و بینش و نیت شخص است.(۱)

یکی دیگر از یاران امام حسین علیه السلام در کربلا، جناب عبدالله بن عمیر کلبی بود که زن و مادرش هم در کربلا همراهش بودند. وقتی به جنگ می رود و شهید می شود، دشمن سرش را از تنش جدا می کند و به سوی مادرش پرتاب می کند. مادر سر پسرش را بوسید و گفت: ما چیزی را که در راه خدا داده ایم، پس نمی گیریم و دوباره آن را به سوی دشمن پرتاب کرد.

از دیگر کسانی که برای اذن جنگ خدمت امام آمد، پسری دوازده ساله بود که پدرش قبلاً شهید شده بود. امام ابتدا به او اجازه نداد، اما او اصرار کرد و گفت که مادرش به او امر کرده که بجنگد. این پسر حتی در میدان، خود را معرفی نکرد و فقط گفت: «امیری حسین و نعم الامیر».(۲)

۱- مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۵۹.

۲- مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، ج ۱، صص ۲۷۴ ــ ۲۷۸.

یاران امام که در واقعه کربلا بودنـد و هر کدام به گونه ای خاص در راه خدا و امامشان جان دادند، بسـیارند که ما در اینجا به سه مورد از آنهـا اشاره کردیم. درباره ارزش ایثار یاران امام حسـین علیه السـلام ، کلام آن حضـرت کافی است که فرمود: «ما رأیتُ اصحاباً اَبَرَّ وَ اَوْفَی مِن أصحابی؛ اصحابی بهتر و باوفاتر از اصحاب خودم پیدا نکردم».(۱)

هفت _ ایثار حضرت ابوطالب علیه السلام

هفت _ ایثار حضرت ابوطالب علیه السلام

«این حقیقت را هیـچ کس نمی توانـد انکـار کنـد که ابوطـالب از حامیـان درجه اول اسـلام و پیـامبر بود. حمایت او از پیامبر و اسلام به حدی بود که هرگز نمی توان آن را با علایق و پیوندهای خویشاوندی و تعصبات قبیله ای تفسیر کرد.

نمونه برجسـته آن، داسـتان شعب ابوطالب است. در آن جریان، ابوطالب از همه کارهای خویش دست کشید و بنی هاشم را به دره ای که در میان کوه های مکه قرار داشت و به شعب ابوطالب معروف بود، برد و آنجا سکنی گزیدند.

او فـداکاری را به جایی رساند که علاوه بر ساختن برج های مخصوص به دلیل جلوگیری از حمله قریش، هر شب پیامبر صـلی الله علیه و آله را بلنـد می کرد و جایگاه دیگری برای استراحت او تهیه [می کرد] و فرزنـد دلبندش علی علیه السـلام را به جای او می خوابانید و هنگامی که علی علیه السـلام می گفت: «پدر جان! من با این وضع بالاخره کشـته خواهم شد»، پاسخ می داد: «عزیزم! بردباری را از دست مده. هر زنده به سوی مرگ رهسپار است. من تو را فدای فرزند عبدالله [کردم]. جالب توجه اینکه علی علیه السلام در جواب پدر می گوید: پدر جان! این کلام من به خاطر این

۱- ابوجعفر محمد بن حسن نیشابوری، روضه الواعظین، ترجمه: محمود مهروی دامغانی، ج۱، ص۲۱۹.

نبود که از کشته شدن در راه محمد صلی الله علیه و آله هراسی دارم، بلکه به خاطر این بود که می خواستم بدانی چگونه در برابر تو مطیع و آماده برای یاری احمدم». (۱)

هشت _ ایثار مادر به فرزند

هشت _ ایثار مادر به فرزند

وَ وَصَّیْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ إِحْسانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ کُرْهًا وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْرًا حَتّی إِذا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعینَ سَنَةً قالَ رَبِّ أَوْزِعْنی أَنْ أَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتی أَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَ عَلی والِدَیَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صالِحًا تَرْضاهُ وَ أَصْلِحْ لی فی ذُرِّیَّتی إِنّی تُبْتُ إِلَیْکَ وَ إِنّی مِنَ الْمُسْلِمینَ. (احقاف: ۱۵)

ما انسان را به احسان در حق پدر و مادر توصیه کردیم، که مادر با رنج، بار حمل کشید و باز با مشقت وضع حمل کرد و سی ماه تمام، مدت حمل و شیرخواری بود، تا وقتی که طفل به حدّ رشد رسید و چهل ساله گشت. گفت: پروردگار من، به من توفیق بده، شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم داده ای به جا آورم و عمل شایسته ای که تو از آن راضی می شوی، انجام دهم و فرزندان مرا صالح گردان. من به درگاه تو بازآمدم و از تسلیمان فرمان تو شدم».

مادر، در طول سی ماه، بزرگ ترین ایثار و فداکاری را در مورد فرزندش انجام می دهد. از نخستین روزهای انعقاد نطفه، حالت مادر دگرگون می شود و ناراحتی ها پشت سر یکدیگر می آید. حالتی که ویار نامیده می شود و یکی از سخت ترین حالات مادر است، روی می دهد و پزشکان می گویند: به دلیل کمبود ویتامین هایی است که در جسم مادر، به دلیل ایثار به فرزند، رخ می دهد.

۱- تفسیر نمونه، ج۵، ص۱۹۸.

هر قـدر جنین، رشـد و نمـو بیشـتری می یابـد، مواد بیشـتری از شـیره جـان مـادر را می گیرد و حـتی بر اسـتخوان هـای مـادر و اعصابش اثر می گـذارد؛ گاه خواب و خوراک و استراحت و آرامش را از او می گیرد و در آخر دوران حمل، حتی نشـست و برخاست برای او مشـکل می شود. دوران حمل تمام می شود و زمان وضع حمل که سخت ترین دوران زندگی مادر است، فرا می رسد که گاهی مادر، جان خود را بر سر فرزند می نهد.

دوران سـخت دیگری فرا می رسد؛ دوران مراقبت دائم و شـبانه روزی از فرزند؛ دورانی که باید به تمام نیازهای کودک پاسخ بگویـد که هیـچ گونه قـدرتی برای بیـان نیازهـای خود نـدارد. نظافت فرزنـد در این دوران، مشـکلی طاقت فرسا است و تأمین غذای او که از شیره جان مادر گرفته می شود، ایثاری بزرگ است.(۱)

ب) ایثار مالی

اشاره

ب) ایثار مالی

زیر فصل ها

یک _ اهل بیت علیهم السلام و ایثار

یک _ اهل بیت علیهم السلام و ایثار

ایثار و گذشت و دیگران را بر خود ترجیح دادن، صفت ذاتی اهل بیت علیهم السلام است که در سراسر زندگی این خاندان به

روشـنی خورشـید هویـداست؛ تـا جـایی که هیـچ نیازمنـدی و حتی غیر نیازمنـدی به آنها مراجعه نکرد، جز اینکه با دسـتانی پر بازگشت.

رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «إِنّا لَنُعْطِی غیرَ المسـتحق حـذراً مِنْ رَدِّ المُسـتَحَق؛ ما از بیم آنکه نیازمنـدی را رد کرده باشیم، به غیر مستحق نیز می بخشیم».(۲)

۱- تفسیر نمونه، ج۲۱، صص ۳۲۶ و ۳۲۷.

۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۹۳، ص۱۵۹.

ابوحمزه ثمالی می گوید: شنیدم امام زین العابدین علیه السلام به کنیزش می فرمود: «بر در خانه من نیازمند و تهی دستی نگذرد، مگر آنکه او را اطعام کنید.» من همان جا به حضرت گفتم: هر کس چیزی می خواهد و به سوی انسان دست دراز می کند، مستحق نیست. امام فرمود: «أخَافُ أنْ یکونَ بَعْضُ مَنْ یسْأَلُنَا مُحِقّاً فَلا نُطْعِمَهُ وَ نَرُدَّهُ فَینْزِلَ بِنَا أهْلَ الْبیتِ مَا نَزَلَ بِیعْقُوب؛ می ترسم بعضی از کسانی که درخواست کمک می کنند، مستحق باشند و ما او را اطعام نکرده باشیم و آن گاه بر ما اهل بیت آن نازل شود که بر یعقوب نازل شد».(۱)

گاهی این بخشش و ایثار، شامل همه دارایی آنها می شد. چنان که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «اِنَّ الحسن بن علی قاسَمَ رَبَّهُ ثَلاثَ مرات، حَتی نعلاً ـ و نعلاً ـ و ثوباً و ثوباً و دیناراً و دیناراً؛ حسن بن علی علیه السلام سه بار هر آنچه از کفش و لباس و دینار داشت، با خدا تقسیم کرد».(۲)

نکته تأمل برانگیز این است که اهل بیت علیهم السلام ایثار و بخشش را حتی در دشوارترین شرایط ترک نمی کردند. چنان که نقل کرده اند، وقتی تهی دستی در روز عاشورا شنید جماعتی در نینوا گرد آمده اند، به راه افتاد تا خود را به آنان رساند. امام حسین علیه السلام از حال او پرسید، گفت: نیازمندم و شنیدم مردمی بسیار در این محل گرد آمده اند. با خود گفتم شاید از این گروه خیری به من برسد. حضرت فرمود: همین جا بایست و پیش تر نرو. آن گاه به خیمه بازگشت و آنچه لازمه کمک بود، در پارچه ای پیچید و به آن تهی دست داد. او نیز گرفت و شادمان بازگشت.

در روش و سیره اهل بیت، گذشت و نادیده گرفتن خطا و جفا، به عنوان جوان مردی و مردانگی مورد توجه است. چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

۱- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۶، ص۲۸۹.

۲- زین الدین جبعی عاملی (شهید ثانی)، الاستبصار، ج ۲۰، ص ۱۴۱.

«مُروَّتُنـا اَهـلَ الْبَيتِ العَفوُ عَمَّن ظَلَمَنـا وَ إعطاءُ مَن حَرَّمَنا؛ جوان مردی و مردانگی ما اهل بیت، گـذشت از کسـی است که بر ما ستم روا داشته و نیز عطا و بخشش به کسی است که از ما دریغ ورزیده است».(۱)

دو ـ ایثار امام علی علیه السلام

دو ـ ایثار امام علی علیه السلام

اخلاص خاص علی، کرم و بخشـش او بود که حـد و مرزی نـداشت، ولی بخششـی که در اصول و هدف پاک و سالم بود، نهماننـد بخشـش فرمانـداران و زورمـداران که از مـال و کوشـش مردم، بخشـش می کننـد! اینان وقتی احسان می کننـد، فقط به خویشان و نزدیکان یا هوادارانشان می بخشند که در راه حکومت و سلطنت آنها شمشیر می زنند.

کرم و احسـان علی علیه السـلام ، بـا جـان و دل او به هم آمیخته است و از مردانگی او پرده برمی دارد. او بـا دست جود، نخل های گروهی از یهودان مدینه را سـیراب می کند، تا آنجا که دست او تاول می زند و زخم می شود و آن گاه مزدی را که می گیرد، به درماندگان می دهد یا با آن بندگانی را می خرد و بلافاصله آزاد می کند.(۲)

آن حضـرت در سـخاوت مشهور و کعبه آمال مستمندان و بیچارگان بود. هر کسی فقر و نیازی داشت و دست حاجت به سوی امـام پیش می برد، آن حضـرت با نجابت و اصالتی که در فطرتش بود، حاضـر نمی شـد آبروی سائل ریخته شود و می فرمود: «نیازمندان، حاجت خود را بر کاغذ بنویسند تا خواری و شکست درخواست در چهره آنان نمایان نشود».

۱- حسن بن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۵۸.

۲- جرج جرداق، امام علی۷ صدای عدالت انسانی، ترجمه: سید هادی خسروشاهی، ج۱و۲، ص۱۲۲.

امیر مؤمنان، علی علیه السلام چهار درهم پول داشت؛ یکی را شب انفاق کرد و یکی را روز، یک درهم را آشکارا و یک درهم را در نهان؛ آن گاه این آیه نازل شد:

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ اَمْوالَهُمْ بِاللَّيلِ وَ النَّهارِ سِرّاً وَ علانِيةً فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفَ عَلَيهِمْ وَ لا هُمْ يحْزَنُونَ. (بقره: ۲۷۴)

کسانی که از مال خود در شب و روز، در نهان و آشکار انفاق می کنند، آنان را پاداش نیکو نزد پروردگارشان خواهد بود، هرگز از حادثه آینده بیمناک و از امور گذشته اندوهگین نخواهند شد.

سه ـ ایثار امام علی علیه السلام و خانواده ایشان در بخشش طعام

سه ـ ایثار امام علی علیه السلام و خانواده ایشان در بخشش طعام

روایت شده است روزی امام حسن و امام حسین علیهما السلام در کودکی به بیماری سختی دچار شدند. حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام ، نذر کردند که در صورت شفای فرزندان عزیزشان، سه روز روزه بگیرند. حاجتشان روا شد و آن دو بزرگوار شفا یافتند. اکنون موقع ادای نذر بود. این خانواده گرامی سه روز پی درپی روزه گرفتند. شب اول، هنگام افطار، غذای خود را به مسکین، در شب دوم به یتیم، و شب سوم به اسیر بخشیدند. این داستان مؤمنانی است که غذای خود را با وجود نیازی که به آن داشتند، در راه خدا به نیازمندان بخشیدند و خود فقط با آب افطار کردند. ایشان در ازای این ایثار، انتظار هیچ پاداشی نداشتند و فقط خواهان رضای الهی بودند. در پی این ایثار خالصانه، این آیات در شأن ایشان نازل شد:

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاء وَلا شُكُورًا. (انسان: ۸ و ۹)

و غذایشان را به سبب دوستی خداوند به مسکین و یتیم و اسیر می دهند و می گویند ما فقط برای رضای خدا به شما غذا می دهیم و هیچ پاداشی از شما نمی خواهیم.

چهار _ ایثار حضرت زهرا علیها السلام

چهار _ ایثار حضرت زهرا علیها السلام

شب عروسی حضرت زهرا علیها السلام است. برایش پیراهن نویی خریده اند، به عنوان پیراهن شب زفاف. پیراهنی هم از قبل داشته است. سائلی در آن شب، به در خانه زهرا علیها السلام می آید و صدا می زند که من عریانم، کسی نیست مرا بپوشاند؟

زهرا علیها السلام که عروس این خانه است، متوجه سائل می شود. فوراً لباس نو را در می آورد و به سائل می بخشد و خود لباس کهنه به تن می کند. او لباس را در راه خدا می بخشد.(۱)

پنج _ ایثار مهاجران

پنج _ ایثار مهاجران

مقام مهاجران در اسلام، مقام فوق العاده پرارجی است. هم خود پیامبر و هم مسلمانان، همگی برای آنها احترام خاصی قائل بودند؛ زیرا مسلمانانی که در مکه ایمان آورده بودند، پس از هجرت آن حضرت، در مضیقه بیشتر و مورد تحقیر و اهانت زیادتری قرار گرفتند. به آنها اجازه توقف در مکه و انجام فرایض دینی داده نمی شد. ناچار به فکر افتادند که تدریجاً مکه را ترک گویند و خویشتن را از محیط فاسد و شرک آلود برهانند و برای تحقق بخشیدن به این هدف، لازم بود از خانه و زندگی، از اموال و اثاث خود چشم بپوشند. بعضی جان خود را در این راه به خطر انداختند و بعضی هم از همه اموال خود چشم پوشیدند؛ زیرا مشرکان اجازه نمی دادند آنان اموال خود را از مکه خارج

۱- مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، صص ۱۱۳ _ ۱۱۵.

کننـد. این رانـده شدگان سـرمایه ای با خود نداشـتند، جز ایمان به خدا و امید به فضل باری تعالی، با تصـمیم به اعتلای حق و یاری پیشوای اسلام.(۱)

خداوند در قرآن شریف درباره ایشان فرموده است:

لِلْفُقَراءِ الْمُهـاجِرینَ الَّذیـنَ أُخْرِجُوا مِنْ دِیـارِهِمْ وَ أَمْـوالِهِمْ یبْتَغُـونَ فَضْـلا مِنَ اللهِ وَ رِضْوانـاً وَ یَنْصُـرُونَ الله وَ رَسُـولَهُ أولئِـکَ هُمْ الصَّادِقون. (حشر: ۸)

[این اموال] خـاص فقیران مهـاجران است که از وطن و اموالشـان اخراج شدنـد. فضـل و خشـنودی از خـدا می طلبنـد و خـدا و رسولش را کمک می کنند؛ آنها همان راست گویانند.

البته مهـاجران از تمـام زنـدگی خویش، برای گسترش اسـلام و یاریِ دین گذشـتند، ولی آنها خود را در این معامله برنـده می دانستند. آنها هم در این دنیا سعادتمند شدند و هم در آخرت پاداش دارند.

خداوند در قرآن در این باره می فرماید:

وَالَّذِینَ هاجَرُواْ فِی اللّهِ مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُواْ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَلَأَجْرُ الآخِرَهِ أَکْبَرُ لَوْ کَانُواْ یعْلَمُونَ. (نحل: ۴۱)

آنـان که در راه خـدا مهـاجرت کردنـد، بعـد از آنکه سـتم هـا از کافران کشـیدند یا در دنیا به آنها جایگاه نیکو می دهیم، در صورتی که اگر بدانند اجری که در آخرت به آنها عطا خواهیم کرد بسیار بهتر و نیکوتر است.

«... لَنُبَوِّئَنَّهُم فی الـدُّنیا حَسَـنَهً؛ در این دنیـا جـای نیکویی به آنان می دهیم»، این مطلب نشانگر این است که گرچه مهاجران در آغاز کار، امکانات مادی خود را از دست می دهند، اما سرانجام از نظر زندگی دنیوی، پیروزی با آنهاست.(۲)

۱- محمدتقی فلسفی، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، ج۲، ص۱۶۳.

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۱۱، ص۲۳۷.

شش ـ ایثار انصار

شش ـ ایثار انصار

بی گمان در صدر اسلام، یکی از عوامل نشر دین حق و گسترش آیین الهی، ایثار و بخشش مسلمانان بود که با خلوص نیت و به انگیزه الهی، در حق یکدیگر انجام می دادند. برای این مطلب شواهدی در آیات و روایات وجود دارد که به نمونه ای از ایثار انصار اشاره می کنیم:

«ایامی که مهاجرین به مدینه آمده بودند و در فقر و تنگ دستی به سر می بردند، حادثه بنی نضیر اتفاق افتاد. به دنبال این حادثه، مقدار قابل ملاحظه ای از اموال یهودی های بنی نضیر، بدون جنگ و جدال به دست مسلمانان افتاد. این اموال به امر باری تعالی در اختیار شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار گرفت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به انصار فرمود: اگر میل دارید، آنچه از مال و خانه و زمین دارید با مهاجرین تقسیم کنید و در غنایم بنی نضیر هم با آنها شریک باشید و اگر بخواهید، می توانید مال و خانه و زمین شما، مال خودتان باشد و غنایم بنی نضیر، تنها در بین مهاجرین تقسیم گردد. انصار در پاسخ گفتند: هم اموال و زمین های خود را با آنها تقسیم می کنیم و هم غنایم بنی نضیر را به آنها واگذار می کنیم و از آن سهم نمی خواهیم. در این مورد بود که آیه مبارکه ۹ [از] حشر نازل گردید».(۱)

وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هاجَرَ إِلَيهِمْ وَلَا يجِدُونَ فِی صُدُورِهِمْ حاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَی أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

۱- شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، ج۲، ص۱۶۵.

و هم آن [جماعت انصار] که پیش از [هجرت] مهاجران، مدینه را خانه ایمان گردانیدند و مهاجرانی را که به سوی آنها آمدند، دوست می دارند و در دل خود هیچ حاجتی نسبت به آنها، نمی یابند و هر چند به چیزی نیازمند باشند، باز مهاجران را بر خود در آن چیز مقدّم می دارند و جانشان از بخل و حسد دنیا پاک است و هر کس نفسش را نگه می دارد، آنان به حقیقت رستگاران عالمند.

ایثار، به معنای اختیار و انتخاب چیزی بر غیر آن است و کلمه «خَصاصه» به معنای فقر و حاجت است. راغب در مفردات چنین گفته است: کلمه «خصاص البیت» به معنای «شکاف خانه» است و اگر «فقر» را «خصاصه» خوانده است، بدین جهت است که فقر نمی تواند شکاف حاجت را پر کند و به همین جهت است که از آن به کلمه خلْه نیز تعبیر می کنند و معنای آیه این است که انصار، مهاجرین را بر خود مقدّم می دارند، هر چند که خود مبتلاـ به فقر و حاجت باشند. پس در حقیقت، این آیه در معنای این است که بفرماید: نه تنها چشم داشتی ندارند، بلکه مهاجرین را بر خود مقدم می دارند.(۱)

«وَ مَنْ یوقَ شُحَّ نَفسُه فَأولئکَ هُمُ المُفلِحونُ» کلمه «شُحْ» به معنای بخل توأم با حرص است، البته نه در یک مورد، بلکه در صورتی که عادت شده باشد و کلمه «یوق» که در اصل «یوقی» بوده، مضارع مجهول از مصدر «وقایه» است که به معنای «حفظ کردن» است و معنای آیه چنین است: «هر کس که خدا او را از شر تنگ چشمی و بخل حفظ فرموده، در نتیجه نه خودش از بذل مال مضایقه دارد و نه از اینکه دیگران مالدار شوند، ناراحت می شود. چنین کسانی رستگارند».(۲)

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص۲۳۷.

۲- تفسیر المیزان، ج۱۹، ص۳۵۵.

بنابراین، تفضُل انصار در حق مهاجران بی بضاعت در صدر اسلام و نزول آیه یاد شده،(۱) یکی از بزرگ ترین مصادیق ایثار به شمار می رود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

هُمْ الْبَرَّهُ بِالْإِخْوَانِ فِی حَالِ الْیسْرِ وَ الْعُسْرِ، وَ الْمُؤثِرُونَ عَلی اَنْفُسِهِمْ فِی حالِ الْعُسْرِ کذَلِکَ وَصَفَهُمُ اللّهُ تعالی. فَقَالَ: «وَیُؤْثِرُونَ عَلَی أَنفُسِهِمْ وَلَوْ کَانَ بِهِمْ خَصَاصَهٌ».(۲)

آنان نیکوکارانند در حق برادران، در حال تنگ دستی و در حال گشایش و در حال مضیقه، دیگران را بر خود مقدّم می دارند و خداوند این گروه بزرگواران را این چنین توصیف کرده است: «وَیُؤْثِرُونَ عَلَی أَنفُسِهِمْ وَلَوْ کَانَ بِهِمْ خَصَاصَهٌ».

هفت _ ایثار طبیعت

هفت _ ایثار طبیعت

خداوند در آیاتی از سوره مبارکه کهف، داستان باغبانی را مثال می زند که صاحب دو باغ انگور با میوه های بسیار بود؛ باغی که از وسط آن نهرهای زیبا روان بود. صاحب باغ با داشتن چنین موقعیتی دچار غرور شد و وجود خدا و روز معاد را انکار کرد. او سرانجام گرفتار خشم و غضب الهی گردید و باغ سرسبز و پرثمرش، شبی به خاکستر تبدیل شد. خداوند متعال در توصیف آن باغ های پربرکت می فرماید:

کِلْتَا الْجَنَّتَیْنِ آتَتْ أُکُلَها وَ لَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَیْئًا وَ فَجَّرْنا خِلالَهُما نَهَرًا؛ آن دو باغ، میوه های خود را بی هیچ آفت و نقصان بداد و در وسط آن جوی آبی روان ساختیم. (کهف: ۳۳)

۱- نک: حشر: ۹.

۲- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، ج۱، ص۶.

یعنی آن باغ ها هیچ گونه ستمی در تقدیم ثمرات خود به جهان بشر نداشتند، ولی درباره صاحب آن باغ می فرماید: «وَ دَخَلَ جَنَّتَهُ وَ هُوَ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ قالَ ما أُظُنُّ أنْ تَبیدَ هذِهِ أبَدا». (کهف: ۳۵)

عشق و علاقه آنها به دنیا کم کم پندار جاودانگی آن را در نظرشان مجسم می سازد و فریاد «ما أظُنُ أَنْ تَبیدَ هذِه أبداً» سر می دهند. از آنجا که ایمان به جاودانگی دنیای مادی، تضاد روشنی با رستاخیز دارد، آنها به انکار معاد برمی خیزند و «ما أظُنُ ساعةَ قائمةً» می گویند.

همچنین در این آیات، در توصیف آن باغ های پربرکت می خوانیم: «وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَیْئاً»؛ یعنی آن باغ ها هیچ گونه ستمی در تقدیم ثمرات خود نداشتند که این مطلب، ایثار بی غل و غش طبیعت و سود رساندن به مردم را می رساند، ولی درباره صاحب آن باغ می خوانیم: «وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وهو ظالمٌ لنفسه.» نظیر این مطلب در سوره کهف، در داستان آن دو دوستی آمده است که یکی ثروتمند بود و راه کفر و غرور را پیش گرفت و دیگری در مسیر ایمان ثابت قدم ماند. آنجا که قرآن از قول آن مرد مغرور که صاحب باغ ها و چشمه های پرآب بود، نقل می کند: «من هرگز گمان نمی کنم قیامت بر پا شود و اگر قیامتی در کار باشد و به سوی پروردگارم بازگردم، جایگاهی بهتر و عالی تر از این خواهم یافت».(۱)

با در نظر گرفتن این آیه که به رعایت عدالت در انفاق دستور می دهد، این سؤال مطرح می شود که در سوره دهر و آیات دیگر قرآن و همچنین در روایات، ستایش و مدح ایثارگران را می خوانیم که حتی در نهایت سختی، از خود می گیرند و به دیگران می دهند؛ حال این دو مطلب چگونه با هم سازگار است؟

۱- کهف: ۳۵ و ۳۶. نک: طباطبایی، المیزان، ج ۱۹، ص ۳۵۶.

دقت در شأن نزول آیه فوق و همچنین قرائن دیگر، پاسخ این سؤال را روشن می سازد. دستور به رعایت اعتدال، در جایی است که بخشش فراوان، سبب نابسامانی های فوق العاده در زندگی خود انسان گردد و به اصطلاح، ملوم و محسور شود یا ایثار سبب ناراحتی و فشار در فرزندان او گردد و نظام خانوادگی اش را به خطر افکند. در صورتی که هیچ یک از اینها تحقق نیابد، مسلماً ایثار بهترین راه است. از این گذشته، رعایت اعتدال، حکمی عام است و ایثار، حکمی خاص که مربوط به موارد معیّنی است و این دو حکم با هم تضادی ندارند.(۱) بنابراین، طبیعت نیز از ایثار آنچه خداوند به آن عطا فرموده است، دریغ نمی ورزد و این از برجسته ترین نمونه های اندرز و درس گرفتن برای انسان هاست.

ابعاد ایثار

اشاره

ابعاد ایثار

زیر فصل ها

الف) بُعد اعتقادی

ب) بُعد اجتماعی

ج) بُعد سیاسی

د) بُعد فرهنگی

الف) بُعد اعتقادی

الف) بُعد اعتقادی

یکی از ویژگی های مهم مؤمنان راستین، داشتن روحیه ایثارگری است. امیر مؤمنان، علی علیه السلام در روایتی ایثار را بهترین کرامت اخلاقی برای انسان ها دانسته است: «خَیْرُالْمَکارِمَ الْاِیثارُ.» در روایتی دیگر نیز از آن با عنوان بالاترین نیکی ها یاد کرده است: «اَلاِیثارُ أَشْرَفُ الْاِحسانِ».(۲)

پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اصحابش از مکه به مدینه، مردم مدینه که در تاریخ اسلام به انصار معروف شدند، از مهاجران مسلمان استقبال کردند و با جان و مال به حمایت از آنان برخاستند.

۱- نک: تفسیر نمونه، ج۱۲، صص ۹۲ _ ۹۸.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج۱، صص ۲۱ _ ۲۳.

در پی این ایثار و فداکاری انصار، آیه ۹ سوره حشر در شأن و مقام ایشان نازل شد: «... وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ...؛ [انصار، دیگران را] بر خودشان مقدّم می دارند، اگرچه خود دچار تنگ دستی باشند».

در این آیه شریفه، انصار به سبب روحیه ایثارگری و ترجیح دادن مهاجران بر خودشان، در شرایطی که خود نیازمند بودند، در مقام نمونه ای از مؤمنان راستین ستایش شده اند.

ب) بُعد اجتماعی

ب) بُعد اجتماعی

یکی از جنبه های اجتماعی مسئله یا پدیده و رفتار یا ارزش، آن است که جمع کثیری را متأثر می سازد. شمار افرادی که متأثر می شوند، روشن نیست، ولی فراوانی مباحث طرح شده درباره آن موضوع در رسانه ها، گفتارها و...، شاخص میزان توجهی است که آن موضوع برانگیخته است و وسعت و گستردگی اش را نشان می دهد.

گاهی دامنه ارزشی، چنان محدود است که فقط چند فرد یا گروهی بسیار کوچک را در بر می گیرد، اما برخی ارزش ها گستره وسیعی دارند و عده زیادی به آنها پای بندند. ازاین رو، ارزش عمومی قلمداد می شوند.

در جامعه ایران، ارزش های خاصی تحت تأثیر اسلام، برجسته شدند و در میان بخش عظیمی از مردم رواج یافتند. ایثار یکی از همان ارزش هاست که پس از اسلام آوردن ایرانیان، حضوری نسبتاً پررنگ یافت و به ویژه در دوران انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، در شکل های مختلف و متعددی تجلی کرد. به همین دلیل، می توان آن را یکی از ارزش های اجتماعی به شمار آورد، به ویژه که هنوز میراث این ارزش والا به صورت های مختلف در

جامعه تداعی می شود و تعداد زیادی شهید (و خانواده های شهدا)، جانباز، ایثارگر و مفقودالاثر در سرزمین ایران پراکنده و آکنده است و نهادهای رسمی فراوانی برای رسیدگی به امور آنها فعالیت می کنند.(۱)

ارزش های اجتماعی، الگو های کلی رفتار، احکام جمعی و هنجارهای کرداری را که مورد پذیرش عمومی و خواست جامعه قرار گرفته اند، تشکیل می دهند. لزوماً ارزش های اجتماعی از دیگر اقسام ارزش (شخصی، فرهنگی و...) متمایز نیستند و تمامی ارزش هایی را که مردم با آنها حیات اجتماعی خود را می گذرانند و اعضای جامعه در برابر آن به نوعی وفاق رسیده اند، در بر می گیرند. در معنای محدودتر، گاه از ارزش های اجتماعی با عنوان ارزش های اخلاقی، فرهنگی یا دینی سخن می رود که یک پارچگی اجتماعی را قوام می بخشد و به گسترش پیوندهای مبتنی بر هم بستگی می انجامد. بدین سان، عدالت، انسان دوستی، دیگرخواهی، مهربانی و...، جزو ارزش های اجتماعی شمرده می شوند.(۲) ارزش های دفاع مقدس مثل ایثار، شهادت طلبی، خداخواهی، خطرپذیری و...، هر چند ارزش های دینی، عقلانی و عاطفی هستند، تبلور وجه غالب آنها از نوع ارزش های اجتماعی است. وقتی از ماهیت اجتماعی ایثار صحبت می شود، منظور آن است که این ارزش، هم در قلمرو جامعه مطرح است و عده زیادی به آن پای بند هستند و هم کارکردهای اجتماعی دارد. وقتی افراد بسیاری شهادت را برمی گزینند، در واقع این امر نوعی ایثار جهت حفظ و ثبات نظام اجتماعی و ارزش های جامعه است و دفاع از آرمان ها و ارزش های اجتماعی و تعالی بخشیدن به آنها را نشان می دهد. طبیعی است که چنین ارزشی از یک طرف به انسجام و

۱- علی آقاپور، ایثار و ماهیت اجتماعی و فرهنگی آن، ص۳۶.

۲- آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، ص۳۸۶.

تحکیم جـامعه کمـک می کنـد و از طرف دیگر، جایگـاه دارنـدگان آن ارزش را در جـامعه والاتر می سازد. زمانی که شـمار زیـادی از افراد جـامعه به دلیـل پای بنـدی به ارزش ایثار، بخش اعظم دارایی خود را در راه اهـداف و ارزش های مهم خویش صرف می کننـد و مشـکلات هم نوعانشـان را برطرف می سازنـد، در واقع در کاهش مشـکلات و آسـیب های اجتماعی نقش مؤثری ایفـا می کننـد؛ زیرا نظـام رسـمی، توان آن را نـدارد که در مواقع بحرانی، به ویژه هنگام وقوع حوادث طبیعی، همچون سیـل، زلزله یـا تحریم اقتصـادی، همه مشـکلات پیش آمـده را حـل کنـد. ناگزیر در اینجا نقش و اهمیت ایثار نیروهای مردمی ظاهر می شود و حضور فعال آنها پی آمدهای مثبت و سازنده ای در عادی سازی اوضاع دارد.

نکته مهم دیگر اینکه در سـایه این ارزش اجتمـاعی و برخی ارزش هـای دیگر، هم بسـتگی اجتمـاعی قدرتمنـدی بین اعضـای جـامعه شـکل می گیرد. مظهر این هم بسـتگی، در دوران انقلاـب اسـلامی و جنـگ تحمیلی ایران و عراق بود که افراد از هیچ کمکی در حق یکـدیگر دریغ نمی ورزیدنـد و حتی بـا وجود نیاز خویش، رفع نیاز دیگری را بر خود مقـدّم و افتخاری بزرگ می دانستند.

ج) بُعد سیاسی

ج) بُعد سیاسی

در این عرصه، بهره وران از ایثار قهرمان، نه یک تن یا جمع یک خانواده، بلکه گروهی مبارز با عقیده و مرام مشـخص سیاسی انـد. ایثـار قهرمانـانی از این دست، در مبارزه با فساد و تباهی طبقه یا حکومتی است که از نظر آنان سـتمگر و مردود است. در این نوع ایثارگری که سـرشار از محرومیت و درد و شـکنجه است، اغلب فرد ایثارگر با فدا کردن خود، آینده ای تابناک را در پرتو

آرمانش برای دیگران رقم می زند. این ایثارگر که یک سر و گردن از دیگران بالاتر است، شجاع و آگاه و خستگی ناپذیر هم هست. قهرمان نمایش نامه مادر اثر برتولت برشت یا شخصیت دانکو در قلب فروزان دانکو اثر گورکی، نمونه هایی از این دست هستند.

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَهِ وَمَنْ حَوْلَهُم مِّنَ الأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُواْ عَن رَّسُولِ اللّهِ وَلاَ يَرْغَبُواْ بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لاَ يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلاَ نَصَبٌ وَلاَ مَخْمَصَهٌ فِی سَبِيلِ اللّهِ وَلاَ يَطَؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلاَ يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلاً إِلاَّ كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللّهَ لاَ يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. (توبه: ۱۲۰)

اهل مدینه و بادیه نشینان اطرافش نباید هرگز از فرمان پیغمبر تخلف کنند و نه هرگز برخلاف میل او میلی از خود اظهار کنند تا آنکه به عوض اطاعتشان هیچ رنج تشنگی و گرسنگی و خستگی در راه خدا نکشند و هیچ قدمی که کفار را خشمگین کند برندارند و هیچ دستبردی به دشمنان نرسانند جز آنکه در مقابل هر یک از این رنج و آلام، عمل صالحی در نامه اعمالشان نوشته شود که خدا هرگز اجر نیکوکاران را ضایع نخواهد گذاشت.

در این آیه مبارکه، خداوند از اینکه مسلمانان از دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله سرپیچی کنند و برای حفظ جان خود، پیامبر را حمایت نکنند و بدین وسیله از حفظ جان آن حضرت چشم بپوشند، اظهار ناخشنودی کرده و آن را زیبنده مسلمانان ندانسته است. سپس از پاداشی سخن می گوید که از رهگذر تحمل تشنگی، خستگی و گرسنگی در راه خدا و مقاومت در برابر حمله های دشمن، نصیب مسلمانان خواهد شد. بدیهی است، وقتی مسلمانان مجاز نباشند برای

حفظ جان خود، از جان پیامبر که در معرض خطر قرار می گیرد، بگذرند و موظف باشند برای حمایت از آن حضرت، جان خود را فدا و مشکلات را تحمل کنند، به طریق اولی چنین وظیفه ای را در راه حفظ دین و حمایت از راه و رسم پیامبر و هدف آن حضرت نیز بر عهده دارند. پس جانبازی در راه دین خدا، وظیفه مسلمانان و از بهترین اعمال به شمار می رود. یکی از مصداق های آشکار جانبازی در راه دین خدا، انجام دادن «عملیات استشهادی» و ایثارگری و تحمل سختی برای ضربه زدن به دشمنان است.(۱)

وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدْوَّ اللّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دونِهِمْ. (انفال: ۶۱)

و شما (ای مؤمنان) در مبارزه با کافران خود را مهیا کنید تا بتوانید از تسلیحات جنگی و اسبان سواری برای تهدید دشمنان خدا و دشمنان خودتان و بر قوم دیگری که شما بر دشمنی آنان مطلع نیستید و خدا به مکر آنها آگاه است کاملاً فراهم سازید.

خداوند در این آیه به مسلمانان امر می کند که هر قدر توان دارند، نیروی انسانی و ادوات جنگی تدارک ببینند تا همواره در برابر مشرکان مهیا باشند.(۲)

در بعضی روایات، «قوه» را توان تیراندازی و در بعضی دیگر، دژهای مستحکم معنا کرده اند.(۳) «قوه» در بعضی دیگر از روایات نیز، خضاب کردن محاسن با رنگ سیاه معنا شده است.(۴) روشن است که این روایات، بعضی از مصداق های «قوه» را بیان کرده اند که متناسب با عصر نزول آیه بوده است.

۱- علی رضا رحیمی بروجردی، سیر تحول اندیشه و تفکر عصر جدید در اروپا، ص۲۲۲. (تلخیص و برداشت)

۲- قاموس قرآن، ج ۱، ص ۴۹.

۳- قاموس قرآن، ج ۱، ص ۴۹.

۴- قاموس قرآن، ج ۱، ص ۵۰.

«تُرْهِبُونَ بِهِ عَدْوَّ اللّهِ وَعَدُوَّكُمْ»، علت این دستور است؛ یعنی همیشه به منظور ترساندن دشمنان خدا و دشمنان خود آماده باشید. برخی فقها چنین نتیجه گرفته اند که هر چه به آن ترساندن حاصل شود، خوب است.(۱)

بنابراین، عنوان هایی که در آیات یاد شده درباره مجاهدان راه خدا به کار رفته است، مانند «جهاد با جان»، «معامله با خدا و خریدن بهشت و رضای الهی در برابر بذل جان»، «آمادگی نظامی به منظور ایجاد وحشت در دل دشمن»، «ضرورت فداکاری و جان بازی در راه حمایت از پیامبر و دین خدا»، همگی درباره کسانی صادق است که با قصد قربت، در راه مقابله با دشمنان دین خدا، به عملیات استشهادی اقدام می کنند. طبق مقتضیات زمان، در این عصر نیز با توجه به تلاش دشمنان برای رواج فرهنگ مبتذل غرب در کشور ما و تهدیدهای نظامی و جنگ نرم و تحریم اقتصادی و... مردم با روحیه ایثار و گذشت، فشارها را راحت تر تحمل خواهند کرد و مشت محکمی بر دهان دشمنان اسلام و دین خواهند زد.

د) بُعد فرهنگی

د) بُعد فرهنگی

در کنار ماهیت اجتماعی ایثار، ماهیت فرهنگی آن عینیت پذیری آشکارتری دارد.

آنچه ماهیت فرهنگی ایثار را با قوت بیشتری به تصویر می کشد، نقش فرهنگ و دین اسلام در گسترش و نفوذ بیشتر این ارزش ها در لایه های اجتماعی جامعه ایران است. به عبارت دیگر، نمی توان وجود فرهنگ ایثار و شهادت را در ایران، بدون توجه به تأثیر بالای دین اسلام تبیین و تشریح کرد. در واقع انکار این امر، نادیده گرفتن بسیاری از تحولات و واقعیت های جامعه خواهد بود.

۱- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۸۵۲.

همان گونه که نمی توان مرز اجتماع و فرهنگ را به شکل دقیقی، جدا و مشخص ساخت، نشان دادن مرز میان بُعد فرهنگی و جنبه اجتماعی ایثار نیز به آسانی امکان پذیر نیست. در کلامی رساتر، باید گفت که ایثار ارزشی اجتماعی و فرهنگی است، که در ساخت و بافت جامعه ایران و به تأثیر از فرهنگ ایرانی ـ اسلامی، در رگه هایی از آن گذشته و حال این مرز بوم دیده می شود، گاه پررنگ، گاه کم رنگ و گاهی حتی بی رنگ می گردد. می توان مصداق های متعددی از وجود فرهنگ ایثار و شهادت را در صورت اجتماعی و فرهنگی اش، در بین ایرانیان از گذشته تاکنون، نمودار ساخت:

وقف(۱) سبب پیدایش بسیاری از مراکز علمی، دارالعلم ها، بیت الحکمه ها، مدارس و کتاب خانه ها شده و از این راه به گسترش دانش در جهان خدمت بزرگی کرده است. همچنین با تأسیس درمانگاه ها، بیمارستان ها، ساختن قنات و آب انبار در خدمت به بهداشت و سلامت جامعه نیز نقش اثرگذاری داشته است.

انجمن های حمایت از بیماران کلیوی، بیماران خاص، انجمن های خیریه کمک به ایتام و دیگر انجمن های داوطلب در زمینه کمک به نیازمندان و بیماران و محرومان، که در سطح جامعه فعالیت می کنند، نشانه مصداق های پای بندی مردمان این مرز و بوم به یک سری ارزش های خاص اجتماعی و فرهنگی، از جمله ایثار هستند. در واقع این فعالیت ها هم ماهیت فرهنگی و اجتماعی دارند و هم پی آمدهایی مثبت و سازنده در بخش های گوناگون جامعه. وجود این مصداق ها در کنار شهادت به عنوان نمود کامل ایثار، همچنین کمک های چشم گیر مردم به یکدیگر در زمان بروز حوادث، بر عهده

۱- سنت دیرینه ای که فرد، مال یا ملک شخصی اش را از مالکیت خویش خارج می سازد و در اختیار جامعه و نهادهای عمومی قرار می دهد تا مردم به صورت بلاعوض از منافع آن بهره مند شوند.

گرفتن سرپرستی کودکان یتیم به ویژه در اعیاد خاص مذهبی و...، ماهیت فرهنگی و اجتماعی ایثار را آشکار می سازد.

رابطه ایثار با اختیار و آزادی انسان

رابطه ایثار با اختیار و آزادی انسان

انسان، اراده و اختیار و عقل دارد. ازاین رو، دو نوع فعل انجام می دهد: فعل طبیعی و فعل اخلاقی.

شهید مطهری درباره ارزش کار اخلاقی و تفاوت آن با دیگر انواع ارزش ها می نویسد:

کارهایی را ما [که] به آنها کار اخلاقی می گوییم، می بینیم که فرقشان با کار عادی این است که قابل آفرین و ستایش و تحسینند... .کار اخلاقی در وجدان هر بشری دارای ارزش است؛ یعنی یک کار ارزشمند و گران بهاست. نه از نوع قیمت و ارزشی که برای یک کارگر قائل است که ارزش مادی به اصطلاح ایجاد می کند و استحقاق مبلغی پول یا کالا در مقابل کار خودش پیدا می کند؛ بلکه یک نوع ارزش مافوق این ارزش هاست که با پول و کالای مادی، قابل مقایسه نیست. کارهای اخلاقی در ذهن و وجدان دارای ارزش و قیمت گران بهاست، ولی نوع ارزشش با ارزش های مادی، متفاوت است و آن یک ارزش دیگری است مافوق این ارزش های مادی.(۱)

حال سخن اینجاست که معیار و ملاک فعل اخلاقی چیست و ارزشمند بودن و اخلاقی بودن آنها را از کجا می توان دریافت؟

در پاسخ به این پرسش، دیدگاه های مختلفی مطرح شده است. بعضی معتقدند، معیار فعل اخلاقی این است که آن عمل برای غیر، و هدفش غیر از خود باشد. طبق این نظریه، هر فعلی که هدفش خود انسان باشد، غیر

۱- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج۲۲، ص۳۰۵.

اخلاقی است و هر فعلی که برای غیر از خود انجام شود، اخلاقی نامیده می شود. بعضی دیگر، فعل اخلاقی را فعلی دانسته اند که ناشی از احساسات نوع دوستانه باشد. بنا بر این نظریه، اگر خاستگاه فعلی، عاطفه و نوع دوستی بود، آن فعل اخلاقی است.(۱) ایثار از جمله افعال اخلاقی است که انسان با اختیار خود برمی گزیند و ارزشمند و گران بهاست.

رابطه پرورش و تربیت با ایثار

رابطه پرورش و تربیت با ایثار

انسان به عنوان موضوع تعلیم و تربیت، نقشی اساسی و تعیین کننده در نظام تربیتی دارد و هرگونه نگرشی به او، تأثیر خاص و مستقیم و انکارناپذیری دارد. در دیدگاه رئالیسم اسلامی، انسان موجودی با دو ویژگی مهم و اساسی عقل (علم) و ایمان است. ازاین رو، بر آموزش های معنوی و اخلاقی و رشد قدرت عقلانی و قوه تفکر انسان تأکید فراوانی شده است.(۲)

همچنین از آنجا که مسئله فطرت انسانی در نظر رئالیسم اسلامی، ام المعارف است، در نظام تربیتی آن نیز احیای فطرت انسانی، آرمان تربیت و یکی از اصول اساسی تعلیم و تربیت به شمار می رود.(۳)

انسان دارای اموری فطری است و بی شک تربیت او نیز باید با در نظر گرفتن این امور فطری صورت گیرد. کاربرد لغت تربیت هم بر همین اساس

۱- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج۲۲، ص۳۰۶.

۲- استاد مطهری پس از بررسی و نقد و تعریف های عرضه شده از انسان، این تعریف را بیان می کند: «انسان موجودی است دارای علم (عقل) و ایمان»، مجموعه آثار، ج۲۲، ص ۳۰۶.

۳- استاد مطهری می گوید: «موضوع فطرت تنها ارزش نظری ندارد؛ یعنی فقط مربوط به ذهن باشد و در عمل به کار نیاید، بلکه مطلبی است که بدون شناخت دقیق آن، بینش اسلامی درباره انسان مجهول خواهد بود و در جزء جزء ایدئولوژی اسلامی ردّ پایی از فطرت باقی است و بدون توجه به آن ایدئولوژی اسلامی تبیین نمی گردد». مرتضی مطهری، فطرت، ص ۵۱.

است.(۱) در انسان شناسی این مکتب، نوع انسان در انسانیت یکسان است و تفاوتی ندارد و هر آنچه رشد استعدادها و توانایی های وی را فراهم می آورد، به همه نوع تعلق دارد و هیچ فردی نبایـد از آن محروم شود. یکی از این موارد مشترک، همگانی بودن حق تعلیم و تربیت است که به نوع انسان برمی گردد و متعلق به نوع انسان است. ازاین رو، همگان باید حق بهره مندی از این نعمت بزرگ الهی را داشته باشند. در این دیـدگاه، نه تنهـا همه انسان ها حق بهره منـدی از آموزش و پرورش را دارنـد، بلکه فراگیری دانش مورد نیاز جامعه، نوعی فریضه است.

علامه طباطبایی درباره کسب دانش برای انسان ها، به جهت اشتراک در نوع (یعنی اینکه نوع انسان ویژگی خاصی دارد) به طور اساسی و جوهری، هرگونه تفکر تبعیض آمیز را در این باره رد می کند؛ زیرا از نظر نوع، بین هیچ گروهی از انسان ها (زنان، مردان، بردگان و...) تفاوتی وجود ندارد تا بتوان بر اساس آن، این حق را از آنان گرفت. طبق این نظریه، هرگونه محروم کردن و روا داشتن تبعیض (در امر تعلیم و تربیت)، کاری غیر اصولی و مخالف طبیعت انسانی است.(۲)

مزیت اصحاب صراط مستقیم بر دیگران و نیز مزیت راه آنان بر راه دیگران تنها به علم است، نه عمل. آنان به مقام پروردگارشان، علمی دارند که دیگران ندارند؛ زیرا در راه های دورتر از صراط

۱- مرتضی مطهری، فطرت، ص ۵۱.

۲- علامه محمدحسین طباطبایی، در ذیل آیه ۳۲ سوره مائده «من قتل نفسا...» درباره این مطلب بحث می کند. (تفسیر المیزان، ج۵، ص۴۸۲).

مستقیم، اعمال صالح کامل و بی نقص نیز وجود دارد و وقتی برتری اصحاب صراط مستقیم به عمل نیست، فقط علم می ماند. آیه «یرْفَعِ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنکُمْ...»(۱) به این مزیت اشاره دارد؛ زیرا نشان می دهد آنچه خودش به سوی خدا بالا می رود، کلمه طیب و علم است، اما عمل صالح، اثرش کمک به بالا ـ رفتن علم است.(۲) از جمله این اعمال صالح، ایثار و ازخودگذشتگی است که فرد باید آن را در خود بپروراند. از جمله راه های پرورش ایثار، ترویج آن در سطح جامعه از طریق رسانه و آگاهی دادن مردم درباره آن است.

رابطه زهد و ایثار

رابطه زهد و ایثار

از فلسفه های زهد، ایثار است. ایثار، یعنی دیگران را بر خود و منافع خود ترجیح دادن. زاهد، ساده و بی تکلف و در کمال قناعت زندگی می کند و بر خود سخت می گیرد تا دیگران را به آسایش برساند. او آنچه دارد به نیازمندان می بخشد؛ زیرا هنگامی از زندگی لذت می برد که دیگران در آسایش باشند.

از امام علی علیه السلام پرسیدند: تعریف زهد چیست؟ فرمود: قول خدای تعالی است که فرمود: «لِکَیلَا تَأْسَوْا عَلَی مَا فَاتَکُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاکُمْ؛ باید به گونه ای باشید که بر آنچه از دست شما رفت، دلتنگ و نگران نشوید و اگر به نعمتی از نعمت های دنیا نیز رسیدید، بیش از اندازه شادمان نگردید». (حدید: ۲۳)(۳)

۱- تفسیر المیزان، ج۱۹، ص۳۲۷.

۲- تفسیر المیزان، ج۱۷، صص ۲۸ _ ۳۰.

۳- تفسیر المیزان، ج۱۷، صص ۲۸ _ ۳۰.

انسان عاقل درباره حوادثی که پیش می آیـد نمی گوید: «ای کاش روی نمی داد»، و درباره آنچه رخ نداده است، نمی گوید: «ای کاش انجام می شد».

ایثار از عالی ترین اوصاف انسانی است که تنها انسان های بسیار بزرگ به آن درجه صعود می کنند.

هم دردی و مشارکت عملی در غم مستمندان و محرومان، از دیگر ریشه ها و فلسفه های زهد است.

در جـامعه ای که فقیر و محروم در آن وجود دارد، زاهـد در مرحله اول تلاـش می کنـد وضع موجود را دگرگون سازد؛ چنان کـه مولاـی متقیـان، علی علیـه السـلام فرمـود: «خداونـد از دانشـمندان هر جـامعه پیمـان گرفته است که در برابر شـکم بـارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند».(۱)

وی در مرحله دوم با ایثار و بخشش دارایی خود، به رفع نیاز نیازمندان قیام می کند. در مرحله سوم، چون درمی یابد که «کشته از بس که فزون است کفن نتوان کرد»، با اظهار هم دردی و مشارکت عملی در غم نیازمندان، بر زخم های دل آنان مرهم می گذارد.

امیر مؤمنان، علی علیه السـلام در دوران خلافتش که وارث اجتماعی ناسالم بود، چون می دید جامعه اش به دو بخش ثروتمند و محروم تقسـیم شـده اسـت، بیش از هر زمـان دیگر زاهـدانه زنـدگی می کرد و می فرمـود: «اِنَّ اللهَ فَرَضَ عَلَی أئمهِ العَـدلِ أن یقـدروا أنفُسَـهم بِضـعفه النّاسِ کَیلا یَتُبَعَ بِالفقرِ فَقرُه؛ خداونـد بر پیشوایان دادگر فرض کرده است که زنـدگی خود را با طبقه ضعیف تطبیق دهند تا رنج فقر، فقیران را ناراحت نکند».(۲)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷.

ایشان در نامه ای به عثمان بن حنیف، فرماندار خود در بصره می نویسد:

چگونه ممکن است هوای نفس بر من غلبه کنـد و حرص و طمع، مرا وادار کنـد که طعـام های لذیـذ را برگزینم؛ در حالی که ممکن است در سـرزمین «حجاز» یا «یمامه» کسـی باشـد که حتی امیـد به دست آوردن یک قرص نان نداشـته باشد و نه هرگز شکمی سیر خورده باشد. آیا من با شکمی سیر بخوابم، در حالی که در اطرافم شکم هایی گرسنه و کبدهایی سوزان هستند؟!

آیـا به همین قنـاعت کنم که گفته شود: من امیر مؤمنـانم؟ [امـا] با آنان در سـختی های روزگار شـرکت نکنم و پیشوایشان در تلخی های زندگی نباشم؟!(۱)

بنابراین، زهـد ناشـی از هم دردی و شـرکت در غم خوارگی، هیچ ربطی به رهبانیت ندارد و بر گریز از اجتماع اسـتوار نیست، بلکه راهی برای تسکین دردهای دردمندان نیازمند جامعه است.

زهد و آزادگی

زهد و آزادگی

فلسـفه دیگر «زهد»، آزادی و آزادگی است و میان آنها پیوندی دیرین و ناگسستنی برقرار است. نیاز، انسان را «روبَه مزاج» می کنـد و بی نیازی، ملاک آزادی و آزادگی است. بیشتر آزادگان جهان، زهـدپیشه بودنـد. آنها نیازهای خود را به کمترین حد رسانده و به همین نسبت، خویش را از قید و بند اسارت در مادیات رها ساخته بودند.

آری؛ عادت به کمترین برداشت از نعمت ها و پرهیز از عادت به برداشت زیاد، شرط مهم آزادگی است.

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۵.

آزادمرد جهان، مولای متقیان، علی علیه السلام از آن رو به معنای کامل آزاد بود که به تمام معنا زاهد بود. وی در نامه ای به فرماندار بصره، عثمان بن حنیف می نویسد: «وَ اِنَّ اِمامَکُمْ قَدِ اکْتَفَی مِنْ دُنیاه بِطَمْرَیهِ وَ مِن طَعْمِهِ بِقُرصَیه...؛ بدان که امام شما از دنیایش به همین دو جامه کهنه و از غذاهایش به دو قرص نان اکتفا کرده است».(۱)

در سخنان پیشوایان دین به ترک دنیا و لذت گرایی، با عنوان آزادمنشی، بسیار سفارش شده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «عِزُّ الْمُؤْمِنِ اِستغناؤُه عَنِ النّاسِ وَ فی القَناعَهِ الحریَّهُ وَالعِزُّ؛ عزت مؤمن در بی نیازی از مردم است و آزادی و شرافت در پرتو قناعت به دست می آید».(۲)

از امیر مؤمنان، علی علیه السلام سؤال شد: «أیُّ ذُلٍّ اَذَلُّ؟ قال: الحِرْصُ عَلَی الدُّنیا؛ پست ترین ذلت ها کدام است؟ فرمود: حرص بر دنیا».(۳)

بنابراین، کسی که به مال اندك قناعت ورزد و باقی را با ایثار در راه خدا و کمك به محرومان خرج کند، بی نیاز است؛ همان بی نیازی که ملاك آزادی و آزادگی است و هر کسی به مقام قناعت و ایثارگری و به تبع آن زهد نمی رسد.

ایثار، بالاترین مرتبه ایمان

ایثار، بالاترین مرتبه ایمان

در باب ایثار تعابیر جالبی وجود دارد؛ از جمله از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «الإِیثارُ أعلَی المَکارِمِ؛ ایثار، بالاترین مکارم اخلاق است.»؛(۴)

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۲- مجموعه ورام، ج۱، ص۱۶۹.

۳- سفینه البحار، ج۱، ص۲۴۴.

۴- تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص۲۳.

«الإیثـار غـایَهُ الإحسـانِ؛ ایثار نهایت درجه احسان است.»؛(۱) «الإیثـارُ أعلَی مَراتِبِ الْکَرمِ وَ أفضـلُ الشِّیم؛ ایثـار، بلنـدمرتبه ترین درجـات کرم و برترینِ روش هاست.»(۲) این سه حـدیث با ایمان رابطه دارند، ولی بالاترین مراتب ایمان در این سـخن معرفی شده است که می فرماید: «الایثارُ أعلَی مراتبِ الْإیمان.»(۳) و مرتبه ایمانی بالاتر از ایثار نیست.

بر این اساس، آیه شریفه «وَ یؤْثِرُونَ عَلی أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ کانَ بِهِمْ خَصاصَه» (حشر: ۹) درباره علی علیه السلام و زهرا علیها السلام است. در باب دعا برای دیگران سـفارش شـده است که آنچه برای خود میخواهید، برای دیگران نیز بخواهید. بنابراین، به نحوه خواستن و مقدّم داشتن دیگران بر خود ـ که ایثار است ـ اشاره شده است.

روایات ایثار

روایات ایثار

۱. فضیلت: «الایثار فَضیلَهٌ؛ ایثار فضیلت است».(۴)

۲. شریف ترین احسان: «الِایثارُ اَشرفُ إحسانٍ؛ ایثار شریف ترین احسان است».(۵)

۳. روش نیکان: «الایثار شِیمَهُ الَابرار؛ ایثار روش نیکان است».(۶)

۴. نهایت احسان: «الایثار غایَهُ الِاحسانِ؛ ایثار نهایت احسان است».(۷)

۵. برترین مرتبه احسان: «الایثار أعلَی احسان (ایمان)؛ ایثار برترین مرحله احسان و ایمان است».(۸)

۱- تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۱.

۲- تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۳.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ح ۳۱.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ح ۳۹.

۵- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ح ۱۰۷.

۶- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ح ۱۲۲.

۷- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ح ۲۲۱۵.

۸- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ح ۲۳۵.

۶. برترین مکارم: «الایثار أعلی المکارِمِ؛ ایثار برترین مراتب مکارم است».(۱)

۷. برترین مراتب کرم: «الایثار أعلی مراتبِ الکرمِ؛ ایثار برترین مراتب مکارم است».(۲)

۸. بهترین شیوه: «الایثار اَفضل الشّیمِ؛ ایثار برترینِ شیوه هاست».(۳)

۹. بهترین عبادت: «الایثارَ اَفضلُ عبادهٍ؛ ایثار برترین عبادت است».(۴)

۱۰. جلیل ترین آقایی: «الایثارَ اَجَلُّ سیادهٍ؛ ایثار مهم ترین [راه] آقایی کردن است».(۵)

۱۱. برترین مراحل ایمان: «الایثارَ اَعلی مَراتِبِ الْاِیمانِ؛ ایثار، بلندترین مراتب ایمان است».(۶)

۱۲. راه بزرگی کردن بر آزادگان: «بالایثار یسْتَرَقُّ الاحرار؛ با ایثار، آزاده ها به بند [انسان] می افتند».(۷) و «بالایثارِ عَلَی نَفسِکَ تَملِکُ الرِّقاب؛ با مقدّم داشتن دیگران بر خود، آنها را به بندگی خود بکشان».(۸)

۱۳. معیار شناخت جوهر انسان ها: «عِنـدَ الاِیثارِ عَلَی النَّفسِ تَتَبَینُ جَواهِرُ الکُرَماء؛ هنگام ایثار، گوهر انسان های کریم آشکار می شود».(۹)

۱۴. راه جوان مردی: «مَنْ آثَرَ علی نفسِهِ بالَغَ فی المرُؤه؛ هر کس ایثار کند، به نهایت جوان مردی رسیده است».(۱۰)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ح ۲۴۲.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ح ۳۷۲.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ح ۳۷۲.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ح ۳۰۰.

۵- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ح ۳۰۰.

۶- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ح ۳۱.

۷- غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ح ۱۹.

۸- غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ح ۲۲۷.

۹- غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ح ۳۲۶.

۱۰- غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ح ۲۵۵.

۱۵. بهترین زینت: «مِنْ اَفضلِ الْاِختیارِ التَّحلّی بِالایثارِ؛ از برترین انتخاب ها، آراستگی به ایثار است».(۱)

انگیزه های ایثار

اشاره

انگیزه های ایثار

زیر فصل ها

الف) انگیزه های معنوی

ب) انگیزه های مادی

الف) انگیزه های معنوی

اشاره

الف) انگیزه های معنوی

زیر فصل ها

یک ــ رضای خدا

دو ــ تکامل روحی

سه ــ خیرخواهی و فطرت گرایی

چهار ــ دریافت پاداش

پنج ــ بخشش گناهان

یک ــ رضای خدا

یک ــ رضای خدا

نخستین انگیزه ایثار، به دست آوردن رضای خداست و این برترین انگیزه است که ایثار را به بهترین مرحله پاداش و اثر می

رسانـد. در قرآن نیز ایثـار اهـل بیت، به دلیـل انگیزه الهی آن سـتایش شـده است: «و یُطعِمونَ الطَّعـامَ عَلی حُبِّهِ ... اِنَّما نُطعِمُکَم لِوَجْهِ الله؛ و غذای خود را با اینکه به آن نیاز دارند... ما شما را به خاطر خدا اطعام می کنیم». (انسان: ۸ و ۹)

«... و آتَی الْمـالَ عَلی حُبِّهِ ذوی الْقُرْبی وَ الْیَتـامی وَ المَسـاکینَ وَابْنَ السَّبیـلِ وَ السَّائِلینْ وَ فِی الرِّقـاب ...؛ و مـال خود را به خـاطر دوستی خـدا، به خویشاونـدان و یتیمـان و فقیران و در راه مانـدگان و درخواست کننـدگان می دهـد و در آزاد کردن بنـده ها صرف می کند». (بقره: ۱۷۷)

به طور کلی، محبت الهی در فـداکاری بـا جـان و مـال، نقش اساسـی دارد. بشـر به طور غریزی و طـبیعی، جـان و مـال خود را دوست دارد و با تمام قدرت در حفظ آنها می کوشد، ولی محبت الهی در ضـمیر مؤمنان به اندازه ای نیرومند است که با اراده و اختیار خود، از جان و مالشان می گذرند و در راه دوستی خداوند، فداکاری می کنند.

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۶، ح ۴۴.

«وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یَشْری نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللهِ وَ الله رؤُفٌ بِالْعِبادِ؛ و از میان مردم کسی که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد، و خدا نسبت به این بندگان مهربان است». (بقره: ۲۰۷)

این آیه، به ماجرای هجرت پیامبر و فداکاری حضرت علی علیه السلام مربوط است، ولی همچون دیگر آیات قرآن، مفهوم و محتوای عمومی و کلی هم دارد. در واقع این آیه، نقطه مقابل آیاتی درباره منافقان است که در بین مردم آبرویی کسب می کردند و در ظاهر، خود را مؤمن و خیرخواه نشان می دادند، اما کردارشان پرده از روی گفتارشان برمی داشت؛ چرا که جز فساد در زمین و نابود کردن عِرض و نسل، کار دیگری نداشتند. در مقابل، آیه فوق درباره مردمی است که تنها با خدا معامله می کنند و هر چه دارند، حتی جان خود را به او می فروشند و جز رضا و خشنودی او چیزی خریدار نیستند و با فداکاری و ایثار آنهاست که امر دین و دنیا اصلاح و حق، بَرنده و پایدار می شود و زندگی انسان، گوارا و درخت اسلام بارور می گردد. جمله «رَؤُفَ بالعباد» نشان می دهد که خداوند در مقابل جان، بالاترین بها را که همان خشنودی خویش است، به انسان می پردازد.(۱)

دو ـ تکامل روحی

دو ـ تکامل روحی

هدف از ایثارگری، سازندگی و تکامل و تعالی روح است. روحی که به ایثار می رسد، در چندین مرحله امتحانات مبارزه با نفس را پشت سر می گذارد تا به قله این فضیلت برسد. وی باید غول حرص و طمع و دنیاپرستی را شکست دهد و از وادی احسان و گذشت و کرم

۱- تفسیر نمونه ، ج۳، صص ۷۸ و ۷۹.

بگذرد تا به قله بلند ایثار برسد. ایثارگری، نشانه رسیدن به نهایت فضایل است. روایات، ایثار را نهایت خوبی ها دانسته و تعابیری چون اشرف الاحسان، غایه الاحسان، اعلی المکارم، اعلی الکرم، افضل عباده، أجل سیاده، سجیه الابرار، افضل السّخاء، غایهُ المکارم و افضل الاختیار درباره آنها به کار رفته است.

سه _ خیرخواهی و فطرت گرایی

سه _ خیرخواهی و فطرت گرایی

اگر کسی بخواهد بر اساس گرایش های فطری خود زندگی کند، به صفاتی می رسد که ایثار برترین آنهاست؛ چون طبع انسان به خوبی کردن و کمک به دیگران گرایش دارد و شیفته احسان و ایثار است. انسان به طور ذاتی، فرد ایثارگر را می ستاید؛ چرا که اگر کسی بتواند کاری انجام دهد که بیشتر انسان ها از انجام دادن آن ناتوانند؛ تعجب و ستایش دیگران را برمی انگیزد. ایثار نیز چون مستلزم نادیده گرفتن خودخواهی و لذت طلبی ذاتی است، از عهده هر کسی بر نمی آید و انجام دهنده آن، خاتم و پیروزمند در عرصه ارزش خواهی و فضیلت طلبی به شمار می رود.

چهار _ دریافت پاداش

اشاره

چهار _ دریافت پاداش

زیر فصل ها

ثواب خواهی

پاداش شهیدان

پاداش انفاق کنندگان

ثواب خواهی

ثواب خواهی

در روایات، برای برآوردن حاجت دیگران، بخشش و گذشت مالی، عفو و چشم پوشی به موقع از حقوق خود و ایثار به سود

دیگران، پاداش های فراوانی بیان شده است. این روایات، دل ها را به ایثارگری و مسابقه دادن در این فضیلت برمی انگیزد. به چند نمونه از این روایات اشاره می کنیم:

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: «هر کس حاجت مؤمنی را برآورده سازد، خداونـد در قیامت هزار حاجت او را برمی آورد کـه نخسـتین آن بهشت و دیگر، راه یـافتن تمـام آشـنایان و نزدیکـان و برادران او به بهشت است، به شـرط آنکه نـاصبی نباشند».(۱)

پاداش شهیدان

پاداش شهیدان

وَالَّذِینَ هاجَرُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَیرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَیرُ الرَّازِقِینَ لَیدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا یرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِیمٌ حَلِیمٌ. (حج: ۵۸ و ۵۹)

و کسانی که در راه رضای خـدا از وطن خود هجرت کردنـد و در این راه کشـته شدند یا مرگشان فرا رسـید، البته خدا رزق و روزی نیکویی [در بهشت ابد] نصـیبشان می گرداند که همان را خداوند، بهترین روزی دهندگان است. خدا آنها را در بهشت منزلی عنایت کند که بسیار بدان خشنود باشند و همانا خدا دانا و بردبار است.

این آیه اشاره دارد به اینکه مهاجرین که به مرگ طبیعی جان دادنـد یا شـهید شدنـد، هر دو گروه، ثواب شـهید را دارنـد و در آخر آیه، نمونه ای از رزق حسن را که مشمول شهیدان می شود، بیان می کند: «لَیدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا یرْضَوْنَهُ». در واقع، منظور این است که اگر در این جهـان از منزل و مأوای خود به ناراحتی تبعیـد و اخراج شدنـد، آنها را در مکانی جای می دهـد که از هر نظر مورد رضـایت آنهاست و به این ترتیب، ایثار و فـداکاری آنها را جبران می کنـد.(۲) بنابراین، اگر انسان بخواهـد به نعمت های بهشتی دست یابد، باید به

۱- عبدالنبی تویسرکانی، لئالی الاخبار، ج۳، ص۱۱۳.

۲- تفسیر نمونه، ج۱۴، ص ۱۵۰.

استقبال مشکلات برود و ایثار و فداکاری کند. در حقیقت، این مشکلات، آزمونی است که مؤمنان واقعی را از دیگران مشخص می سازد.

پاداش انفاق کنندگان

پاداش انفاق کنندگان

إِن تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ. (تغابن: ۱۷)

اگر مالتان را به خدا قرض دادید، خدای متعال نه تنها خود آن مال را باز می گرداند، بلکه آن را دوچندان می کند و گناهان شما را می آمرزد و خداوند شکور و حلیم است.

«إقراض» از تعابیری است که درباره انفاق در قرآن به کار رفته است؛ یعنی کسی که انفاق می کند و مالی به نیازمند می دهد، آن مال را به خدا قرض می دهد و خدا وامدار اوست و دو برابر یا چندین برابر آن را به عنوان پاداش در آن دنیا به وی برمی گرداند. بدون شک، وقتی انسان بداند مالی که با زحمت به دست آورده است، با انفاق از بین نمی رود و به او باز می گردد، برای این کار انگیزه بیشتری پیدا می کند. علاوه بر آن، خداوند پاداش دیگری هم برای انفاق کنندگان در نظر دارد و آن آمرزش گناهانشان است که در آیه هم به آن اشاره شده است.(۱)

بنابراین، هر انسانی که طالب برّ و نیکی است، باید برای رسیدن به مطلوبش، از اموالی که دوست دارد، در راه خدا انفاق کند.

پنج ـ بخشش گناهان

پنج ـ بخشش گناهان

همه حسنات و خوبی ها، گناهان را از بین می برند. خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يذْهِبْنَ السَّيئَاتِ؛ خوبی ها، گناهان را از بین می برند.»

۱- نک: محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن، به نقل از: سایت منتخب تفاسیر معارف قرآن: www.marefqoran.com.

(هود: ۱۱۴) ایثار نیز بهترین خوبی ها معرفی شده است. به این ترتیب، بزرگ ترین گناهان با برترین فضایل از بین می روند. ازاین رو، مؤمنان می کوشند با انجام دادن بهترین اعمال و شاد کردن دیگران و ایثار و گره گشایی از مشکلات بندگان خدا، گناهان گذشته خود را پاک سازند و بالاترین درجات را به دست آورند.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند: «محبوب ترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: «پرسودترین مردم برای مردم».(۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «برآوردن حاجت مؤمن، از هزار حج با مناسکش و از آزاد کردن هزار بنده برای خدا و از بخشیدن هزار اسب با زین و لجام در راه خدا، بهتر است».(۲)

آن حضرت در کلامی دیگر فرمود: «هر کس یک هفته خانه خدا را طواف کند، خداوند شش هزار حسنه برایش می نویسد و شش هزار گناه از او پاک می کند و شش هزار درجه او را بالا می برد و شش هزار حاجت او را برمی آورد و برآوردن حاجت مؤمن، از طواف و طواف و طواف (تا ده مرتبه تکرار فرمود) بهتر است».(۳)

ب) انگیزه های مادی

اشاره

ب) انگیزه های مادی

زیر فصل ها

یک _ دگردوستی

دو _ هیجان ها و احساسات درونی

یک _ دگردوستی

یک _ دگردوستی

اِنْ اللّهَ یأمُرُ بِالعَدْلِ وَ الْاِحْسانِ وَ إیتاءِ ذِی الْقُرْبِی وَ ینْهی عَنِ الفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ وَ البَغْی یعظُکُم لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ. (نحل: ۹۰)

خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد و از فحشا و منکر و ستم نهی می کند. خداوند به شما پند می دهد، شاید متذکر شوید.

۱- عبدالنبی تویسرکانی، لئالی الاخبار، ج۳، ص۱۱۲.

۲- عبدالنبی تویسرکانی، لئالی الاخبار، ج۳، ص۱۱۳.
۳- عبدالنبی تویسرکانی، لئالی الاخبار، ج۳، ص۱۱۴.

جامعه انسانی همانند بدن انسان است که بدون رعایت اصل عدالت، بیمار خواهد بود، اما به دلیل آنکه عدالت با همه قدرت و شکوه و اثر عمیقش، در مواقع بحرانی و استثنایی به تنهایی کارساز نیست، بلافاصله دستور به احسان را پشت سر آن می آورد. به تعبیر روشن تر، در طول زندگی انسان ها، مواقع حساسی پیش می آید که حل مشکلات به کمک اصل عدالت، به تنهایی ممکن نیست، بلکه به ایثار و گذشت و فداکاری نیاز دارد که با استفاده از اصل احسان باید تحقق یابد. برای مثال، دشمن غدّاری به جامعه حمله یا طوفان و سیل و زلزله، بخشی از کشور را ویران کرده است. اگر مردم، در چنین شرایطی بخواهند در انتظار آن بنشینند که مثلاً- مالیات هایی عادلانه و دیگر قوانین عادی، مشکل را حل کند، امکان پذیر نیست. اینجاست که باید همه افراد دست به فداکاری بزنند و تا آنجا که در توان دارند، ایثار کنند، وگرنه آن حادثه ممکن است کل جامعه آنها را از بین ببرد.

اتفاقاً دو اصل عدالت و احسان، در سازمان بدن انسان نیز به طور طبیعی حکومت می کند. در حال عادی، تمام دستگاه های بدن نسبت به یکدیگر خدمت متقابل دارند و هر عضوی برای کل بدن کار می کند و از خدمات اعضای دیگر نیز بهره مند می شود (این همان اصل عدالت است)، ولی گاه عضوی مجروح می شود و توان متقابل را از دست می دهد. آیا ممکن است در این حال، بقیه اعضا او را به فراموشی بسپارند؟ مسلماً نه. این همان احسان است که در کل جامعه انسانی نیز این دو حالت باید حاکم باشد، وگرنه جامعه سالم نیست».(۱)

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۶۷.

بنابراین، ایثار فقط مخصوص افراد باتقوا و باایمان نیست، بلکه افراد بزرگوار و فضیلت دوست اگر بخواهند از سجایای انسانی و کمالات اخلاقی برخوردار گردند، می توانند به انگیزه تمایل فطری و کشش طبیعی، بدون اعتقاد به عالم آخرت و بدون آنکه متوقع پاداش الهی باشند، حس دگردوستی و فداکاری را در خود بیدار کنند و به ارزش های انسانی گرایش یابند. این قبیل افراد هر چند مشرک یا غیرمسلمان باشند، در آیین اسلام احترام بسیار دارند. ازاین رو، موقعی که اسیری [از] قبیله «طی» را به مدینه آوردند، دختر حاتم طایی، خود را به پیامبر اسلام، معرفی و درخواست آزادی نمود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «او را آزاد کنید، چون پدر او حاتم طایی، دوستدار مکارم اخلاق بود».(۱)

در اینجا باید به این مطلب اشاره کرد که احسان به مردم و اقناع تمایل به دگردوستی، منحصر به خدمات مالی و جانی نیست، بلکه هر قسم خدمتی به دیگران نشانه انسانیت و حاکی از فضیلت است. اولیای اسلام، مسلمانان را به انجام کارهایی چون دست ناتوانی را گرفتن، یتیمی را نوازش کردن، راه گم کرده ای را هدایت کردن، نابینایی را از خیابان گذراندن، تشویق کرده است.(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خَیرُ النّاسِ مَنْ ینتَفِعُ النّاس، فَکُن نافِعاً لَهم؛ بهترین مردم کسی است که نفعش بیشتر عاید مردم گردد. پس در سود رساندن به مردم کوشا و جدی باش تا از بهترین مردم باشی».(۳)

۱- محمدتقی فلسفی، معاد از نظر روح و جسم، ج ۱، ص ۷۲.

۲- محمدتقی فلسفی، معاد از نظر روح و جسم، ج ۱، ص ۱۸۳.

۳- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۱۴.

دو ـ هیجان ها و احساسات درونی

دو ـ هیجان ها و احساسات درونی

گاهی از افرادی که به مبدأ و معاد اعتقاد ندارند، فداکاری هایی دیده می شود. سؤال این است که اگر تنها چیزی که باعث ایثار و جانبازی و گذشت در زندگی می شود، ایمان به آخرت و خداست، پس اینها چگونه حاضر می شوند چنین فداکاری هایی انجام دهند؟

به طور اجمالی جواب سؤال این است: انسانی که به همه نیروها و کشش های خودش مسلط است و منتظر است ببیند عقلش چه می گوید تا عمل کند و تصمیمی عاقلانه بگیرد، باید مقایسه کند بین لذت هایی که برایش میسر است و آلام و رنج هایی که پیش می آید، کدام یک رجحان دارد، تا آن را انتخاب کند، ولی همیشه این گونه نخواهد بود. بسیاری از عوامل روانی هست که بر انسان مسلط می شود و انسان را از این موقعیت می لرزاند.

هیجانات و عادات، دو عامل مهم روانی هستند که موجب ترجیح کاری بر دیگری می شود، هر چند رجحان عقلی نداشته باشد. برای نمونه، فرد می داند سیگار کشیدن چه ضررهایی برایش دارد، ولی چون به این کار عادت کرده است، باز آن را بر حسب عادت انجام می دهد. برای مثال، حلیم ترین افراد ممکن است دچار غضب شود و اختیار از دست دهد، این نشانه می دهد که هیجان در انسان نقش مهمی بازی می کند.(۱)

«حال، گاهی افراد بی ایمان با وعده هایی پوچ و فریب کارانه گول می خورند. با این تصور که بعد از مرگ هم، به حالت قبل از مرگ درمی آیند و تعاریف و تمجیدهایی که از آنها می شود، می شنوند، جان خود را به خطر می اندازند و این

۱- معارف قرآن، به نقل از: سایت منتخب تفاسیر معارف قرآن: www. Marefqoran.com

چیزی جز توهم نیست؛ همان توهمی که میگساران در حال مستی دچار آن می شوند؛ وقتی احساساتشان به هیجان درمی آید، به نام فتوت و مردانگی، از جرم مجرمین در می گذرند و جان و مال و ناموس و هر کرامت دیگری که دارند، در اختیار طرف می گذارند و این خود سفاهت و جنون است».(۱)

بنابراین، افرادی که بی دین هستند و به خدا و قیامت اعتقادی ندارند، جز از سر فریب خوردن، دست به چنین عملی نمی زنند که جان خود را به دلیل حبّ وطن و کسب شهرت و... از دست بدهند تا از آنها به عنوان افراد ایثارگر یاد شود، در حالی که آنها به اعتقاد خودشان بعد از مرگ نابود می شوند، پس دیگر چگونه این عناوین برای آنها خوشایند است؟!

اقسام ایثار

اشاره

اقسام ایثار

زیر فصل ها

الف) ایثار ستوده یا مثبت

ب) ایثار نکوهیده (نامعقول)

الف) ایثار ستوده یا مثبت

الف) ایثار ستوده یا مثبت

۱. در روایات اسلامی، مقدّم داشتن دیگران بر خود، هر چند به چیزی اندک، امر پسندیده ای است.(۲) کسی که دیگران را به آسانی بر خود مقدّم می دارد و خود را برای آسایش آنها به رنج می اندازد، در صورتی که ایثار او سبب ناراحتی و فشار بر فرزندانش نشود و نظام خانوادگی را به خطر نیفکند، ایثاری ممدوح و مثبت است.

امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه متقین می فرماید: «متقی کسی است که نفس او به واسطه سخت گیری هایش، از او در رنج است و مردم از ناحیه او در آسایش هستند».(۳)

۱- تفسیر المیزان، ج۴، ص۱۷۶.

۲- وسایل الشیعه، ج۶، ص۲۹۹.

۳- سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، خطبه ۱۸۴.

۲. مقدّم داشتن خواست الهی بر هوای نفس، (۱) چنان که حضرت یوسف علیه السلام با مقدّم داشتن خواست خدا، آبروی خویش را حفظ کرد و زندان را بر ارتکاب معصیت ترجیح داد و فرمود: «پروردگارا، زندان برایم دوست داشتنی تر از چیزی است که زن ها مرا بدان می خوانند».(۲)

خداوند نیز به واسطه این ایثار او را برگزید و به مقامی عالی رسانید، چنان که برادرانش گفتند: «به خدا سوگند که خدا تو را بر ما فضیلت داد و برگزید».(۳)

۳. ترجیح حق بر باطل، گرچه به ضرر انسان باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «از حقیقت ایمان، آن است که حق را ــ گرچه به زیان توست ــ بر باطل ــ گرچه به سود توست ــ ترجیح بدهی».(۴)

۴. روح سلحشوری و فداکاری و ازخودگذشتگی برای اعتلای کلمه حق و آیین توحیدی. خداوند در قرآن کریم، ایثارگران را که از همه چیز خود گذشته، جان بر کف به میدان نبرد می شتابند، (۵) ستایش می کند و کارشان را معامله ای الهی می داند.(۶)

بنابراین، ایثار ممدوح، ترجیح دادن خواست دیگری، ترجیح دادن خواست و رضای خدا، گذشتن از خواست خود برای اعتلای کلمه حق و دفاع از حق، حتی در صورت داشتن خطر و زیان است.

۱- وسایل الشیعه، ج۱۱، ص۲۲۰.

۲- یوسف: ۲۳.

۳- یوسف: ۹۱.

۴- بحارالانوار، ج۷۰، ص۱۰۶.

۵- نک: نساء: ۹۵.

۶- نک: توبه: ۱۱۱.

ب) ایثار نکوهیده (نامعقول)

ب) ایثار نکوهیده (نامعقول)

۱. فداکاری و گذشتن از جان و مال و... در جبهه باطل، کاری پوچ و بیهوده است. گمراهان ممکن است در راه تقویت باطل، ثروت خویش را صرف کنند، حتی از جان هم مایه بگذارند و از دیگران نیز پیشی گیرند، ولی چنین ایثاری نامعقول و اشتباه است و مایه حسرت و پشیمانی می شود. خداوند در قرآن کریم از این واقعیت تلخ چنین یاد می کند:

«آنها که کافر شدند، اموالشان را برای بازداشتن [مردم] از راه خدا خرج می کنند. آنان این اموال را [که برای گردآوردنش زحمت کشیده اند، در این راه] مصرف می کنند، اما مایه حسرت و اندوهشان خواهد شد و سپس شکست خواهند خورد و [در جهان دیگر] کافران همگی به سوی دوزخ گردآوری خواهند شد».(۱)

۲. ترجیح دادن خواسته های دنیوی بر آخرت؛ خداوند در نکوهش چنین کاری می فرماید: «اما آن کسی که طغیان کرده و زندگی دنیا را مقدّم داشته، مسلماً دوزخ جایگاه اوست».(۲)

۳. ترجیح دادن هوای نفس بر خواست الهی.(۳)

۴. ایثار بی جا، مانند به زحمت و خطر انداختن خانواده و نظام خانوادگی و ایجاد ناراحتی و فشار برای فرزندان؛ خداوند در قرآن کریم می فرماید: «هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (ترک انفاق و بخشش مکن) و بیش از حدّ [نیز] دست خود را مگشای، تا سرزنش نشوی و از کار فرو مانی».(۴)

۱- انفال: ۳۶.

۲- نازعات: ۳۹.

۳- سیدمحمدحسین طباطبایی، تفسیر نمونه، ج۱۲، ص۹۸.

۴- اسراء: ۲۹.

مراتب ایثار

اشاره

مراتب ایثار

زیر فصل ها

الف) ایثار جانی و مالی

ب) ایثار فردی و اجتماعی

الف) ایثار جانی و مالی

الف) ایثار جانی و مالی

ایثارگر، در راه هدف و آرمانی مقدس و والا، تصمیم می گیرد از علایق و داشته های خویش چشم بپوشد و دغدغه ها و منافع «غیر» را بر خود مقدّم می دارد و برای برطرف ساختن مشکلات دیگران اقدام می کند. ایثار، گونه های مختلفی دارد؛ ایثار جان، ایثار مال و زمانی هم ایثار با هزینه کردن اعتبار و آبروست.

در قرآن کریم از جمع ایثار مال و جان سخن گفته شده است. عاشق آن است که چون سودا کند، یک جا کند: «الَّذِینَ آمَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَاهَدُواْ فِی سَبِیلِ اللّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِندَ اللّهِ؛ کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و با مال و جانشان در راه خدا جهاد نمودند مقامشان نزد خدا برتر است». (توبه:۲۰)

ب) ایثار فردی و اجتماعی

ب) ایثار فردی و اجتماعی

ایثار، هم ممکن است ارزشی فردی به شمار آید و هم در رده ارزش های جمعی و اجتماعی قرار گیرد. وقتی فردی خاص به شکل های مختلف، دیگری را بر خویش مقدّم دارد و در رفع نیازهای او بکوشد، ایثار فردی است. زمانی که تعداد زیادی از افراد در راه آرمان یا هدفی والا از بذل جان و آبرو و دیگر داشته های خویش دریغ نمی ورزند، ایثار جنبه عمومی می یابد و در زمره ارزش های اجتماعی جای می گیرد.

ایثار قلمرو جغرافیایی خاصی ندارد. به دیگر سخن، هم می تواند در قلمرو و محدوده خاصی ظهور یابد و هم فراتر از مرزها نمود داشته باشد. از

نمونه ایثارهـای جهـان شـمول، می توان به فعـالیت گروه هـایی چون پزشـکان بـدون مرز، انجمن هـای بشردوسـتانه و خیر بین المللی و... اشاره کرد که در راسـتای تحقق مجموعه ای از آرمان های انسان دوستانه کلی و جهانی تشکیل شده اند. نوع دیگر از ایثارهـای جهـانی، کمـک هـای مـالی ملت های مختلف در کشورهای جهان، در مواقع بحرانی همچون بروز حوادث طبیعی است. وقتی سـیل، زلزله و حوادث مشـابه دیگر، جـان و مـال تعـداد زیادی را در منطقه ای از جهان به خطر می افکنـد، افراد و گروه ها و حتی دولت های مختلف، به روش های گوناگون کمک های مؤثری داشـته تا انـدکی از رنـج و اندوه و درد حادثه دیدگان بکاهند. این واکنش، برآیند احساسات و عواطف بشردوستانه فردی و جمعی است.

همچنین ایثار در سـطح محدودتر و در داخل قلمرو و جامعه ای و در شـکل های مختلفی تجلی می یابد و افراد در راه آرمان و هـدف و ایـدئولوژی خاص و مورد احترام خویش، هزینه های گوناگونی می پردازنـد. شـهادت در راه وطن یا عقیده و هدف، کمـال ایثـار به شـمار می رود، امـا صورت هـای متعـدد دیگری نیز از ایثار در زنـدگی روزمره مردم وجود دارد که آثار و پی آمدهای اجتماعی زیادی بر جای می گذارد.

فصل سوم: جایگاه، اهمیت و آثار ایثار و گذشت در جامعه

اشاره

فصل سوم: جایگاه، اهمیت و آثار ایثار و گذشت در جامعه

زیر فصل ها

روان شناسی ایثار

اشاره

روان شناسی ایثار

زیر فصل ها

الف) قدرت مفهوم سازی مکتب اسلام

الف) قدرت مفهوم سازی مکتب اسلام

در معارف اهل بیت علیهم السلام ، جنبه مفهوم سازی در همه عرصه های معرفتی و انسان شناختی، یکی از برجسته ترین جنبه های قدرت و عظمت این مکتب به شمار می رود. این قدرت، از احاطه خداوند و اهل بیت علیهم السلام بر معارف و علوم و شناخت انسان و پیچیدگی های وجود او و راه تکامل انسان، برخاسته است. غنای هر مکتب را می توان از دقت و عمق و گستره مفهوم سازی آن به دست آورد.

روان شناسی غربی در مقایسه با معارف اخلاقی و تربیتی و انسان شناختی مکتب اسلام، بسیار محدود و ضعیف است و در تحلیل و نتیجه گیری نیز بر احتمالات و نظریات متناقض و متغیر متکی است. همچنین در تعریف و تحلیل و بررسی مسائل روانی انسان نیز فقط به هیجان های بسیار ابتدایی و ساده وی توجه کرده است و هرگز گستردگی معارف اسلامی را ندارد.

ایثار و عفو، چشم پوشی، احسان، کرم، صدقه، شرف، خیر، بِرّ و معروف، نمونه هایی از مفاهیمی هستند که در حوزه بخشندگی و نوع دوستی در اسلام تعریف شده اند و هر یک محدوده ای دارد. قدرت مفهوم سازی اسلام در حوزه اخلاق، در مقایسه با روان شناسی غرب، بسیار برتر است. مفهوم ایثار نیز یکی از مفاهیم ویژه مکتب اسلام است.

ب) جایگاه ایثار در میان احساسات

ب) جایگاه ایثار در میان احساسات

حس ایثارگری در مقایسه با احساس ها و گرایش های مثبت و انسانی، در برترین موقعیت قرار دارد.

ج) ایثار نشانه فضایل روحی

ج) ایثار نشانه فضایل روحی

ایثارگری، مبتنی بر بهره مندی از بالاترین سرمایه های روحی است که بدون آنها، ایثار ممکن نیست؛ سرمایه هایی مثل یقین و ایمان استوار، چیرگی بر نفس، دیگردوستی عمیق و خداگرایی. بنابراین، ایثار، شاخص ایمان و اوج فضیلت است و می تواند نماد دین و نشان دهنده مرتبه اخلاقی انسان ها باشد.

د) ایثار، مقدس ترین احساس و هیجان

د) ایثار، مقدس ترین احساس و هیجان

روح انسان کشش ها و هیجان های بسیاری دارد که برخی از آنها به دلیل همراه نبودن با فطرت، غریزه و قوانین الهی حاکم بر آفرینش، منفی و رذیله ارزیابی می شود؛ مثل حسادت، بُخل و کینه ورزی. از نظر عقلی نیز این احساسات آثار مخربی دارند. در مقابل، برخی احساسات قداست دارند و برخی مقدس ترند؛ زیرا هم بالاترین خواسته فطری انسان، داشتن آن احساس است که لذت روحی اش بی نهایت، و بازتابش بسیار شیرین است؛ هم از

دیدگاه عقلی آثار بسیار خوبی دارند. ایثار در این جایگاه قرار دارد؛ تا به گونه ای که دیگر فضایل در برابر ایثار رنگ می بازند.

نقل شده است، ابراهیم ادهم از شقیق بن ابراهیم ــ که از خراسان نزد او آمد ــ پرسید: فقرا و اصحابت را در خراسان چگونه ترک کردی؟ شقیق گفت: در حالی آنان را ترک کردم که اگر به آنان چیزی داده شود، شکر می کنند و اگر چیزی بخشیده نشود، صبر می کنند. ابراهیم ادهم گفت: من نیز سگ های بَلخ را این چنین ترک کردم! شقیق پرسید: پس فقرا از نظر تو چگونه باید باشند؟ ابراهیم گفت: از نظر ما فقرا باید آن گونه باشند که اگر منع شدند و محروم ماندند، شکر کنند و اگر به آنان چیزی بخشیده شد، ایثار کنند. پس شقیق سر ابراهیم را بوسید و گفت: راست گفتی ای استاد.(۱)

ه) جایگاه ایثار در سازندگی انسان

ه) جایگاه ایثار در سازندگی انسان

کسی که ایثار می کند، تقریباً تمام صفات نیک اخلاقی در شخصیت او شکل می گیرد. به بیان دیگر، ایثار، میانبری به قله فضایل و رهایی از تمام رذایل است؛ زیرا کسی که توان ایثار، آن هم با اخلاص کامل را دارد، توانسته است بر رذیلت ها فایق آید و فضایل روحی را در خود رشد دهد و نهادینه سازد.

در کتاب المستطرف، از ابومحمد أزدی نقل شده است: «هنگامی که مسجد مرو آتش گرفت، مسلمانان گمان کردند مسیحیان آن را آتش زده اند و آنها نیز خانه های مسیحیان را آتش زدند. چون سلطان آگاه شد، دستور داد همه افراد شریک در این قضیه را مجازات کنند. آن گاه به شکل قرعه، در کاغذهایی سه حکم نوشتند: کشته شدن، جدا شدن دست، تازیانه خوردن!

۱- لئالی الاخبار، ج۳، ص۱۰۸.

سپس کاغذهای قرعه را بین مسلمانان _ که در آتش زدن خانه مسیحیان و نصاری شرکت داشتند _ تقسیم کردند. یکی از آنان چون کاغذ قرعه خود را باز کرد، حکم قتل در آمد. سپس شروع به گریه کرد. جوانی که مجازاتش تازیانه در آمده بود، خوشحال به نظر می رسید، دلیل گریه وی را پرسید. گفت: ما در راه دین خدمت می کنیم و از مرگ نمی ترسیم، اما مادری پیر دارم که من تنها فرزندش هستم و زندگانی او به من بسته است. چون خبر مرگ مرا بشنود، می میرد. جوان با شنیدن این پاسخ، کمی تأمل کرد و گفت: من مادر ندارم و به کسی نیز علاقه ای ندارم. حکم خود را به من بده و من حکم تازیانه خود را به تو می دهم. حکم ها را عوض کردند و جوان ایثارگر کشته شد. آن مرد نیز بعد از تحمل تازیانه ها نزد مادرش رفت».(۱)

شنیدن این قبیل فداکاری ها حس ستایش را برمی انگیزد و نشان می دهد، کسی می تواند جان خود را ایثار کند که ایمان داشته باشد، ترس را در خود مهار ساخته و کشته باشد، حرص و علاقه به دنیا نداشته باشد، نوع دوستی و حسّ خیرخواهی و احسان در او به بالاترین درجه رسیده باشد، علاقه و عشق مجازی که او را از مرگ باز دارد، نداشته باشد. بر این اساس است که گفته می شود توفیق ایثار، یعنی توفیق عمل به تمام فضایل انسانی و ایمانی.

و) ایثار و افزایش روحیه مقاومت

و) ایثار و افزایش روحیه مقاومت

ایثار، مرحله ای بالاتر از گذشت و عفوست. ازاین رو، از قدرت روحی بسیار بالای صاحب آن حکایت دارد. کسی که با روحیه ایثار کاری را آغاز کند، آن را به انرژی سرشار به پایان خواهد برد و تا زمانی که ایثارگر است، در انجام

۱- احمد بن محمد اشبهی، المستطرف فی کل سنن مستنطرف، ج۱، ص۱۵۷، به نقل از: سید علی اکبر صداقت، یکصد موضوع، پانصد داستان، ج۱، ص۸۶.

دادن آن کوتاهی نخواهد کرد. همچنین عباس بن علی علیه السلام در کنار آب، ایثارگرانه با عطش جان سپرد.

حُذیفه عدوی می گوید: «در جنگ یرموک، پسرعموی من به جنگ رفت، ولی بعد از پیکار بازنگشت. ظرف آبی برداشتم و روانه میدان رزم شدم. بعد از کمی جست وجو، او را کم رمق یافتم. کنارش نشستم و گفتم: آب می خواهی؟ گفت: آری. در همین موقع، سربازی که کنار او بر زمین افتاده بود، آهی کشید و دریافتیم که او نیز تشنه است. پسرعمویم اشاره کرد که به او آب بده. به بالین او رفتم، هشام بن عاص بود. خواستم به وی آب بدهم که صدای مجروح دیگری را شنیدیم. هشام نیز آب نخورد و مرا به سوی آن مجروح فرستاد. رفتم به او آب دهم، جان داد. برگشتم، هشام و پسرعمویم نیز از دنیا رفته بودند».(۱)

اینها نمونه ای از قدرتی است که ایثار می آفریند و توان و تحمل جان دادن در اوج عطش را بالا می برد.

آثار ایثار

اشاره

آثار ایثار

زیر فصل ها

الف) آثار فردی ایثار

ب) آثار ایثار در جامعه

ج) آثار عبادی ایثارگری

د) آثار سیاسی و نظامی ایثار در جامعه

ه) آثار اقتصادی ایثار

و) آثار اخلاقی ایثار در جامعه

الف) آثار فردی ایثار

اشاره

الف) آثار فردی ایثار

زیر فصل ها

یک ـ آثار فردی اخلاقی ایثار در جامعه

دو ـ ایثارگری، گذشت، عبودیت و سازندگی انسان

یک ـ آثار فردی اخلاقی ایثار در جامعه

یک ـ آثار فردی اخلاقی ایثار در جامعه

ایثار، نه تنها فرد ایثارگر را به انسانی الهی تبدیل می کند که سعادت خود را تنها در رضای خدا می جوید، بلکه سبب می شود وی در جامعه، اثر مثبت

۱- محمد عوفی، جوامع الحکایات و لوامع الروایات، ص۲۰۴، به نقل از: هزار و یک حکایت اخلاقی، ص۴۹۰.

داشته باشد و آنها را به سوی رستگاری ابدی سوق دهد. همچنین پیروزی مردم را در صحنه های اجتماعی بیمه می کند.

ایثارگری، شور حال و جاذبه ای قوی در انسان برای پیش رفتن به سوی خدای یگانه و دل بریدن از دنیا و زخارف آن ایجاد می کند و او را به سوی زیبایی مطلق و کمال غایی با سرعتی فراتر از تصور سوق می دهد. فداکاری و ایثار از برترین فضایل انسانی به شمار می رود. دین هایی که ریشه بین النهرینی دارند، دارای ویژگی های یکسانی هستند. هنگامی که در دنیای اسطوره ای، حادثه ای مهیب رخ می داد، بزرگان و اشراف جامعه، فرزندانشان را قربانی می کردند.(۱)

دو ـ ایثارگری، گذشت، عبودیت و سازندگی انسان

دو ـ ایثارگری، گذشت، عبودیت و سازندگی انسان

از دید اسلام، یاد مرگ، یکی از عوامل مهم تربیت و تزکیه نفس انسان، بازدارنده او از ارتکاب گناهان و ترغیب کننده به بندگی و صفت الهی به شمار می آید. یاد مرگ، آثار و برکات ارزشمندی دارد، از جمله:

الف) نابود شدن و خشکاندن ریشه ها و انگیزه ها و بستن راه های نفوذ و تسلط شیطان بر جان آدمی.

ب) غفلت از مبدأ و معاد و وظایف بندگی، جای خود را به توجه و معرفت می دهد.

ج) به تدریج نجاست و آلودگی گناهان را از وجود انسان می زداید.

د) مصایب و بلاها را برای انسان آسان می سازد و راحت جلوه می دهد.

و) قلب را به نور و عشق الهی زنده می گرداند.

۱- رضا حمیدزاده، «فرهنگی برای انسان سازی»، مجموعه مقالات ایثار و شهادت، ص ۱۲۰؛ برگرفته از سایت فرهنگ ایثار www.isar.ir

رسول گرامی اسـلام، بر اساس همان آثار و برکات، یاد مرگ را بهترین زهـد، برترین عبادت و برترین تفکر و انـدیشه نامیـده است.(۱)

ب) آثار ایثار در جامعه

اشاره

ب) آثار ایثار در جامعه

اگر فرهنگ ایثار در سطح جامعه، فراگیر شود و عمومیت یابد، آثار خوبی خواهد داشت، از جمله:

یک ـ از بین رفتن کدورت ها

یک ـ از بین رفتن کدورت ها

در جبهه های جنگ، به جای کدورت و رقابت های منفی و کینه ورزی، مسابقه در خیر و شـهادت طلبی و ایثارگری بر روابط حـاکم است. شـخص ایثـارگر، پیش از رسـیدن به مقـام ایثـار، مراحل احسان و عفو را پشت سـر نهاده است. وی خلأ روحی و عقده روانی ندارد، بلکه کمبودهای روحی او با سـرمایه قداست روحی و عظمت ذاتی پر شده و خداوند، غنای او را در ذات و نفسش(۲) قرار داده است. وی با توکل به خداونـد، بی نیاز شـده است و به کینه ورزی نیازی ندارد. انسان ایثارگر آرامشـی را که حتی در انتقام گرفتن به دست نمی آید، با محبت کردن به دیگران و ایثار کردن به دست می آورد.

دو ـ ایثارگر؛ چراغ راه هدایت جامعه

دو ـ ایثارگر؛ چراغ راه هدایت جامعه

تجربه ثابت کرده، در جایی که انقلاب در مسیر صحیح حرکت کرده و رو به قله های پیشرفت و عظمت داشته است، جریانات ضد نظام کوشیده اند مسیر این پیشرفت را مسدود سازند. آنان در خیال خام

۱- عبدالله جوادی آملی، شریعت در آیینه معرفت، ج۲، ص۲۰.

۲- اللهم اجعل غنای فی نفسی.

خود این گونه می اندیشند که به شهادت رساندن چهره های شاخص انقلاب، می توان قطار پیشرفت ایران اسلامی را متوقف سازد؛ غافل از اینکه شهدا چراغ راه بازماندگان هستند. امام راحل در این باره، خطاب به دشمنان انقلاب فرمود:

این رجل فاجری که خون عزیز ما را به زمین ریخت، تأیید کرد دین خدا را، یعنی خدا دین خودش را به او تأیید کرد. با ریختن خون عزیز ما، تأیید شد انقلاب ما. این انقلاب باید زنده بماند، این نهضت باید زنده بماند، و زنده ماندنش به این خون ریزی هاست. بریزید خون ها را؛ زندگی ما دوام پیدا می کند. بکشید ما را؛ ملت ما بیدارتر می شود. ما از مرگ نمی ترسیم؛ و شما هم از مرگ ما صرفه ندارید. دلیل عجز شماست که در سیاهی شب، متفکران ما را می کشید. برای اینکه منطق ندارید. اگر منطق داشتید که صحبت می کردید؛ مباحثه می کردید، لکن منطق ندارید، منطق شما ترور است!... نهضت ما زنده شد. تمام اقشار ایران، باز زندگی از سر گرفت. اگر یک سستی، ضعفی پیدا کرده بود، زنده شد.(۱)

سه ــ پویایی بخشیدن به خود و جامعه

سه ــ پویایی بخشیدن به خود و جامعه

شهید با خون خود، روح حرکت و حماسه را در کالبد جامعه می دمد و جامعه را از سکون و رکود باز می دارد. زندگی ایثارگران، سرشار از درس برای بازماندگان است. حضور آنان در جامعه، به جوانان روحیه، انگیزه و عشق به شهادت در راه وطن را می بخشد. شهید مطهری در این باره چنین

۱- صحیفه امام، ج۷، ص۱۸۳.

می نویسد: «بزرگ ترین خاصیت شهید حماسه آفرینی اوست. در ملت هایی که روح حماسه، مخصوصاً حماسه الهی می میرد، شهید، آن حماسه مرده را از نو زنده می کند. لذا اسلام همیشه نیازمند به شهید است و نیازمند به حماسه های جدید و آفرینش های تازه».(۱)

از منظر مقام معظم رهبری نیز «مهم ترین نقطه قوّت ما در قیام جمهوری اسلامی، نقطه قوّت انسانی بود. ما که نه سلاح داشتیم، نه پول داشتیم، نه سازمان دهی داشتیم، نه حزب داشتیم و نه پشتیبانی جهانی؛ ما ملت ایران در همه کشورهای دنیا یک نقطه را نداشتیم که از قیام، انقلاب و حرکت ما حمایت و دفاع کنند. آنچه این ملت را پیروز کرد، قدرت نیروی انسانی بود؛ یعنی آگاهی و ایستادگی».(۲)

چهار ــ آمادگی برای حضور در عرصه های دشوار

چهار ــ آمادگی برای حضور در عرصه های دشوار

فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه، شهروندان را برای دفاع از میهن و ایستادگی در برابر خطرها آماده می سازد. آنان که در راه خدا قیام می کنند، هیچ ترسی از شهادت ندارند؛ زیرا کلام حق را درباره بازگشت شهیدان به سوی خداوند و قرار گرفتن در جوار قرب الهی شنیده اند: «کَلا لا وَزَرَ إِلَی رَبِّکَ یوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ؛ و این جهان منزلگهی موقت برای انسان هاست.» (قیامت: ۱۱ و ۱۲) و «یوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لا یخْفَی عَلَی اللَّهِ مِنْهُمْ شَیءٌ لِمَنِ الْمُلْکُ الْیوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ؛ آنان می دانند که این ملک، جز برای خداوند یکتای قهار نیست». (غافر: ۱۶)

ازاین رو، خداوند در قرآن کریم، مؤمنان را توبیخ می کند و می فرماید:

۱- مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ج۱، ص۱۰۴.

۲- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار خانواده معظم شهدا، جانبازان و آزادگان استان همدان، ۱۶/۴/۱۳۸۳، قابل دسترسی در وب سایت: http://www.leader.ir/langs/fa/?p=bayanatid=.

یـا أَیهَـا الَّذِینَ آمَنُوا مَا لَکُمْ إِذَا قِیلَ لَکُمُ انْفِرُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَی الأرْضِ أَرَضِـیتُمْ بِالْحَیاهِ الـدُّنْیا مِنَ الآخِرَه فَمَا مَتَاعُ الْحَیاه الدُّنْیا فِی الآخِرَه إِلا قَلِیلٌ. (توبه: ۳۸)

ای کسـانی که ایمـان آورده ایـد! چرا هنگـامی که به شـما گفته می شـود: «به سوی جهـاد در راه خـدا حرکت کنیـد» بر زمین سنگینی می کنید (و سستی به خرج می دهید)؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده اید؟! با اینکه متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست.

و خداوند در جایی دیگر می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ اشْـتَرَی مِنَ الْمُـؤْمِنِینَ أَنْفُسَـهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّه یقَـاتِلُونَ فِی سَبِیـلِ اللَّهِ فَیقْتُلُونَ وَیقْتَلُونَ وَعْـدًا عَلَیهِ حَقًّا فِی التَّوْرَاه وَالإنْجِیلِ وَالْقرآن وَمَنْ أَوْفَی بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَیعِکُمُ الَّذِی بَایعْتُمْ بِهِ وَذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ. (توبه: ۱۱۱)

خداونـد جـان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریـداری کرده، آنها در راه خـدا جهاد می کننـد که دشـمنان دین را به قتل برساننـد و یا خود کشـته شونـد این وعـده قطعی است بر خـدا و عهـدیست که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده و از خـدا باوفـاتر به عهـد کیست. ای اهـل ایمان، شـما به خود در این معامله بشارت دهیـد که این معاهـده با خـدا به حقیقت سـعادت و پیروزی بزرگی است.

پنج ــ رسیدن به جایگاه و منزلت واقعی خویش

پنج ــ رسیدن به جایگاه و منزلت واقعی خویش

آنـان که جایگاه و منزلت واقعی خود را شـناختند، از مرگ در راه حق بیمی ندارنـد؛ زیرا حیات خویش را در آن می جوینـد. پیامبر اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله ، شهادت در راه پروردگار را بالاترین فیض و ارزش برمی شمارد.(۱)

۱- محسن غرویان، صحیفه سجادیه موضوعی، ص۶۹۵.

امام علی علیه السلام نیز جهاد را دری از درهای بهشت می نامد که حضرت دوست، آن را برای اولیای خاص خود گشوده است.(۱) خداوند در آیه ۴۸ سوره مائده می فرماید:

وَ أَنْزَلْنا إِلَیکَ الْکِتابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِما بَینَ یدَیهِ مِنَ الْکِتابِ وَمُهَیمِنًا عَلَیهِ فَاحْکُمْ بَینَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَکَ مِنَ الْحَقِّ لِکُلٍّ جَعَلْنَا مِنْکُمْ شِرْعَه وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَکُمْ أُمَّه وَاحِدَه وَلَکِنْ لِیبْلُوَکُمْ فِی مَا آتَاکُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَیرَاتِ إِلَی اللَّهِ مَرْجِعُکُمْ جَمِیعًا فَینَبِّئُکُمْ بِمَا کُنْتُمْ فِیهِ تَخْتَلِفُونَ. (مائده: ۴۸)

و ما این کتاب (قرآن عظیم اکمل) را به حق فرو فرستادیم که تصدیق به درستی و راستی همه کتبی که در برابر اوست نموده و بر حقیقت کتب آسمانی پیشین گواهی می دهد. پس حکم کن میان آنها به آنچه خدا فرستاده و در اثر پیروی از خواهش های ایشان، حکم حقی که به تو نازل آمده وامگذار. ما بر هر قومی شریعت و طریقه ای مقرر داشتیم و اگر خدا می خواست همه را یک امت می گردانید و لیکن این نکرد تا شما را به احکامی که در کتاب خود فرستاده بیازماید. سپس شما به کارهای نیک سبقت بگیرید که بازگشت همه به سوی اوست. در آنچه اختلاف می نمایید شما را آگاه خواهد ساخت.

خداوند یکی از ویژگی های برجسته مؤمنان را حضور در عرصه رقابت سازنده و مفید معرفی می کند و می فرماید: «أُولَئِکَ یسَارِعُونَ فِی الْخَیرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ؛ (آری) چنین کسانی در خیرات، از دیگران پیشی می گیرند [و مشمول عنایات ما هستند].» (مؤمنون: ۶۱)

۱- سید جعفر شهیدی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۲۹.

در قرآن کریم، یکی از جلوه های مهم این مسابقه، طلب مغفرت خداوند و جلب رضایت او معرفی شده است:

سَابِقُوا إِلَی مَغْفِرَه مِنْ رَبِّکُمْ وَجَنَّه عَرْضُـهَا کَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِینَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِکَ فَضْلُ اللَّهِ یؤْتِیهِ مَنْ یشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ. (حدید: ۲۱)

به سوی آمرزش پروردگارتان بشتابید و به راه بهشتی که عرضش به پهنای آسمان و زمین است که آن بهشت برای اهل ایمان به خدا و پیامبرانش مهیا گردیده. این فضل خداست که به هر کس خواهد عطا می کند و فضل خدا بسیار عظیم است.

شش _ جایگاه ایثار در پیشرفت جامعه

شش _ جایگاه ایثار در پیشرفت جامعه

رزمندگان اسلام از قرآن کریم فراگرفته اند که به یکدیگر مهر بورزند و برادری و همدلی پیشه کنند. این محبت و عشق ژرف، ایثار و فداکاری را به دنبال دارد؛ ایثاری که از اندک اندوخته ای مالی تا گوهر نفیس جان را شامل می شود. همچنین آنها از قرآن کریم آموخته اند که در برابر دشمن، استوار و سرفراز باشند و برای تحقق این مهم، صبر و استقامت را در اوج زیبایی به تصویر کشیدند، شجاعت و دلاوری را بر قله بلند افتخار نشاندند و اوج عزت و کرامت را با شهادت، شکوهی سترگ بخشیدند. آیا این عزت و افتخار بزرگ، تنها در یک زمان و در عرصه دفاع مقدس اثرگذار است یا معنویت و کمال در دیگر عرصه ها نیز نقش آفرین است؟ آیا روحیه ایثار که معنویت را در جامعه ایجاد کرده بود، در پیشرفت کشور نیز می تواند نقش داشته باشد؟(۱)

۱- همایش ملی ایثار و شهادت و توسعه کشور، صص ۹۳ و۹۴، برگرفته از سایت: www.isar.ir

ج) آثار عبادی ایثارگری

اشاره

ج) آثار عبادی ایثارگری

زیر فصل ها

یک ــ اثر روحیه ایثار و شهادت در تقویت ایمان

دو ــ احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر

سه ــ تقویت روح ایثار در جامعه

چهار ــ تقویت روحیه ایمان و عنصر ایثار و فداکاری

یک ــ اثر روحیه ایثار و شهادت در تقویت ایمان

یک ــ اثر روحیه ایثار و شهادت در تقویت ایمان

روحیه ایثارگری از جمله عواملی است که بیشترین اثر را در تقویت ایمان و معرفت فردی و جمعی جامعه اسلامی دارد. امیر مؤمنان، علی علیه السلام در کلامی، فرهنگ مجاهدت و جانبازی در راه خدا را در اصحاب مخلص پیامبر، می ستاید و می فرماید:

این روحیه، چنان ما را مجاهد در راه خدا ساخته بود که با دشمن در حالی می جنگیدیم که بسیاری از نزدیکان ما، مانند پدران و برادران و عموهای ما در صفوف دشمن بودند و آنها را در راه خدا می کشتیم و این مسئله نه تنها موجب سستی ما در امر جهاد نمی شد، بلکه به خاطر اثبات بندگی خود و ترجیح محبت خدا بر بستگان خود و موفقیت در این آزمون الهی، خدا بر ایمان و معرفت ما می افزود و ما را در بندگی راسخ تر می ساخت.(۱)

دو ــ احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر

دو ــ احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر

فرهنگ و روحیه ایثار و شهادت می تواند جامعه اسلامی را به درجه ای از ایمان و معرفت برساند که در عالم، جز خدای یگانه، کسی را منشأ اثر حقیقی ندانند. بنابراین، از غیر او نمی هراسند و در انجام دادن تکالیف و اوامر او کوشا خواهند بود.

این فرهنگ، مبتنی بر عشق به معبود و به تبع آن، عشق به انجام وظیفه و شهادت و دیدار معبود است. بنابراین، موجب می شود مؤمنان در هر شرایطی وظیفه خود را انجام دهند و از کشته شدن و دیگر ضررهای احتمالی، ترسی به دل راه ندهد.(۲)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۵۹.

۲- «قیام امام حسین علیه السلام»، سایت فرهنگ ایثار، ص۳۴.

سه _ تقویت روح ایثار در جامعه

سه _ تقویت روح ایثار در جامعه

ایثار، نتیجه وجود روحیه و فرهنگ ایثارطلبی است. بدون شک، با تقویت این فرهنگ در جامعه اسلامی، روح ایثار به ویژه در بالاترین درجات آنکه ایثار جان است، در میان مؤمنان و جامعه دینی فراگیر می شود؛ زیرا کسی که در نعمت حیات، که عزیزترین و محبوب ترین و گران بهاترین نعمت الهی به بشر است، دیگران را بر خود مقدّم می دارد، درباره دیگر دارایی هایش که تعلق خاطر آدمی به آنها ضعیف تر است، به طریق اولی ایثارگر خواهد بود. این بدان جهت است که شهادت طلبی، مصداق کاملی از کرامت و عزت نفس است و اگر روح مؤمنان به این درجه بالا برسد، تمام دنیا و منافع اعتباری آن در نزد آنها حقیر و پست جلوه می کند.(۱)

چهار _ تقویت روحیه ایمان و عنصر ایثار و فداکاری

چهار _ تقویت روحیه ایمان و عنصر ایثار و فداکاری

بخش بزرگی از جامعه ایران را جوانان تشکیل می دهند؛ قشری که چه در جنگ سخت و چه در جنگ نرم، نقش مهمی ایفا می کنند. این نیروها همچنان که در جنگ نظامی و سخت، نیازمند پشتیبانی، سلاح و... بودند، در جنگ نرم نیز باید تقویت شوند. باید پیش از هر چیز، روحیه اعتماد به نفس، توکل بر خداوند در امور، و عنصر ایثار و فداکاری در راه خدا و میهن را در آنها تقویت کرد. مقام معظم رهبری (دام ظله عالی) می فرماید:

ما باید روحیه ایمان و عنصر ایثار و فداکاری را در درجه اول در خودمان و سپس در مردم تقویت کنیم. این هم باید در برنامه ها گنجانده و دیده شود. بخش مهمی که قدرت ملی ما را تشکیل داد، همین روحیه ایثار بود که در جنگ به صورت شهادت طلبی ظاهر شد.

۱- «قیام امام حسین علیه السلام»، سایت فرهنگ ایثار، ص۳۵.

در میـدانی هم که امروز در مقابل خود داریم ـ که یقیناً از میـدان جنگ، پیچیده تر و دشوارتر است ـ نیروی ایثار و فداکاری که همه معادلات را به هم می ریزد، بایـد مطرح شود. اگر ما بتوانیم این را در خودمان تقویت کنیم، همه معادلات قـدرت در دنیا به سود ما به هم خواهد ریخت.(۱)

د) آثار سیاسی و نظامی ایثار در جامعه

اشاره

د) آثار سیاسی و نظامی ایثار در جامعه

امیر مؤمنـان، علی علیه السـلام برای رعـایت حـال محرومان جامعه، از نظر پوشـش، خوراک و مسـکن و مرکب، همچون آنان زندگی می کرد. مشاهده این روحیه که حضرت با وجود توانایی، برای استفاده از نعمت های حلال، باز زهد می ورزید، مردم را مطیع ایشان می ساخت و بر ارادتشان می افزود. همچنین ایثارگری فرماندهان سبب اطاعت بیشتر رزمندگان می شد. ایثار در عرصه نظامی، آثار بسیاری دارد که به این اشاره مختصر بسنده می کنیم.

یک ـ ایجاد مصونیت سیاسی و نظامی

یک ـ ایجاد مصونیت سیاسی و نظامی

امریکا در این سـی سال، بسیار تلاش کرد بعد از عراق، کشور دیگری به ایران حمله کند، اما سیاست ایثارگرانه ایران و اجرای این اصـل فقهی اسـلامی که اجازه می دهـد از زکات برای ایجاد الفت بین قلب های اهل کتاب با مسـلمین اسـتفاده شود، مانع اسـتفاده ابزاری دشـمن از آنان شد. به این ترتیب، با روحیه ایثار و بخشش یک جانبه و حمایت بی دریغ ایران از نیازمندان که دست کم برای عامل (ایران) محبت و مصونیت آورد، بسیاری از خطرهای

۱- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۵/۵/۱۳۸۲.

سیاسی و نظامی برطرف شد. چنان که امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرمود: «بِالإِیثارِ تَستَبرِقُ الْأحرارُ؛ ایثار، کمند بندگی آزادگان است».(۱)

دو ــ ایجاد الفت بین جوامع

دو ــ ایجاد الفت بین جوامع

اگر کشورها یا ملت ها اهل ایثار و بخشش باشند و اثر آن با عملی دیگر از بین نرود، الفت و صلح و دوستی میان آنها پدید خواهد آمد. ایثار جوامع در حق یکدیگر، همواره مایه دوستی و امنیت و آرامش بوده است و در تاریخ نمونه های زیادی از این موضوع می توان یافت. کمک در هنگام بروز سوانح طبیعی مثل زلزله، سیل، خشک سالی و غیره، نمونه ای از این نوع ایثارهاست که سبب تقویت الفت و مهربانی بین جوامع بشری شده است. در فقه یکی از موارد مصرف زکات، تألیف قلوب غیر مسلمانان است.

سه ــ رفع اختلاف

سه ــ رفع اختلاف

ایثار جامعه ای در حق جامعه دیگر، کدورت ها را از بین می برد و اختلاف ها را کم رنگ یا محو می سازد و حتی گاه به دوستی تبدیل می کند. هدیه دادن حاکمان کشورها به یکدیگر، حمایت سیاسی و کمک رسانی، همواره سبب کاهش تنش های سیاسی شده است.

چهار ــ افزایش تفاهم و همکاری

چهار ــ افزایش تفاهم و همکاری

همواره ایثار جوامع و ملت ها در حق یکدیگر، راه ارتباط و تعامل مفید را هموار کرده و سبب ایجاد تفاهم بین آنها شده و زمینه های همکاری را پدید آورده است. چنان که کمک های کشور اسلامی ایران به همسایگانش، سبب

۱- غررالحکم و دررالکلم، ح ۴۱۸۷.

ایجاد الفت، رفع اختلاف، افزایش زمینه های تفاهم و همکاری و صادرات و واردات، و ایجاد مصونیت سیاسی برای کشور شده و از اینکه آن کشورها به ابزار دست دشمن تبدیل شوند، جلوگیری کرده است.

ه) آثار اقتصادی ایثار

اشاره

ه) آثار اقتصادی ایثار

زیر فصل ها

یک ــ حل مشکلات

دو ــ ایثار؛ جهشی فراتر از عدالت

یک ــ حل مشکلات

یک ــ حل مشکلات

ایثار در عرصه های اقتصادی نیز کاربرد دارد و گره های کور زندگی نیازمندان را می گشاید که این کار بازتاب دنیوی و اخروی خواهد داشت.

عبدالله بن جعفر، فرزند جعفر طیار و همسر محترم حضرت زینب علیها السلام ، از سخاوتمندان بزرگ صدر اسلام بود که بعد از امام حسن و امام حسین علیهما السلام در بخشش و ایثار مال، نظیر نداشت.

وی روزی از نخلستانی می گذشت. غلامی را دید که در آنجا کار می کند. هنگامی که غلام خواست غذا بخورد، سگ گرسنه ای به آنجا آمد. غلام مقداری غذا جلوی سگ انداخت و سگ خورد. وی این کار را ادامه داد تا اینکه سگ همه غذا را خورد.

عبدالله از غلام پرسید: جیره غذای روزانه تو چه قدر است؟ گفت: همین مقدار که دیدی. گفت: پس چرا سگ را بر خود مقدّم داشتی و ایثار کردی؟ غلام پاسخ داد: این سگ از راه دور آمده و گرسنه بود و من دوست نداشتم او را با گرسنگی از اینجا دور کنم.

پرسید: پس امروز گرسنگی ات را چه طور برطرف می کنی؟ غلام گفت: با صبر و مقاومت! عبدالله با دیدن چنین ایثاری از غلام، گفت: این غلام از من سخاوتمندتر است. پس وی را از صاحبش خرید و آزاد کرد و آن نخلستان را هم با تمام

امکاناتی که داشت از صاحب غلام خرید و به غلام بخشید.(۱)

۱- فیض کاشانی، المحجه البیضاء، ج۶، ص۸۰، به نقل از: حکایت های شنیدنی، ج۵، ص۱۱۴.

به این ترتیب، بـا ایثار، زنـدگی سـخت فردی تهی دست به بهشت دنیا تبـدیل شـد. گاهی نیز خداونـدی که اجر نیکوکاران را ضایع نمی سازد، پاداش ایثار را در دنیا به این سرعت می پردازد.

دو _ ایثار؛ جهشی فراتر از عدالت

دو _ ایثار؛ جهشی فراتر از عدالت

عـدالت، یعنی دادن حق هر صاحب حقی به او؛ احسان یعنی بخشـیدن آنچه حق دریافت کننده بخشـش نیست، چه بخشـنده به آنچه می بخشـد نیازمنـد باشد یا نباشد. این در حالی است که ایثار، یعنی بخشـیدن آنچه نیاز شدید ایثارگر است، به فردی که هیـچ حقی به گردن او نـدارد و این بخشـش حق او نیست. بنـابراین، ایثار، فراتر از عـدالت و احسان است. اداره جامعه و وضـع کردن قانون بایـد بر مبنای عدالت باشد، نه بر مبنای احسان و ایثار؛ چرا که ایثارگر و احسان کننده در جامعه زیاد نیست و همه ظرفیت این کار را ندارند، اما همواره برگزیدگان با احسان و ایثار شناخته می شوند و با ایثار رشد می کنند. ایثار، گاه فردی را از نهـایت فقر به اوج بی نیـازی مـادی می رسانـد؛ کـاری که هرگز از عـدالت برنمی آیـد. اگر عـدالت در جـامعه اجرا شود و دارایی هـای اضافی، عادلانه و برابر بین مردم تقسـیم گردد، سـطح زنـدگی افراد فقیر و دارا به یکـدیگر نزدیک می شود؛ زیرا همه یکسان از عـدالت بهره منـد می شونـد. وضع نیازمندان نیز به اندازه مالی که با عدالت به دسـتشان رسـیده است، بهبود می یابد، در حالی که با ایثار، گاهی فقیر در جایگاه ثروتمند قرار می گیرد. بنابراین، هم در جنبه اقتصادی و هم در دیگر ابعاد، اثر دارد که در مفاهیم دیگر، چنین اثری نیست.

و) آثار اخلاقی ایثار در جامعه

اشاره

و) آثار اخلاقی ایثار در جامعه

محور مسائـل اخلاقی، خود را فراموش کردن، از خود گذشـتن و صـرف نظر کردن از منافع شخصـی است. همان طور که در سلامت بدن، اصلی هست که

مبدأ و سلامتی است و آن مسئله «حمیه»، یعنی ترک پرخوری است، در اخلاق نیز اصلی وجود دارد که اساس همه مسائل اخلاقی است و آن، رهایی از «خود» و رها کردن «منیت» است.(۱)

تقویت روحیه صبر و استقامت در مؤمنان

تقویت روحیه صبر و استقامت در مؤمنان

مجاهدت و شهادت در راه خدا، مستلزم تحمل سختی ها و مصایب فراوان است. مؤمنانی که حقیقت ایمان در قلبشان راه می یابد و با نور آن حرکت می کنند، در مصیبت ها و مشکلات صبر و پایداری بیشتری از خود نشان می دهند. خداوند می فرماید:

قُلْ يا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَه إِنَّمَا يوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيرِ حِسَابٍ. (زمر: ۱۰)

ای رسول ما: بگو به امت؛ ای بندگانی که به خدا ایمان آورده اید خداترس و پرهیزکار باشید که هر کس متقی و نیکوکار است در دنیا هم نصیبش نیکویی و خوشی است و زمین خدا بسیار پهناور است که خدا صابران را به حد کامل بدون حساب پاداش خواهد داد.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است: صبر نصف ایمان است و از جمله چیزهایی که بسیار کم به شما داده شده، صبر و یقین است. هر کس از این دو بهره مند شده باشد، باکش نباشد که قیام و صیامِ روز، از دستش می رود.(۲) این (صبر و یقین) همان تجلی ایثار و گذشت است؛ زیرا از خواستی قلبی برمی خیزد و متجلی می شود و هیچ عاملی آن را برای ظهور، در اجبار قرار

۱- مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، ص ۸۰.

۲- عبدالله شبر، الاخلاق، ص۳۵۸.

نمی دهد، جز همان میل و اراده و عشق و علاقه شخص، در حالی که در تکلیف ممکن است چنین نباشد و تنها به مناسبت مسئله اعتباری و قراردادی، شخص خود را مکلف به انجام آن بداند. بنابراین، هر حرکت خدایی، به ایثار نیاز دارد و تا ایثار و فداکاری نباشد که تجلی والاترین حالات روح و ایمان است، حرکت های خدایی و ناب صورت نمی گیرد.(۱)

آثار فرهنگی

اشاره

آثار فرهنگی

فرهنگ، شامل همه مصنوعاتی است که فرهنگ را به نمایش می گذارند و از طریق آنها می توان فرهنگ را مشاهده کرد. در کنار شکل های بیانی، نمایشی و تجسمی شناخته شده مانند هنر، ادبیات، نمایش، فیلم، رادیو، تلویزیون، اینترنت و...، تجلیات فرهنگ را در معماری، پوشاک و همچنین کالاهای مصرفی و محصولات فرهنگی روزمره و فرهنگ مردمی نیز آشکارا می توان دید.(۲) با توجه به تهاجم فرهنگی دشمنان به عناصر اصیل فرهنگ اسلامی، از جمله فرهنگ ایثار و شهادت و تلاش برای کم رنگ ساختن پی آمدهای مثبت آن برای جامعه در قالب تبلیغات منفی رسانه ای و جنگ نرم، توجه جدی به فرهنگ ایثار و شهادت، امری ضروری است. امروزه با فرهنگ سازی و ارتقای سطح آگاهی ها و باورهای دینی مردم، می توان در احیا و رونق هر چه بهتر و بیشتر این فرهنگ متعالی کوشید.

الف) ایجاد زمینه رشد و تعالی جامعه

الف) ایجاد زمینه رشد و تعالی جامعه

وقتی روحیه ایثار بر جامعه ای حاکم باشد، افراد آن جامعه نه به شرط مزد و بهره مندی از امکانات رفاهی، بلکه بی دریغ و بی چشمداشت فعالیت خواهند

۱- ماهنامه شاهد، ۱۳۶۰، ش۱۵، ص۵.

۲- چنگیز پهلوان، فرهنگ و تمدن، ص۸۸.

کرد و هرگز چرخه رشد متوقف نخواهد شد. در هشت سال دفاع مقدس، این روحیه به طور کامل در جبهه های جنگ حاکم بود و رزمندگان بی هیچ توقعی، وظیفه خود را انجام می دادند و دوشادوش یکدیگر پیش می رفتند و حماسه ها می آفریدند. مردم قدرشناس نیز با وجود مشکلات مادی فراوان، هرگز پشت جبهه را خالی نمی کردند و در مقابل ایثارگری رزمندگان، ایثارگرانه کمک و حمایت می کردند. به این ترتیب، این گردونه رشد، در جبهه و پشت جبهه به گردش می افتاد و همه، از زن و مرد، پیر و جوان، به تناسب توان در این عرصه رشد می کردند.

ب) بهشتِ احساس برتر

ب) بهشتِ احساس برتر

ایثار، مقدس ترین حس بشری و اسلامی و لذت بخش ترین لحظه های زندگی است. ازاین رو، ایثارگر، در بهترین احساس غوطه ور است. او هم از ایثارگری خود لذت می برد و هم ستایش و تحسین و تمجید دیگران از او، وی را در بهشت آرامش و امتنان جای می دهد. اگر کار او همچون امیر مؤمنان، علی علیه السلام برای خدا باشد، خدا نیز از او تشکر خواهد کرد و اگر برای مردم باشد، مردم از او تشکر خواهند کرد و اجر او فقط در دنیا خواهد بود. به هر حال، ایثار، انسان را در بهشت احساسی که دوست دارد و مطلوب روح است، غوطه ور می سازد و عواطف انسانی را سرشار و شیرین می گرداند.

عوامل ایمانی مؤثر در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

اشاره

عوامل ایمانی مؤثر در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

راهبرد ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه، متأثر از عوامل دینی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تمدن و فرهنگ است. برای ترویج این فرهنگ، باید به نقش هر یک از این عوامل توجه کرد و همچنین برای

روابط بین این عوامل اهمیت قائل شد. در آموزه های دینی اسلام، عوامل متعددی بسترهای لازم را جهت گسترش فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه ایجاد می کنند که به اختصار به چند مورد اشاره می کنیم.

الف) قداست عدالت و تنفر از ستم

الف) قداست عدالت و تنفر از ستم

عدالت، امری مقدس، و ستم از امور زشت و ناخوشایندی است که در آموزه های دینی اسلام به شدت با آن مقابله شده است. اگر عدالت (آرمان نهایی همه پیامبران) به خطر افتد و ستم جای گزین آن شود، احساسات فطری و پاک انسان ها علیه ظلم و به نفع عدالت برانگیخته خواهد شد. در برخی آیات قرآن، یکی از مهم ترین اهداف بعثت پیامبران و نزول کتاب های آسمانی، اقامه عدل و قسط در جامعه معرفی شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمانی و میزان شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه نازل کردیم تا مردم، به عدالت قیام کنند». (حدید: ۲۵)

خداوند در آیه ای دیگر، به اجرای عدالت و احسان به بندگان دستور داده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد و از فحشا و منکر و ستم نهی می کند. خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید». (نحل: ۹۰)

بنابراین، بر اساس آموزه های اصیل دین اسلام، مسلمانان وظیفه دارند به پیروی از پیشوایان معصومشان، آن گاه که حق و عدالت در خطر افتد، به پا خیزند و زیر بار ستم و ذلت نروند. چنان که رهبر آزادگان جهان، حسین بن

علی علیه السلام در مسیر کربلا ـ فرمود: «اِنّی لَما أرَی المَوتَ اِلاّ ـ السَّعاده وَالْحَیاهَ مَعَ الظّالِمین إلاّ بَرَماً.»(۱) و این، تارک سخن اوست که فرمود: «الموتُ فی عزٍ خیرٌ مِن حیاهٍ فی ذُلٍّ».(۲)

امیر مؤمنان، علی علیه السلام در این باره، خطاب به یاران خویش فرمود: «برای یاری دادن و جهاد در راه حق منتظر چه هستید؟ مرگ بهتر از آن است که در این دنیا تن به ذلت و خواری در برابر ناحق دهید».(۳)

ب) وجوب جهاد با ظالمان

ب) وجوب جهاد با ظالمان

در نظام پژوهشی مبتنی بر فرهنگ اسلام که هدف غایی آفرینش انسان، عبادت و رسیدن به مقام عبودیت است ـ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالإنْسَ إلا لِیَعْبُدُونِ ـ(۴) ایثار و جهاد و شهادت، جایگاهی والا و در خور تأمل دارد.(۵) جهاد با دشمن، یکی از فروع دین مقدس اسلام است که با فرمان امام واجب می شود و زمانی که قلمرو مسلمانان یا مرزهای آن مورد هجوم قرار گیرد، بر مسلمانان واجب است که به هر وسیله ای، حتی با بذل جان و مال خویش، از آن دفاع کنند. این دفاع، مشروط به اذن امام معصوم یا نایب خاص و عام او نیست.(۶) بارها در قرآن مجید فرمان جهاد و مقاتله با دشمن صادر شده است:

یا أَیهَا النَّبِی جَاهِدِ الْکُفَّارَ وَالْمُنَافِقِینَ وَاغْلُظْ عَلَیهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِیرُ. (توبه: ۷۳)

۱- میزان الحکمه، ج۲، ص ۲۸۸۰.

۲- قیام انقلاب مهدی، ص۱۷.

۳- شرح نهج البلاغه، ج۶، ص ۹۰.

۴- ذاریات: ۵۶.

۵- خسرو باقری، چیستی تربیت دینی، صص ۶۴ ـ ۱۳۶.

۶- سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج۱۱، ص۳۲۷.

ای پیغمبر با کافران و منافقان جهاد و مبارزه کن و بر آنها بسیار سخت گیر. مسکن و مأوای آنها دوزخ است که بسیار منزلگاهی بد (و دردناک) خواهد بود.

وَ قَاتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِیعٌ عَلِیمٌ. (بقره: ۲۴۴)

جهاد کنید در راه خدا و بدانید که خدا به گفتار و کردار خلق شنوا و داناست.

إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَالَّذِینَ هاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أُولَئِکَ یرْجُونَ رَحْمَه اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ. (بقره: ۲۱۸)

آنان که به دین اسلام گرویدند و از وطن خود هجرت نموده و در راه خدا جهاد کردند ایشان امیدوار و منتظر رحمت خدا باشند که خدا بر آنها بخشاینده و مهربان است.

وَ مَا لَکُمْ لا تُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِینَ یقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْیهِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْکَ نَصِیرًا. (نساء: ۷۵)

چرا در راه خدا جهاد نمی کنید در صورتی که جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک شما که در مکه اسیر ظلم کفارند. آنها دائم می گویند بار خدایا ما را از این شهری که مردمش ستمکارن بیرون آور و از جانب خود برای ما بیچارگان نگهدار و یاوری فرست.

یا أَیهَا النَّبِی حَرِّضِ الْمُؤْمِنِینَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ یکُنْ مِنْکُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ یغْلِبُوا مِائَتَینِ وَإِنْ یکُنْ مِنْکُمْ مِائَهٌ یغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِینَ کَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا یفْقَهُونَ. (انفال: ۶۵)

ای رسول، مؤمنان را بر جنگ ترغیب کن که اگر بیست نفر از شما صبور و پایدار باشید بر دویست نفر از دشمنان غالب خواهد شد و اگر صد نفر بوده بر هزار نفر از کافران غالب خواهید شد؛ زیرا آنها گروهی بی دانش اند و شما با دین و دانش اید.

امام علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه، مسلمانان را به جهاد با مال و جان و زبان تشویق می کند و می فرماید: «اللهَ اللهُ فِی الجِهْادِ بِأموالِکم وَ أنفُسِکم وَاَلْسِنَتِکُمْ فی سَبیلِ اللهِ».(۱)

در منابع و متون دینی برای تشویق مسلمانان به جهاد و پاداش این عمل، فضیلت های فراوانی بیان شده است:

فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِینَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَی الْقَاعِدِینَ دَرَجَهً وَکُلا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَی وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدِینَ عَلَی الْقَاعِدِینَ أَجْرًا عَظِیمًا. (نساء: ۹۵)

خداوند، جهادکنندگان را بر غیر جهادکنندگان برتری داد؛ مؤمنانی که بدون هیچ عذری از جنگ فرومی نشینند، هرگز با مجاهدان برابر نیستند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر مسلمانی یک روز در میدانی از میدان های جهاد پایداری کند، برایش بهتر از چهل سال عبادت کردن است.»(۲) یا فرمود: «نمازی که مرد با شمشیر حمایل شده بخواند، هفتصد بار برتر از نمازی است که بدون حمایل کردن شمشیر بخواند».(۳)

آن حضرت در فضیلت مرزبانی فرموده است: «رباطُ یوْمٍ خیرٌ من صِیامِ شَهْرٍ و قیامِهِ؛ یک روز مرزداری بهتر از یک ماه روزه داری و شب زنده داری است.»(۴) و «اِنَّ صَّلاهَ المُرابِطِ تَعدِلُ خَمْسَمأئَه صَلاهٍ؛ نماز مرزدار با پانصد نماز برابری می کند».(۵)

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص۸۳۵.

۳- کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، ص۱۰۷۹۱.

۴- کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، ص۱۰۵۰۸.

۵- کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، ص۱۰۷۱۴.

امام علی علیه السلام نیز فرمود: «اَلمُجاهدین تُفتحُ لَهم أبوابُ السَّماءِ؛ درهای آسمان برای جهادگران گشوده می شود». (۱)

ج) افزایش انسجام ملی و فرهنگی جامعه

ج) افزایش انسجام ملی و فرهنگی جامعه

در روزهای آغازین جنگ تحمیلی و به واسطه اغتشاش ها در شهرهای ایران و نیز ناآگاهی عمومی، این تصور به وجود آمده بود که ملت ایرانی انسجام ملی و فرهنگی و روانی ندارند و از مشارکت اجتماعی بی بهره اند، ولی مشارکت همه جانبه مردم در بیرون راندن دشمن از خاک میهن اسلامی، همکاری در کارها، حفظ وحدت ملی در رویارویی با ستیزه ها و تعارض ها، کمک های جانی و مالی در حمایت از رزمندگان اسلام، همه از انسجام ملی و روانی و فرهنگی همه ایرانیان، با هر دین و قومی حکایت داشت و عملکرد مردم ایران در جنگ، نمایش ملتی منسجم و دارای مشترکات فرهنگی فراوان است. (۲)

د) شکل گیری خرده فرهنگ

د) شکل گیری خرده فرهنگ

گروه های محلی مانند مردم یک ناحیه، گروه های خویشاوندی، اقلیت های مذهبی و بالاخره هر قشر از جامعه، فرهنگ کوچک ویژه ای دارند که در چارچوب گروه اجتماعی خاصشان مطرح است و به طور کلی، طبیعت و شکل اختصاصی و بومی و محلی دارد. این فرهنگ که در عین حال با فرهنگ کل جامعه هماهنگی دارد و از آن پیروی می کند، خرده فرهنگ نام دارد. (۳)

۱- میزان الحکمه، ج۲، ص۸۳۶.

۲- داوود معنوی پور، بررسی اثرات فرهنگی اجتماعی آزادی خرمشهر، برگرفته از: سایت www.farhange isar.com.

۳- داوود معنوی پور، بررسی اثرات فرهنگی اجتماعی آزادی خرمشهر، برگرفته از: سایت www.farhange isar.com.

ایثار و شهادت

ایثار و شهادت

ایثار و شـهادت، سـنتی است که تا زمین از لوث وجود ظالمان محو نشود، ادامه دارد. کیست که نداند روحیه ایثار و شـهادت، پس از شـهادت حسین علیه السلام و یاران نینوایی اش در کالبد جامعه دمیده شده و انقلاب ما به رهبری امام خمینی رحمه الله از فرهنگ عاشورا الگو گرفته است. ایثارگران نیز با همت بلنـد و روحیه شـهادت طلبی و با پیشانی بند شـهادت، ره میدان رزم در پیش می گرفتند.

نهـادینه شـدن فرهنـگ ایثار و شـهادت در جامعه، تـدبیر نیروهای سیاسـی و نظامی را افزون می کنـد، از فقر اقتصادی و نوسان اقتصادی می کاهـد و بحران های اجتماعی را کنترل می کنـد و کاهش می دهد. جوامع ایثارگر به خودی خود قدرتی خواهند داشت که دیگر جوامع از آن محروم خواهنـد بـود. کشورهـای صـاحب فرهنـگ ایثـار و شـهادت را نمی توان محو کرد؛ زیرا شهـادت طلبی و ایثارگری هویت ساز است. نکته ای که بایـد به آن توجه کرد، این است که اگر کشور و ملتی دارای هویت و فرهنگی منسجم و قوی باشد، دیگر کشورها را نیز تحت تأثیر فرهنگ خود قرار خواهد داد. فرهنگ ایثار و شهادت با زیبایی و تطابقی که با فطرت الهی انسان دارد، می توانـد از منابع مطمئن در رقابت های فرهنگی امروز دنیا باشد؛ زیرا در بازار تعاملات و تهاجم فرهنگی امروز دنیا، هر یک از بازیگران با ابزارهای طراحی شده و قدرتمند خود وارد کارزار می شوند. اینجاست که فرهنـگ ایثـارگری، هم می توانـد مـدافع باشـد و هم مهـاجم؛ چـون همه منبع خوبی برای تبـادل فرهنگی است و هم بر هویت فرهنگی جامعه اثر می گذارد.

در عرصه جهـانی سازی، اسـتعمارگران فرهنگی هویت انسـان ها را می گیرنـد و انسان های بی هویت، بازیچه دست آنها می شوند. ازاین رو، حفظ فرهنگ

ایثار و شهادت و پی آمدهای آن برای شکوفا کردن فطرت پاک انسانی و رسیدن به کرامت انسانی، ضروری است. در این راستا می توانیم به جوانانی که در این زمینه رغبتی دارند، اعتماد کنیم و اطلاعات درست و ابزار مناسب برای بازشناسی فرهنگ شهادت طلبی را در اختیار آنها قرار دهیم که شهدا مظهر اقتدار کشورند.

فصل چهارم: آسیب شناسی و مانع شناسی فرهنگ ایثار

اشاره

فصل چهارم: آسیب شناسی و مانع شناسی فرهنگ ایثار

زیر فصل ها

آسیب شناسی ایثار

اشاره

آسیب شناسی ایثار

اگر بخواهیم به موانع عرضه و اجرای فرهنگ ایثار در جامعه نظری داشته باشیم، باید به عواملی گوناگون توجه کنیم که هر کدام می تواند در مقام تعارض و تقابل با فرهنگ ایثارگری قرار گیرد.

الف) فرهنگ های معارض با فرهنگ ایثار

الف) فرهنگ های معارض با فرهنگ ایثار

فرهنگ غربی و عقاید و مکاتب برخاسته از فرهنگ مادی گرا و شیطان گرای غرب، انسان را از خداجویی و حق محوری، به سوی اومانیسم خودخواهی و لذت طلبی سوق می دهد. این فرهنگ، با پایین آوردن سطح دیانت و پاکی انسان، فرهنگ ایثارگری را نیز نابود می کند و قوانین مبتنی بر این فرهنگ برای ایثار راهی نمی گذارد. مکتب و فرهنگ غرب، همه انسان ها را دزد فرض می کند و با آنها چون مجرمی تبه کار برخورد می کند. در این نظام، به جای حل سریع مشکلات افراد با

ایثارگری، گرفتن وامی معمولی، در پروسه ای اداری، ماه ها فرد را معطل می کند، خروارها مَن کاغذ و چک و صدها امضا و سفته به عنوان ضمانت از او می گیرد و با توجیهات شرعی،

سودهـای حرام یـا شـبهه نـاک بر آن می افزایـد. به این ترتیب، صـفای نفس انسان ذبـح می شود و اعتماد در جامعه از بین می رود. در چنین شرایطی، انسان رفته رفته متناسب با این قوانین شکل، و از ایثار و احسان و انفاق، فاصله می گیرد. اعضای جامعه به جـای گردش پـول اضـافی در گردونه قرض الحسـنه و ایثـار، پـول را در بانـک هـا می خواباننـد تـا سـود ببرنـد و در مقـابل نیازمندان به راحتی می گویند: ندارم! این فرهنگ، زاییده فرهنگ های نفوذی است و اسلامی نیست.

ب) ترویج فرهنگ مبتذل غربی

ب) ترویج فرهنگ مبتذل غربی

ابتذال از لذت جویی نفسانی سرچشـمه می گیرد و اگر کسی در پی لذت خودنمایی نباشد، با حالتی نامتعارف و نامعمول یا آ راسـته به زیورهـای چشم گیر ظـاهر نمی شود و از خود تعریف نمی کنـد. این فرهنگ که از غرب و گروه ها و علوم مرتبط با آن به فرهنگ ما راه یافت، انسان را از وادی معنویت و بندگی خداوند خارج کرد و به وادی مادیات و نفس کشاند.

زنی که تمام هـدف او جلوه گری است، چگونه می توانـد ایثار کند و لباس خود را به نیازمندی ببخشد؟ او از فقیر ندزدد، هنر کرده است و اگر هزار فقیر سـیر شوند، او هرگز سیر نخواهد شد؛ زیرا به درد تنوع طلبی گرفتار شده است که عطشی جاوید و فقری همیشگی است. در این مرض، سیری معنا ندارد.

پسـری که به مرض خودنمـایی مبتلاـست و هر روز ماشـین و آرایش و لبـاس گران بهـای خود را عوض می کنـد، چگونه می توانـد به ایثار بیندیشـد؟ او همیشه گرفتار خودش است و فرد خودخواه نمی تواند از نمادها و نمودهای دنیوی که قرآن آنها را «زهره الحیاه الدنیا» نامیده است، دست بردارد و به دیگران ببخشد.

ازاین رو، فرهنگ ابتذال، افراد را در لـذات نفسانی فرو می برد. انسان غرق شـده در لذت نفس نمی تواند از داشـته های خود دل بکنـد و به دیگری ببخشـد. آنهـا حتی حقوق واجب الهی را نمی پردازنـد و از مـال اضـافی خود نیز احسان نمی کننـد؛ چه رسـد به ایثار آنچه نیاز دارنـد. اگر چنین افرادی ایثار کننـد، به قصـد تقرب به خـدا نیست، بلکه در این کار قصد مادی و طمع ذلت آوری دارند.

ج) ترویج افکار معارض با نوع دوستی

ج) ترویج افکار معارض با نوع دوستی

افکاری مانند اومانیسم که در حقیقت انسان خدایی است، انسان در جای خدا قرار می گیرد و محور همه چیز می شود نه اینکه فقط محور باشـد انسان خـدا می شود. نه انسان محوری، انسان را به جای خـدا می نشانـد و در رأس همه امور قرار می گیرد و محور می شود. در مکتب اومانیسم، انسان برای خودش زنـدگی می کنـد، نه برای خـدایی که نیست و اگر هم خـدایی باشـد، محور نیست!

ناسـیونالیسم یـا وطـن پرسـتی و قـبیله و حزب و گروه گرایی نیز انسـان را بـه گـونه ای تربیت می کنـد که فقـط به منـافع خـود بیندیشـند و فقط گروه خود را حق بداند و از آن حمایت کند. این گرایش پست، انسان را از گرایش های عالی و خداپسـندانه جـدا می کنـد؛ زیرا وقتی حق در قبیله مخـالف او باشـد و اگر شـرف بـا ملیت و قومیت و کشوری دیگر باشـد، این حس مـانع پـذیرش حق خواهـد بود. چنین فردی نمی تواند برای خدا ایثار کند. او باید این حس ناسـیونالیستی را در خود بکشد تا حقایق را زلال ببیند و بتواند به نفع گروه حق از منافع خود دست بردارد. افکار فمینیستی و زن محوری و در مقابل آن

مردمحوری نیز با محور قرار دادن جنسیت انسان ها، بشر را به سوی انواع خودمحوری ها به جای خدامحوری هدایت می کند و به جای روحیه ایثار، روحیه دعوا و قانون جنگل را بر جوامع حاکم می سازد.

د) تمسخر و تحقیر فرهنگ ایثار

د) تمسخر و تحقیر فرهنگ ایثار

تحقیر و تمسخر و طعنه زدن و سرزنش کردن، از اثرگذارترین راه های روانی برای بایکوت کردن است. این عوامل بسیار قوی هستند و جز اهل یقین نمی توانند به راحتی در مقابل آنها دوام بیاورند. آنان به دلیل نهراسیدن از دشمنان و از سرزنش سرزنشگران در آیات و روایت که نمونه هایی در ذیل متن ذکر شد، ستوده شده اند.

ه) تهدید فرهنگ ایثار و شهادت از سوی دشمنان

ه) تهدید فرهنگ ایثار و شهادت از سوی دشمنان

ماهیت فرهنگ اسلام که برگرفته از قرآن و سنت است، زوال ناپذیر است؛ زیرا مطابق سرشت و فطرت آدمی است، اما گاه دشمنان دین و افراد ناآگاه با ایجاد موانعی بر سر راه گسترش این فضیلت ها از جمله فضیلت ایثار و شهادت، آنها را تهدید می کنند.

موانع ترویج فرهنگ ایثار

اشاره

موانع ترویج فرهنگ ایثار

زیر فصل ها

الف) تهاجم فرهنگی برنامه ریزی شده و درازمدت

ب) دنیاپرستی و ایجاد جاذبه های مادی

ج) مذهب علیه مذهب

د) تکلیف گریزی

ه) روی گردانی از یاد خدا[۱]

و) احساس جامعه مبنی بر تبعیض نادرست

ز) حفظ نکردن آثار در جامعه

ح) استحاله فرهنگی جامعه بر اثر فشارهای اجتماعی

ط) تبلیغات علیه فرهنگ با ابزارهای گوناگون

ی) عدم آگاهی نسل جدید

ک) ناهماهنگی متولیان فرهنگ ایثار

ل) تفاوت عقاید اجتماعی و علم جامعه شناسی

م) غفلت از روش علمی در حوزه فرهنگ ایثارگری

ن) موانع ناشی از مشخصات فرهنگ

الف) تهاجم فرهنگی برنامه ریزی شده و درازمدت

الف) تهاجم فرهنگی برنامه ریزی شده و درازمدت

از موانع مهم گسترش فرهنگ ایثار و شهادت، پیدایش زمینه های پذیرش و رسوخ فرهنگ الگوهای بیگانه در بین مردم، به ویژه جوانان است.

همواره اهل باطل در مقابل حامیان فرهنگ اصیل و انسانی و ملی، جبهه گرفته و به آن هجمه آورده اند. سرپیچی از ارزش ها و ایجاد موانع در راه پاک

۱-

بودن و سلامت جامعه اسلامی، از شگردهای همیشگی استعمارگران، کافران و دشمنان اسلام است.

ب) دنیاپرستی و ایجاد جاذبه های مادی

ب) دنیاپرستی و ایجاد جاذبه های مادی

کسی که مادیات را سرلوحه اول و آخر و دنیا و آخرتش قرار می دهد، ایثار برایش جایگاهی ندارد او فقط می خواهد خودش نفع ببرد.

ج) مذهب علیه مذهب

ج) مذهب علیه مذهب

هرگاه عقیده و گرایش گروهی علیه عقیده و گرایش گروهی دیگر و مکتبی دیگر بپامی خیزد و هر کدام درصدد به کرسی نشاندن اعتقادات و افکار خود باشند و هیچ کدام حاضر نباشند درستی یک مکتب و باطل بودن دیگر مکاتب را قبول کنند و همه در پی دستیابی به سود خویش اند، هیچ کس حاضر نیست ایثار و گذشت داشته باشد و همین مانع ترویج فرهنگ ایثار می تواند باشد.

د) تکلیف گریزی

د) تکلیف گریزی

افرادی که حتی از تکالیفی که برعهده شان گذاشته شده شانه خالی می کنند چه طور می توانند به فکر انجام تکلیف دیگری که بایدی در کار نیست، باشند، اینها افرادی وظیفه ناشناس هستند و به هیچ وجه زیر بار تکلیف یا احسان و لطف یا ایثار برای کسی نمی روند و یکی از موانع ترویج ایثار و انجام ایثار می باشد.

ه) روی گردانی از یاد خدا

ه) روی گردانی از یاد خدا(۱)

فرهنگ ایثار، ویژه جامعه اسلامی ما نیست؛ بلکه در هر کشوری، نمادهای ایثارگری وجود دارد و به دنبال آن، مجموعه ای از ارزش های وابسته به آن

۱- زهرا مهدی زاده، «مبانی دینی فرهنگ ایثار و شهادت»، مجموعه مقالات فرهنگ ایثار و شهادت، ص۲۸۲.

نمادهـا نیز یافت می شود. آنچه فرهنگ ایثارگری جوامع مختلف را از دیگر جوامع متفاوت می سازد، دینی و ملی بودن است. در جامعه ما، فرهنگ ایثارگری به شـدت تحت تأثیر آموزه های دینی، مروجان دین و جان باختگان ترویج دین است. از سوی دیگر، از آنجـا که ارزش های دینی، تعلق مکانی و زمانی یافته، همواره در کنار دین، عناصـر ملی هم فرهنگ ساز شـده است؛ به گـونه ای که به همه افراد جـامعه، وحـدت و هویـتی متحدالشـکل می دهـد.(۱) هـویت دینی و ملی، دو زیرسـاخت اساسـی فرهنگ ایثارگری در ایران است. البته بایـد یادآور شد که این دو رکن، اساسـی ترین و پایدارترین ارکان فرهنگ نیز به شـمار می آید. به همان اندازه که دینی و ملی بودن در ایجاد فرهنگ ایثارگری مهم و مثبت است، به همان اندازه هم غیر دینی و غیر ملی بودن برای اشاعه و تداوم فرهنگ ایثارگری، ویرانگر است.

و) احساس جامعه مبنی بر تبعیض نادرست

و) احساس جامعه مبنی بر تبعیض نادرست

مردم در سازمـان ها یا نهادها و دسـتگاه های اجرایی، در زمینه تکریم یا اعطای امتیازها، احساس نوعی تبعیض می کننـد و این احساس را به گونه ای به جامعه ایثارگران مرتبط می دانند که بر اساس قانون در برخی خدمات عمومی، امتیازی برای این قشر قائـل است. این احساس تا انـدازه ای رشـد می کنـد که به تنفر و حتی موضع گیری های منفی عـده ای می انجامـد. این عـده، موانع رشـد و پیشـرفت و توفیق خود را در عرصه هـای اجتمـاعی، وجود ایثـارگران می داننـد. ازاین رو، به موضع گیری هـای نامعقول و گاه خصمانه علیه ایثارگران روی می آورند.(۲)

۱- www.hamandishiazadegan.ir

۲- www.hamandishiazadegan.ir

ز) حفظ نکردن آثار در جامعه

ز) حفظ نکردن آثار در جامعه

در هر جامعه ای، آثار به جا مانده از گذشته می تواند برای حال و آینده جامعه استفاده شود. تداعی این آثار موجب تذکر به کسانی می شود که از زحمات گذشتگان خود استفاده می کنند و برای آنان نشانه است. چنان که آثار به یاد ماندنی از ایران باستان، ما را به ایران کهن آشنا می سازد. بی توجهی به آثار زمان انقلاب و هشت سال دفاع مقدس، خسارت هایی برای جامعه به بار خواهد آورد و می تواند سبب استحاله فرهنگی و تاریخی گذشته ملت گردد و به فراموشی باورهای گران بار ارزشی بینجامد.(۱)

ح) استحاله فرهنگی جامعه بر اثر فشارهای اجتماعی

ح) استحاله فرهنگی جامعه بر اثر فشارهای اجتماعی

زندگی افراد هر جامعه بر اساس چینش طبقاتی و سطح اقتصادی آنان است و فرهنگ هر جامعه، بر باورها و اعتقادات جامعه بنا شده است. انسان ها در زندگی اجتماعی و فردی، با مشکلاتی چون درآمد نامناسب و وضع بد مالی مواجه می شوند. در این شرایط، آنها برای ادامه حیات، آگاهانه یا ناآگاهانه از باور خود دست برمی دارند و بر اثر فشار اجتماعی، به سمت انحراف و ضد ارزش سوق می یابند و از راه های نامتعارف تأمین معاش می کنند. تکرار این روش به مرور زمان، به باورهای روزمره آنان تبدیل می شود و به باورهای اساسی آنان تسری می یابد و جای گزین باورهای گذشته می گردد.(۲)

ط) تبلیغات علیه فرهنگ با ابزارهای گوناگون

ط) تبلیغات علیه فرهنگ با ابزارهای گوناگون

در عصر فن آوری اطلاعات، تبلیغات به گونه ای گسترده در دسترس همگان است؛ به گونه ای که انتخاب را از مردم می گیرد و هر روز باور و رفتاری

۱- زهرا مهدی زاده، «مبانی دینی فرهنگ ایثار و شهادت»، مجموعه مقالات فرهنگ ایثار و شهادت، ص۱۳۸.

۲- زهرا مهدی زاده، «مبانی دینی فرهنگ ایثار و شهادت»، مجموعه مقالات فرهنگ ایثار و شهادت، ص۱۳۹.

جدید به مخاطبان خود تلقین می کند و دموکراسی و آزاداندیشی را از آنان می گیرد. امروزه از راه ها و با امکانات مختلف، از تبلیغات برای ترویج ضد ارزش ها در جامعه بهره برداری می شود. در این شیوه، هم با استفاده از ابزارها و امکانات درون کشور و هم به صورت وسیع تر با امکانات و ابزار و تکنولوژی خارج از کشور، فرهنگ های جای گزین معرفی می شود و سبب نابودی فرهنگ و استحاله فرهنگی در مردم می گردد.(۱)

ی) عدم آگاهی نسل جدید

ی) عدم آگاهی نسل جدید

هرچه بیشتر از نظر زمانی، از حماسه دوران دفاع مقدس در جمهوری اسلامی ایران فاصله می گیریم، نسل هایی که جنگ را ندیده اند، کمتر می توانند وقایع و اتفاقات آن زمان را درک کنند. ناآگاهی این قشر از جامعه که آینده سازان و آینده داران جامعه هستند، فاصله جامعه کنونی را با آن جامعه ایثارگر، بیشتر می کند.

ک) ناهماهنگی متولیان فرهنگ ایثار

ک) ناهماهنگی متولیان فرهنگ ایثار

کار فرهنگی در جامعه بسیار مشکل است و از عهده یک نهاد برنمی آید. بنابراین، برای اثرگذاری بیشتر، همه نهادها وظیفه برنامه ریزی و اجرای آن در عرصه فرهنگ جامعه را بر عهده می گیرند. معمولاً ـ این نهادها، به دلیل استقلالشان، دچار ناهماهنگی می شوند و در نتیجه، کار هر یک از آنها در جامعه اثر مطلوب و کافی را نخواهد داشت. چنان که گاه برنامه نهادی در مقابل برنامه نهاد دیگری قرار می گیرد و هر یک اثر منفی بر دیگری می نهد.(۲)

۱- زهرا مهدی زاده، «مبانی دینی فرهنگ ایثار و شهادت»، مجموعه مقالات فرهنگ ایثار و شهادت، ص۱۳۹.

۲- حمیدعلی صمیمی، «مردم، فرهنگ ایثار و شهادت»، مجموعه مقالات همایش ایثار و شهادت، ص۱۳۹.

ل) تفاوت عقاید اجتماعی و علم جامعه شناسی

ل) تفاوت عقاید اجتماعی و علم جامعه شناسی

مجموعه آرا و اندیشه ها درباره اجتماع و عوامل و نهادهای آن را عقایـد اجتماعی می نامند. نظر به اینکه جامعه شناسـی، علم اسـت و هر علـم، داده هـای خـود را بـا روش علمی به دست می آورد، آنچه از راه علمی و تحقیـق و بررسـی در زمینه جـامعه شناسـی به دست آمـده باشـد، در زمره علم جامعه شناسـی قرار می گیرد، و آنچه بـدون تحقیق بیان شده باشد، در زمره عقاید اجتمـاعی است. فرهنـگ یکی از حوزه های مهم جامعه شناسـی است. در جامعه شناسـی به عنوان یک علم، عقایـدی در مورد فرهنـگ بیـان نمی شود؛ بلکه بر اساس گردآوری داده های عینی، سازوکارهای فرهنگی مشـخص می گردد و قانون حاکم بر آنها کشف و سپس تقویت یا کم رنگ می شوند.(۱)

امروز در کشور ما با وجود اهمیت بسـیار بالای فرهنگ ایثارگری و شـهادت، فقط عقایـدی در این زمینه بیان شده است. بحث بر سـر این است که این عقاید، درست یا نادرست، عقاید شخصی اند و در صورتی که به آزمایش گذاشته شوند و تطابق آنها با قاعده عمومیت و اکثریت روشن شود، جزو حوزه جامعه شناسی قرار می گیرند.

م) غفلت از روش علمی در حوزه فرهنگ ایثارگری

م) غفلت از روش علمی در حوزه فرهنگ ایثارگری

اسـتفاده نکردن از روش علمی، مهم ترین مـانع در ترویـج فرهنـگ ایثـارگری دانسـته شـده است. از آنجا که اطلاعات موجود درباره فرهنگ ایثارگری و شـهادت، بر اساس داده های عینی به دست آمـده است و روشـی علمی نیست، ترویج آن نیز با این روش چندان کارساز نخواهد بود.

۱- محمد بوداغی جنتی، برگرفته از سایت: نوید شاهد www.naveid shahed.com

به دنبـال آن، دربـاره موانع فرهنگی بحث می شود. فرهنگ علاوه بر اینکه بر سـر موانع دیگر سایه انـداخته است، به تنهایی نیز دربـاره آن بحث می شود. عوامل دیگری که بر فرهنگ اثر گذارنـد، با عنوان موانع سیاسـی، اقتصادی و اجتماعی، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

ن) موانع ناشی از مشخصات فرهنگ

اشاره

ن) موانع ناشی از مشخصات فرهنگ

برخی مشخصات فرهنگ، در عین حال که می تواند به ابقای فرهنگ کمک کند، ممکن است در مقابل فرهنگی شدن عوامل جدید هم مقاومت کند. برخی از این مشخصات عبارتند از:

یک ـ ارگانیک و فرا ارگانیک بودن فرهنگ

یک ـ ارگانیک و فرا ارگانیک بودن فرهنگ

فرهنـگ ارگانیـک بـدین معنـاست که فرهنـگ به مردم وابسـته است و بـدون آنهـا معنـا نـدارد. بنابراین، عاملی فرهنگی چون ایثارگری و شـهادت، بدون مردم نمی تواند وجود داشته باشد. فرهنگ، فرا ارگانیک بدین معنا است که به نسلی وابسته نیست و فراتر از نسل هاست و طی نسل های متمادی شـکل می گیرد. ازاین رو، ایثارگری و شـهادت را نمی توان در مـدتی کوتاه به صورت فرهنگ درآورد.

دو ـ گوناگونی فرهنگی

دو ـ گوناگونی فرهنگی

گوناگونی فرهنگ در ایران، یکی از موانع عمده برای گسترش و تعمیق فرهنگ ایثارگری و شهادت به ویژه به شیوه شیعی آن است. فرهنگ ملی، فرهنگ مـذهبی، خرده فرهنگ های قومی، جغرافیایی، زبانی و نژادی که در ایران وجود دارد، به گونه ای عمل می کند که نمی توان ایثارگری و شهادت را به طور یکسان به صورت فرهنگ در آورد. بین فرهنگ ملی و مذهبی تمایز وجود دارد.

سه ـ هم نوایی

سه ـ هم نوایی

هم نوایی فرهنگی بدین معناست که فرد، رفتاری همانند رفتار فرهنگ غالب انجام دهد. نشان دادن رفتار هم نوا، همیشه بازتاب پذیرش واقعی یک موضوع نیست. ممکن است فرد با عقاید گروه هم نوایی کند، بدون اینکه به درستی آنها معتقد باشد.(۱)

درباره ایثارگری و شهادت، در صورتی که بخواهیم از شیوه های هم نواسازی استفاده کنیم، موفق به تعمیق و فرهنگ ساختن ایثار و شهادت نخواهیم شد. به دلیل عنصر آگاهی که باید در ایثارگری و شهادت وجود داشته باشد، فرد ممکن است دیدگاهی متفاوت با دیدگاه رسمی داشته باشد. در نتیجه، به کلی هم نوا نشود و یا بدتر از آن به ضدیت با رفتار هم نوا بپردازد.

نتایج ترویج نشدن فرهنگ ایثار و شهادت

نتایج ترویج نشدن فرهنگ ایثار و شهادت

۱. جای گزین شدن فرهنگ تن پروری و بی مبالاتی: جامعه ای که مردم آن برای رهایی از خطرها و تهدیدها، چشم انتظار حرکت دیگرانند، گرفتار فرهنگ شوم تن پروری و بی مبالاتی می شوند. جامعه ای که شهیدپرور نباشد، ناگزیر می شود زیر بار ذلت سلطه کسانی برود که از مرگ نمی هراسند یا از شهادت باکی ندارند.

۲. ایجاد فضای ترس و ناامنی: جامعه ای که برای دفاع از حریم دین و ناموس، جوانانی ندارد که مرگ را زندگی دوباره بدانند، در ترس و ناامنی به سر می برد. در برابر ستم و تجاوز، همه باید برای دفاع از آرمان های خود به

۱- همایش ملی ایثار و شهادت و توسعه کشور، ص ۲۲۰.

پا خیزند، نه آنکه چشم انتظار حرکت شهادت طلبانه عده ای مخلص بنشینند. در چنین فضایی است که همه احساس آسودگی می کنند.

۳. گسترش فرهنگ ذلت پذیری و حقارت طلبی: نتیجه ترویج فرهنگ رخوت و تن پروری، رواج بی اعتمادی و بی مسئولیتی در جامعه است. گریز از جهاد، برابر با ذلت پذیری و حقارت طلبی است.(۱)

زمینه های مؤثر بر ترویج فرهنگ ایثار

اشاره

زمینه های مؤثر بر ترویج فرهنگ ایثار

زیر فصل ها

الف) زمینه های فرهنگی مؤثر بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

ب) زمینه های اقتصادی اثرگذار بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

ج) زمینه های بین المللی اثرگذار بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

الف) زمینه های فرهنگی مؤثر بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

الف) زمینه های فرهنگی مؤثر بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

فرهنگ به عنوان مجموعه باورها و امکانات مادی که قابلیت انتقال از نسلی به نسل دیگر را دارد، می تواند برای بروز پدیده ای بسترهایی به وجود آورد. در ادامه به نمونه هایی اشاره خواهد شد که نقش و عملکرد ترویج ایثار و شهادت را در جامعه مخدوش می سازد:

ـ احساس تمایز و تفاوت بین خانواده شهدا و مردم عادی، به ویژه در زمینه تحصیل و اشتغال؛

ـ این تصور که اهداف شهدا در جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی، تحقق نیافته است؛

ـ به رسمیت شناختن برتری فرهنگ رابطه بر ضابطه؛

ـ بیماری تاریخی قانون گریزی، از خودخواهی و خودمحوری سرچشمه گرفته و در تقابل با فرهنگ ایثار شهداست؛

ـ عادی شدن سیاسی کاری، جناح بندی و قومیت مداری که عرصه را بر منطق خواهی و حق محوری و ایثار تنگ می کند؛

۱- همایش ملی ایثار و شهادت و توسعه کشور، ص۲۲۴.

ـ به رسمیت شناختن تنازع بقا در عرصه تجارت و بازرگانی و در حوزه سیاست که عرصه را برای خودمحوری ها و خودخواهی ها فراهم می کند و برخلاف روحیه آزادمنشانه و ازخودگذشتگی شهداست؛

ـ حضور فرهنگ ریا و تملق که در واقع در راستای حفظ چشمداشت های فردی است.(۱)

ب) زمینه های اقتصادی اثرگذار بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

ب) زمینه های اقتصادی اثرگذار بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

ـ پدیده رانت اقتصادی که به نوعی تفاوت داشتن شهروندان را تداعی می کند و البته منافی فرهنگ ازخودگذشتگی و در نظر گرفتن منافع جمع است؛

ـ نداشتن امنیت شغلی که زیردستان را به تملق، چاپلوسی و محافظه کاری هدایت می کند و این موضوع، خارج از رمز حُریت و آزادمنشی ایثارگران و شهداست؛

ـ برتری دارایی بر دانایی که سبب تضعیف ارزش های اخلاقی و انسانی می شود و بالا بودن شأن دارایان بر دانایان، عرصه را برای سودجویی و خودمحوری آماده می سازد؛

ـ تورم بسیار بالا و وضعیت معیشتی أسف بار اکثریت جامعه یا زندگی بسیار مرفه برخی افراد، علاوه بر ایجاد فاصله طبقاتی شدید، در عمل در تضاد با اهداف شهداست. پی آمد تداوم چنین وضعیت اقتصادی، کم رنگ شدن ارزش ها و تباهی اخلاق است؛ چرا که انسان گرسنه ایمان ندارد؛ چه رسد به آنکه شأن و قداست شهدا را پاسداری کند.

۱- حسن حسینی، «نقش دانشگاهیان در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت»، مجموعه مقالات فرصت ها و چالش های فراروی گسترش فرهنگ ایثار و شهادت، ص۷۸.

ج) زمینه های بین المللی اثرگذار بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

اشاره

ج) زمینه های بین المللی اثرگذار بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

زیر فصل ها

یک ـ جهانی شدن

دو ـ گسترش رسانه های ارتباطی

یک ـ جهانی شدن

یک ـ جهانی شدن

فرآیند جهانی شدن، همه حوزه های زندگی فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد و کشمکش های اقتصادی در کنار انگیزه های پیشرفت جایگاه اقتصادی، در اولویت اهداف جوامع قرار می گیرد و به تبع آن روح و جوهره ایثار و شهادت کم فروغ می گردد.

دو ـ گسترش رسانه های ارتباطی

دو ـ گسترش رسانه های ارتباطی

گسترش شبکه های اطلاع رسانی و ماهواره ای و ارتباطی و سرعت انتقال اطلاعات در جوامع، استحاله فرهنگی و تغییر ارزش ها و هنجارهای اجتماعی را ممکن می سازد. به تبع این تغییر فرهنگی، هم زمان با افزایش عقلانیت مادی گرا، پدیده شک و تردید، مفاهیمی را هم به چالش می کشاند که در این مورد، فرهنگ ایثار و ازخودگذشتگی و نهایت آن فلسفه شهادت هم کم رنگ می گردد.(۱)

کارکردهای فرهنگ ایثار

کارکردهای فرهنگ ایثار

فرهنگ مبتنی بر ایثار، ویژگی ها و دستاوردهای بسیاری دارد که مورد توجه و نیاز فطرت بشر است. مهم ترین ویژگی های افراد ایثارگر را می توان به این شرح برشمرد:

۱. ثبات در قدم و صداقت در عمل: تأثیر متغیرهای مادی بر تصـمیم، عزم و اراده افرادی که ایثار را ارزش می شـمارند، بسـیار ناچیز است. آنها در اوج

۱- محمد نورانی، برگرفته از سایت: فرهنگ و ایثار www.farhang isar.ir

آگاهی و ایمان، به اهـداف متعالی دست می یابند و حاضـرند این اهداف را به ازای نثار برترین سـرمایه های خویش به دسـت آورند یا به تحکیم و تقویت آنها بپردازند.(۱)

۲. ایمان و اعتماد به آینـده: «افرادی که به ایثار به عنوان یک ارزش می نگرنـد، [آینـده] را از آنِ دین خـدا و پیروان راستینش می دانند و از هیچ تلاشی در راه تحقق این آینده محتوم و موعود فروگذار نیستند».(۲)

۳. نگریسـتن به درد بشـریت فراتر از مرزهـای مـادی: افرادی که به ایثـار به عنوان یـک ارزش می نگرنـد، خود را در غم مردم شریک می دانند و مسئولیتی جهانی بر دوش خود احساس می کنند.(۳)

۴. کار کردن برای مردم، در گمنامی و بدون هیاهو، ویژگی تلاش های ایثارگرانه است.

۵. بصـیرت دینی، سیاسـی، اجتماعی و فرهنگی: فراگیر شـدن فرهنگ ایثار در جامعه، زمینه های رشد و رونق بسـیاری دیگر از ارزش هـای اخلاقی و هنجارهای رفتاری را فراهم می کنـد. در سایه چنین فرهنگی است که روحیه تعاون و همکاری، احساس مسـئولیت در قبـال سـرنوشت و معیشت دیگران و تلاـش برای مفیـد بودن برای دیگران، در افراد و آحاد مختلف جامعه، مجال بروز، رشد و تحکیم می یابد. همچنین روحیه قناعت، ساده زیستی و تواضع، در جامعه فراگیر می شود.(۴)

۱- خلیل اسفندیاری، «کارکردیابی و آسیب شناسی فرهنگ ایثار»، نشریه رسالت، ش۱۰، ص۱.

۲- خلیل اسفندیاری، «کارکردیابی و آسیب شناسی فرهنگ ایثار»، نشریه رسالت، ش۱۰، صص ۱ و ۲.

۳- خلیل اسفندیاری، «کارکردیابی و آسیب شناسی فرهنگ ایثار»، نشریه رسالت، ش۱۰، صص ۱ و ۲.

۴- خلیل اسفندیاری، «کارکردیابی و آسیب شناسی فرهنگ ایثار»، نشریه رسالت، ش۱۰، صص ۱ و ۲.

نتیجه پژوهش

نتیجه پژوهش

در این پژوهش، در کنار دیگر اهـداف ذکر شـده در طرح پژوهش، راهکارهای ترویج فرهنگ ایثار و شـهادت را بررسـی و با رویکردی دینی و جامعه شـناختی، مسـئله را واقع بینانه، علمی و همه جانبه تحلیل کردیم. بنابراین، در قالب چارچوبی مشخص و منسـجم، پس از تبیین ضـرورت و اهـداف پژوهش و تشـریح مفهوم ایثـار وگـذشت، به بررسـی مسـائلی همچون مرجع دینی فرهنـگ ایثارطلبی و رابطه آن با ارزش ها و ایـدئولوژی های متعالی و سازنـده، شاخص های ایثار و فضـیلت های آن و چالش های موجود در فرهنگ ایثار و شـهادت پرداختیم. در نهایت، راهکارهایی عملی برای ترویج این فرهنگ در جامعه را پیشـنهاد دادیم و نتیجه گرفتیم با پایان جنگ و انقلاب، نباید شهدا، ایثارگران و فداکاری های آنان فراموش شود؛ زیرا نسل جدید، تنها با خاطرات آنان روبه روست و باید این نسل را با شـهدا و ایثارگران و فرهنگی که به آن پای بند بودند، آشـنا کنیم و ارزش و اهمیت کـار آنها را در جامعه روشن سازیم؛ زیرا جامعه ای که آرمان شـهدا و ایثارگران و جانبازان را به خوبی درک و ترویج کنـد، از کارکردهـای مثبت آن که گسـترش معنـویت در جـامعه، کـاهش فسـاد و ناهنجـاری و در پی آن شـکل گیری محیط انسـانی سـالم و الهی است، بهره خواهـد برد و هیـچ عامل دیگری حتی ثروت هم نخواهـد توانست با آن رقابت کنـد. همه این کارکردهـا در «فرهنـگ ایثـار و شـهادت» متجلی است که می توان از آن به عنوان نگهبـان حقیقی دژ محکم دین و اسـلام نام برد؛ زیرا این فرهنگ به زنـدگی انسان ها معنا می دهـد و آنها را از رخوت و بیگانگی خارج می کنـد. همچنین به آنها هویت دینی می بخشد و در

مسیر الهی مقاوم و پایدار می سازد. تداوم زندگی، در نهایت نیز رفاه، آسایش و امنیت در ابعاد گوناگون را برای هم نوعان به ارمغان می آورد.

خداوند متعال در قرآن کریم، هدف از آفرینش جن و انس را بندگی حق تعالی ذکر فرموده و برای هدایت و رساندن انسان به عالی ترین درجات ممکن، پیامبران را مبعوث کرده است. در این راستا، حضرت محمد صلی الله علیه و آله به عنوان خاتم الانبیا برگزیده شد و قرآن کریم به عنوان دستورالعمل زندگی بشر نازل شد تا انسان به جایگاه واقعی خویش دست یابد.

فرهنگ جهاد و شهادت در ذات دین اسلام و به ویژه تشیع علوی وجود دارد، ولی برای نهادینه کردن این فرهنگ غنی و عزت بخش باید کوشید که آن را به صورت فرهنگ عمومی در جامعه درآورد. برای تحقق این امر مهم، باید به گونه ای اقدام کرد که آثار و پی آمدهای مثبت آنکه بستر انتقال این فرهنگ به نسل های بعدی است، در نزد نسل جوان و نسل حاضر، پذیرفته شود. باید در فرهنگ ایثار و شهادت به جوهره اصلی مفاهیم، یعنی ازخودگذشتگی توجه داشت و در ترویج این فرهنگ، عوامل اثرگذار بر کاهش کارآیی تبلیغات در این حوزه را شناخت. در این راستا، تلاش موجدانه و هدفمند فرهنگ سازان حوزه ایثار و شهادت، باید عینیت بخشی به فلسفه وجودی ایثارگران و شهدا باشد. در فرهنگ قرآنی که فرهنگ زندگی شرافت مندانه در دنیا و سعادت در عالم باقی است، صداقت و شهادت، دارای جایگاه ممتازی است تا انسان از صراط مستقیم منحرف نشود و در مقابل ناملایمات، دشواری ها، ستم ها و... بایستد و مزد خود را از خالق بی همتا دریافت کند.

رواج فرهنگ جهاد و شهادت، استقرار عدل جهانی را در پی خواهد داشت و پی آمد فاصله گرفتن از این فرهنگ، ذلت و گمراهی جوامع و دور ماندن از قافله نور و هدایت است.

امید است بشریت امکان بازگشت به رسالت معنوی و ملکوتی خود را از دست ندهد، بلکه توفیق شناخت و عمل به آن را به دست آورد و از این راه تمام تلاش ها و دانش ها در جهت بهبود جوامع و سعادت واقعی انسان ها استفاده شود و تمدن های بی جان، با روح ایمان جان گیرد و معنای حقیقی زندگی در تمام ابعاد شخصیت انسانی گسترش یابد.

حماسه بزرگ هشت سال دفاع مقدس باید به عنوان میراثی گران سنگ در ذهن ملت ایران باقی، و از آفت تحریف در امان بماند. تنها در این صورت است که آیندگان و کسانی که دوران پرافتخار دفاع مقدس را درک نکرده اند، می توانند این میراث را در منظر دیدگان خویش قرار دهند و از اندوخته های گران بهای آن سود جویند. بدیهی است امروز ملت ما با داشتن مفاخر و دستاوردهای گران بهای دوران دفاع مقدس، در تدوین الگوی فرهنگی، نیازمند دریافت مبانی تئوریک متناسب با تحول از دیگران نیست. بی ایمانی به خدا و قیامت، دنیادوستی و پیروی از شهوت ها، پایه های ایثار را سست می سازد. مسئولان فرهنگی در درجه نخست، موظفند به پیروی از پیامبران، بنیادهای ایمان به خدا و رستاخیز را در مردم مستحکم سازند و آنها را به تلاش بیشتر و آبادانی زندگی دنیوی متوجه کنند. بنابراین، بزرگ ترین آسیب برای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، آسیب های اعتقادی و اقتصادی است. رسیدگی عاقلانه و منطقی به ایثارگران و وابستگان درجه اول آنها، میزان از

جان گذشتگی در راه اسلام را بالاـ می برد؛ زیرا معلول شدن و بی سرپرست ماندن زن و فرزند، یکی از دغدغه ها و دل مشغولی افراد، قبل از ایثار و شهادت است.

از دیگر آسیب های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، تضاد عمل مروجان با سخن آنهاست. بنابراین، لازم است مروجان فرهنگ ایثار و شهادت، خود، ایثارگر و اهل عمل و انسان هایی وارسته باشند و با شناخت مخاطب و متناسب با کشش فکری او سخن گویند. همچنین تبلیغ های دروغ و بزرگ نمایی در عملیات جنگی، مثل پیروز شدن یک نفر بر صد نفر، به شدت بپرهیزند که این کار نه تنها سازنده نیست، بلکه ویرانگر است. امید است که حق تعالی بپذیرد.

ص: ۱۳۷

کتاب نامه

کتاب نامه

الف) کتاب

* قرآن کریم، ترجمه: حسین انصاریان.

* نهج البلاغه، ترجمه: سید رضی و محمد دشتی.

آقاپور، علی، مجموعه مقالات همایش ایثار و شهادت، دبیرخانه شورای نظارت بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، تهران، دفتر عقل، ۱۳۸۴.

________________، ایثار و ماهیت اجتماعی و فرهنگی آن، تهران، دبیرخانه انقلاب به ترویج فرهنگ و ایثار و شهادت، ۱۳۸۵.

ابراهیمیان، فرشید، ایثار و شهادت از نگاه قرآن و سیره نبوی به ویژه مصادیق آن در جامعه، مشهد، دفتر امور شاهد و ایثارگران، بهار ۱۳۸۷.

ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه (جلد ۶)، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار الاحیاء التراث، ۱۳۸۵ه .ق.

احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، قم، مؤسسه دارالحدیث ثقافیه، ۱۴۱۹ه .ق.

احمدی، فریبا، همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، آسیب شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

اشبهی، احمد بن محمد، المستطرف فی کل سنن مستنطرف، بیروت، دار مکتب الهلال، ۲۰۰۱ م.

افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون (جلد ۴)، پدیدآور: محمدحسن لطفی، ترجمه: رضا کاویانی، ناشر: خوارزمی، ۳۴۷ق م، ۱۳۷۸.

انصاریان، حسین، زیبایی های اخلاق، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دارالعرفان، ۱۳۶۴.

انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن (جلد ۱، ۳ و ۵)، تهران، سخن، ۱۳۸۱.

ایران زاده، سلیمان، «ابعاد پرورشی و فرهنگی مورد نیاز در فرآیند ایثار و ازخودگذشتگی»، مجموعه مقالات دبیرخانه شورای نظارت بر ترویج فرهنگ اسلام و تعالیم اسلامی، مجری ناظر: سعید زاهد، سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان فارس، تحقیقات و مطالعات بسیج، ۱۳۸۳.

باقری، خسرو، چیستی تربیت دینی، انتشارات تربیت اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، معاونت پژوهشی، تهران، ۱۳۸۰.

بروجردی، ابراهیم، تفسیر جامع (جلد ۳ و ۴)، تهران، صدرا، ۱۳۴۱.

بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران، کیهان، ۱۳۶۶.

الهی، بهرام، طب روح اخلاق اصیل (مبانی معنویت فطری)، گروه مترجمین، انتشارات جیحون، تهران، ۱۳۷۷.

پارسانیا، حمید، هم اندیشی فرهنگ ایثار و شهادت، قم، دبیرخانه شورای نظارت بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ۱۳۸۳.

پی نکافس، ادموند ال، از مسئله محوری تا فضیلت گرایی، ترجمه و تعلیقات: سید حمیدرضا حسنی و مهدی علی پور، تهران، نقد ونظر، ۱۳۸۵.

پهلوان، چنگیز، فرهنگ و تمدن، تهران، نی، ۱۳۸۸.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: محمدعلی انصاری قمی، بی نا، ۱۳۷۷ ه .ق.

_______________، تصنیف غررالحکم، با مقدمه و تصحیح و تعلیق: جلال الدین حسینی ارموی، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۶۶.

تویسرکانی، عبدالنبی، لئالی الاخبار، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.

جبلی العاملی (شهید ثانی)، زین الدین، الاستبصار، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۳۷۷.

جرجی، جرداق، امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی، ترجمه: سید هادی خسروشاهی، تهران، نشر فراهانی، ۱۳۷۹.

جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات نشست علمی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، با همکاری بنیاد شهید و امور ایثارگران استان قم، قم، بنیاد شهید و امور ایثارگران، ۱۳۷۹.

جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت (جلد ۲)، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.

حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، مکتبت الاسلامیه، ۱۳۶۹.

حسینی، حسن، «نقش دانشگاهیان در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت»، مجموعه مقالات فرصت ها و چالش های فراروی گسترش فرهنگ ایثار و شهادت، کرمانشاه، دانشگاه آزاد کرمانشاه، ۱۳۸۶.

حمیدزاده، رضا، «فرهنگی برای انسان سازی»، مجموعه مقالات ایثار و شهادت، تهران، نقش گستران بهار، ۱۳۸۶.

خاموشی، سید مهدی، نقش ایثار در رشد و تعالی انسان، دبیرخانه شورای نظارت بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، هم اندیشی فرهنگ ایثار و شهادت، ۱۳۸۴.

خوانساری، آقا جمال الدین، شرح آقا جلال الدین خوانساری بر غررالحکم (جلد۳)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا (جلد ۵)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المؤمنین (جلد ۸)، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ ه .ق.

راغب اصفهانی، حسین بن عبدالله، معجم مفردات الفاظ القرآن، ترجمه: حسینی خسروی، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۳.

رضوان فر، احمد، فرهنگ اخلاقی معصومین علیهم السلام الف، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴.

رحیمی بروجردی، علی رضا، سیر تحول اندیشه و تفکر عصر جدید در اروپا، تهران، علمی، ۱۳۷۰.

سبحانی تبریزی، جعفر، فروغ ابدیت (جلد ۱)، مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات، پاییز ۱۳۷۳.

______________ ، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، کومش، ۱۳۷۳.

شبر، عبدالله، الاخلاق، مترجم: محمدرضا جباران، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۸۳.

شعبه حرانی، ابی محمد حسن بن علی بن الحسین، تحف العقول، ترجمه: احمد جنتی عطایی، تهران، کتاب خانه اسلامی، ۱۳۶۲.

______________ ، تحف العقول، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامی، ۱۴۰۰ه .ق.

صداقت، سید علی اکبر، یکصد موضوع، پانصد داستان، قم، تهذیب، ۱۳۸۷.

صدوق، ابن بابویه محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه: ابراهیم محدث، قم، ارمغان طوبی، ۱۳۷۹.

______________ ، علل الشرایع، ترجمه: محمدجواد ذهنی تهرانی، قم، مؤمنین، ۱۳۸۶.

صمیمی، حمیدعلی، «مردم، فرهنگ ایثار و شهادت»، مجموعه مقالات همایش ایثار و شهادت، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی مازندران، ۱۳۸۶.

______________ ، من لا ـ یحضره الفقیه (جلد ۲)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ ه .ق.

طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان (جلد ۶)، ترجمه: محمدباقر موسوی، تهران، جامعه مدرسین، ۱۳۷۹.

طبرسی، علی بن حسن، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، ترجمه: علی پیروی انصاریان، قم، ۱۳۳۴.

طبرسی، علی بن حسین، مشکاه الانوار، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۶.

طوسی، محمد بن حسن، امالی، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه، قم، مؤسسه بعثت ـ دارالثقافه، ۱۴۱۴ ه .ق.

العروسی الاهوازی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، محقق: علی عاشور، بیروت، ۱۴۲۲ ه .ق.

عمید، حسن، فرهنگ عمید (جلد ۱)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴.

عوفی، سدیدالدین محمد، جوامع الحکایات و لوامع الروایات، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۸۰.

غرویان، محسن، صحیفه سجادیه موضوعی، قم، دفتر نشر معارف.

فلسفی، محمدتقی، شرح و تفسیر دعای مکارم اخلاق (جلد ۱ و ۲)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.

فلسفی، محمدتقی، معاد از نظر روح و جسم (جلد ۱)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.

فیض کاشانی، المحجه البیضاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳.

قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن (جلد ۱)، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱.

قزوینی، محمدکاظم، حضرت فاطمه علیها السلام ، از ولادت تا شهادت، ترجمه: علی کرمی فریدونی، قم، شریعت، ۱۳۸۹.

قمی، شیخ عباس، مستدرک السفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، دارالاسوه للطباعه و النشر، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۰.

ــــــــــــــــــــ ، نفس المهموم، ترجمه: ابوالحسن شعرانی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، ۱۳۷۴.

کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالأضواء، قم، ۱۳۶۴.

گیلانی، محمدمهدی، درس های اخلاق اسلامی مجموعه آثار، به کوشش: جعفر سعیدی، تهران، سایه، ۱۳۷۸.

متقی هندی، حسام الدین، کنزالاعمال فی سننن الاقوال والافعال، بیروت، مکتب التراث الاسلامی، ۱۳۸۹ ه .ق.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، کتابخانه ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ، جلدهای ۹۷، ۳، ۷۰، ۷۳.

محدثی، جواد، پیام های عاشورا (جلد ۴)، قم، پژوهشکده تبلیغات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه (جلد ۱)، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۹.

مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله ، ۱۳۸۶.

مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ه .ق.

ورام، محمد بن عیسی، مجموعه ورام «آداب و اخلاق در اسلام»، ترجمه: محمدرضا عطایی، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۶۶.

مطهری، مرتضی، انسان کامل (جلد ۱)، تهران، صدرا، ۱۳۷۳.

______________ ، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۳.

______________ ، حماسه حسینی (جلد ۱ و ۲)، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.

______________ ، سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.

______________ ، سیری در نهج البلاغه، تهران، صدرا، ۱۳۵۴.

______________ ، گفتارهای معنوی (جلد ۱)، تهران، صدرا، ۱۳۷۳.

______________ ، مجموعه آثار (جلد ۲)، تهران، صدرا، ۱۳۷۴.

______________ ، فطرت، تهران، صدرا، ۱۳۷۵.

______________ ، قیام و انقلاب مهدی، تهران، صدرا، ۱۳۷۶.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.

موسوی خمینی، روح الله، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، ۱۳۷۱.

________________ ، صحیفه نور (جلد ۱۱)، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.

مهدی زاده، زهرا، «مبانی دینی فرهنگ ایثار و شهادت»، مجموعه مقالات فرهنگ ایثار و شهادت، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۸.

نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، قم، جاوید، ۱۳۷۸.

نراقی، ملا مهدی، جامع السعادت (جلد ۱)، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۱.

نصر، حسن، سه حکیم مسلمان، ترجمه: احمد آرام، تهران، شرکت سهامی کتاب های حبیبی، ۱۳۷۱.

نیشابوری، ابوجعفر محمد بن حسن، روضه الواعظین، ترجمه: محمود مهروی دامغانی، تهران، میراث ماندگار، ۱۳۶۶.

هاشمی خویی، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ترجمه: محمدباقر چهره ای، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۰ه .ق.

همایش ملی ایثار و شهادت و توسعه کشور، سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان کرمانشاه، بنیاد شهید و امور ایثارگران، کرمانشاه، ۱۳۸۵.

یوسفی، علی رضا، ایثار، قم، حسنین علیهما السلام ، ۱۳۸۱.

ب) نشریه

۱. اسفندیاری، خلیل، «کارکردیابی و آسیب شناسی فرهنگ ایثار»، نشریه رسالت، شماره ۱۰، ۱۳۸۵.

۲. پینکافس، ادموند ال، «فضایل»، ترجمه: سید حمیدرضا حسنی و مهدی علی پور، مجله نقد و نظر، شماره ۱۹ و ۲۰، ۱۳۸۴.

ص: ۱۴۴

۳. ولوی، علی محمد، «پژوهش در چگونگی رفتار با شاهدان شهادت»، نشریه فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۰، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، نشر شاهد، ۱۳۷۸.

۴. ماهنامه شاهد، ۱۳۶۰، شماره ۱۵.

ج) پایگاه اینترنتی

معنوی پور، داوود، قیام امام حسین علیه السلام ، در: www.farhangeisar.com

ابراهیمیان، فرشید، در: www.farhangeisar.com

تمسکی ، محمدرضا، تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت در مناسبات نسلی، در: www.farhangeisar.com

سایت تبیان.

سایت فرهنگ ایثار و شهادت.

سایت منتخب تفاسیر معارف قرآن: www.marefqoran

معنوی پور، داوود، بررسی اثرات فرهنگی اجتماعی آزادی خرمشهر، برگرفته از: www.farhangeisar.com

نورانی، www.farhangeisar.com

www. isar.ir

www. Navidshadad.com

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹